

# آموزش ابتدائی

## رشد

۲

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی  
دوره‌ی هجدهم/ آبان/ ۱۳۹۳/ شماره‌ی بی‌دری/ ۱۴۳  
مادنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سردیر: اصغر ندیری  
شورای برنامه‌ریزی:  
فاطمه رمضانی، حسن طاهری  
سیده‌زهرا یاسینی، یدالله رهبری‌نژاد  
صادق صادق‌پور  
مدیر داخلی: فهیمه دهقان  
وپراستار: لیلا بنی‌طیاء، خان‌آبادی  
طراح گرافیک: علیرضا پور‌حنیفه

نشانی دفتر مجله:  
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱  
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۹  
نامبر: ۸۸۳۰ ۱۴۷۸

ویگاه: www.roshdmag.ir  
پیام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir  
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:  
۸۸۳۰ ۱۴۸۲  
کد مدیر مسئول: ۱۰۲  
کد دفتر مجله: ۱۰۹  
کد مشترکین: ۱۱۴  
نشانی امور مشترکین:  
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
تلفن امور مشترکین:  
۰۲۱ - ۷۷۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۶۶۵۵  
شمارگان: ۳۵۰۰۰  
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- یادداشت سردیر / کتاب‌هارا بخود به گردش ببریم / اصغر ندیری ۲/
- آموزش / می‌توانی باقدرت، حرمت بخیری؟ / دکتر نیره شاه‌محمدی ۴/
- گفت‌وگو / تاریخ‌گاهی ابریشم را دوست داشتم، به فارسی رسیدم / به کوشش دکتر ابوالفضل بختیاری ۶/
- یادداشت / استراحت و تفریح شادمانه / حسن رضاترابی ۹/
- گفت‌وگو / رفاقت به حاجی رقابت / سمانه آزاد / ۱۰/
- تعلیم و تربیت / غلط‌امالی / میترازمانی مظفر آبادی ۱۳/
- تجربه‌ی سبز / در کلاس من یک‌نواختی معنا ندارد / ثریا آزادان / ۱۳/
- تعلیم و تربیت / دقایقی با کفش دیگران راه برویم! / زری آقاجانی / ۱۴/
- تجربه‌ی سبز / آشنایی با کتاب و کتاب‌خوانی / ذیح‌الله قادری مقدم / ۱۶/

لذت قصه در یادگیری / علیرضا شیخ‌الاسلامی ۱۸/

همزاد بشر / ۲۰/

فنی که به چشم نمی‌آید / جبار کشاورز / ۲۶/

چوپان دروغگو، عمری به درازای تاریخ دارد / جعفر ربانی / ۲۹/

از یک اسم تا کتاب نارنجی / ۳۲/

- نکته / دانش‌های خاک‌خورده / مرضیه معین / ۳۳/
- پژوهش / شما چه جور آدمی هستید؟ / محمدرضا زرم آرا / ۳۴/
- گفت‌وگو / عشاير با گفت‌وگوهای ۱۰۵+ موافق‌اند / محمود اردودخانی / ۳۶/
- آموزش / جمع و تفریق‌های فرایندی / بهزاد قباخلو / ۲۸/
- آموزش / جادوی ارتباط مؤثر / اعظم فاضلی / ۴۰/
- فناوری / از آموزگار هوشمند به تخته‌ی هوشمند / نداملکی / ۴۲/
- آموزش / جغرافیا، ریانه و فناوری آموزشی / دکتر مهدی چوبینه / ۴۴/
- همراهان ما / پاسخ به نامه‌های خوانندگان / شورای برنامه‌ریزی مجله ۴۶/
- خطاطه / اشک شادی / صبری مهرانی / ۴۸/

قابل توجه نویسنده‌گان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبل از جای دیگری جاپ شده باشند. • مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله‌را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله‌ی یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار WORD و بر روی CD و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. • نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. • محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. • مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدفها و پیام نوشtar در چند سطر تنظیم شود. • کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید و ازهارها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جدآگاهه نوشته شوند. • مقاله باید دارای تیتر اصلی، تیترهای فرعی در متن و سوتیر باشد. • معرفی نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوانی و آثار وی پیوست شود. • مجله در درد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. • مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. • آرای مندرج در مقاله ضرورت نمی‌بین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

# کتاب‌ها را با خود به گردش ببریم

اصغرندیری

این روزها در ایامی هستیم که کتاب، کتاب‌خوان و کتاب‌خانه بیشتر دیده می‌شود. بنابراین دست‌آویزی است تا با یکدیگر حرف بزنیم. پس بباییم؛ دست کتاب‌ها را بگیریم و آن‌ها را به مهمانی، گردش و حتی با خود به محیط‌های ورزشی ببریم. شما که بچه‌های خود را به خانه‌ی دوست و آشنا می‌برید یا در کوچه و خیابان دور می‌زنید و برای کسب تجربه، فرزند دل‌بندتان را با هر همسایه یا هر چیز غریبی روبرو می‌سازید، این امکان را به او بدهید که با کتاب هم آشنا شود. آن را در دست بگیرد، ببیند و ورق بزند و سطربه سطربه آن را لمس کند. هر کتاب دنیایی است که با ما حرف‌ها دارد.

یادش به خیر، هر وقت اول مهر می‌شد و البته تا مدت‌ها که کتاب درسی جدید می‌گرفتیم، بارها کتاب‌ها را می‌بینیم و از رایحه‌ی خاص آن‌ها لذت می‌بردیم. کتاب‌های هر سال تحصیلی عطری داشت برای خودش و دنیایی بود از طراوت و خاطرات دوست‌داشتنی. شما آموزگاران گرامی و والدین آینده‌نگر می‌توانید کاری دیگر هم انجام دهید. دست دانش‌آموزان خود را بگیرید و آن‌ها را به دنیای رنگارنگ و متنوع کتاب‌ها ببرید. به آن‌ها دانسته‌های خود را منتقل کنید. بگویید کتاب‌ها یا علمی هستند مثل دایرةالمعارف‌ها که درباره‌ی سیاره‌ها، حیوانات، تاریخ و جهان اطراف ما حرف می‌زنند و یا تخیلی بوده و ما را به دنیای خیال و جایی که وجود خارجی ندارد، می‌برند. زندگی در فضا و ستارگان یا کهکشان‌های دور دست چگونه است؟ و البته کتاب‌هایی وجود دارند که تلفیقی از این دو هستند و به آن‌ها علمی-تخیلی می‌گویند.

تا صد سال پیش وقتی آدم‌ها به این فکر می‌کردند که روزی می‌توانند پرواز کنند و درباره‌ی آن داستان‌ها می‌نوشتند و با اسب پرنده به آسمان‌ها پر می‌کشیدند، در واقع داستان‌های علمی-تخیلی را ساخته یا بازگو می‌کردند. زندگی‌نامه‌ها مانند زندگی بزرگان دین و دانش یا به دست خود آن‌ها نوشته شده و یا به دست پژوهش‌گران و آن‌ها که علاقه‌مند این گران‌نامه‌گان بوده‌اند. یعنی آن‌ها که باعث شده‌اند زندگی و نگاه انسان‌ها متحول شود.

برای ترغیب دانش‌آموزان به کتاب‌خوانی راه‌های زیر را امتحان کنید:

- دانش‌آموزان یک بند درباره‌ی کتاب یا کتاب‌هایی که خوانده‌اند یا شما به آن‌ها معرفی کرده‌اید، بنویسند.
- درباره‌ی این موضوع؛ «کتاب‌ها را با خود به گردش ببریم» انشا بنویسند.





- اگر داستان می‌خوانند و شخصیتی در کتاب وجود دارد، خود را در بخشی از داستان یا به جای شخصیت وارد قصه کرده و متن را ادامه دهند.
- دانش‌آموزان درباره‌ی کتابی که خوانده‌اند، بحث و تبادل نظر کنند.
- اگر فیلمی درباره‌ی متن و داستان آن کتاب دیده‌اند، به دانش‌آموزان کلاس معرفی کنند.
- نقشه‌ی محلی که محتوای کتاب در آن اتفاق افتاده را در کلاس تشریح کنند.
- دانش‌آموزان به یکی از شخصیت‌های کتاب مورد نظر نامه‌ای بنویسند و طی گفت‌وگو، نظرات خود را درباره‌ی وقایع کتاب ابراز دارند.

#### یک سؤال

از دانش‌آموزان پرسید کتابی را که مطالعه کرده و دوست داشته‌اند، آیا باید در کتاب خانه‌ی خود نگهدارند و به کسی ندهند و یا اینکه آن را در دسترس همگان بگذارند؟ چرا؟

باید اعتراف کنم کار بدی در حق کتاب‌هایم کرده‌ام! راستش را بگویم هر کتابی را که دوست داشتم، اگر نقاشی خوبی داشت و یا محتوا و داستان آموزنده یا متنی قوی داشت، آن را از معرض دید و دسترس دیگران دور می‌کردم تا فقط آن کتاب برای خودم باشد! فکر می‌کردم اگر آن را یک نفر دیگر ببیند ممکن است به آن دل بیندد، آن را ببرد و آنقدر بخواند که به آن آسیبی برسد و من دیگر رویش را نبینم.

اینها که گفتم به خاطر یک اتفاق ناگوار رخ داده بود. کتاب‌هایی داشتم که یا به شعر بود یا داستان. وقتی برای دوست یا آشنا از کتابی جدید یا جالب توجه و خواندنی صحبت می‌کردم، او ذوق‌زده می‌شد و درخواست می‌کرد که آن را در اختیارش بگذارم. من هم با افتخار آن را به رسم امانت قرض می‌دادم. اما مدتی که می‌گذشت، از برگشت کتاب خوب من اثری دیده نمی‌شد. در حقیقت من هم خجالت می‌کشیدم که آن را بخواهم و این هجران ماهها و سال‌ها طول می‌کشید و من می‌آمدم کتاب خانه‌ام را وارسی می‌کردم. کتاب‌هایی که کمتر خوانده می‌شدند در فضه‌ها جا خوش کرده بودند و آن‌ها که همدم شب و روز من بودند، سر جای خود نبودند. فکر کش را بکنید. تعدادی از دوستنام گم شده بودند. اما من خود را قانع می‌کردم که نه! این کتاب‌ها دست به دست می‌چرخند و همگان از محتوای آن‌ها استفاده می‌کنند و روزی آن صفحات نازنین حتی جلد شده به خانه بازمی‌گردند.

آدم باید از حوادث و رویدادهای اطراف خود درس بگیرد. حالا دیگر من در جیب خود دو خودکار می‌گذارم، به این رسیده‌ام که «خودکار و کتاب» و «قلم و دفتر» دو جزء جدایی‌ناپذیرند. اگر به کسی کتاب دادم، خودکارم را نیز هدیه می‌کنم و منتظر برگرداندن آن نمی‌شوم. می‌دانم که نتیجه‌ی این کار را بعدها به شکلی شیرین خواهم دید.

# می توانی با قدرت حرمت بخری؟

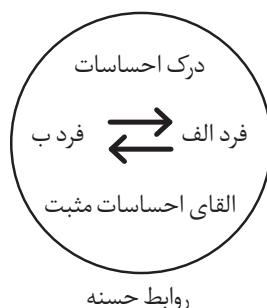
## مدیریت برقراری روابط انسانی در دبستان

دکتر نیره شاه محمدی  
قسمت دوم

### روابط حسنی در روابط انسانی

رابطه‌ی حسنی یعنی رابطه‌ی مثبت و هدف‌داری که دو طرف با درک متقابل احساسات، ادراکات و نیازهای یکدیگر با هم در تعامل اند و از رابطه‌ی خود احساس رضایت، خشنودی و سودمندی می‌کنند. دینک مایز می‌گوید: «یکی از وظایف مدیران یا معلمان ایجاد روابط حسنی است». او اعتقاد دارد که فرد باید در بهره جستن از روابط حسنی با دیگران برقراری ارتباط را بیاموزد، نیازهای خود را به شکل معقولی ارضاء کند، احساساتش را کشف کند، اطلاعات بیشتری درباره‌ی خود کسب کند و هدفهایی برای آینده‌اش تعیین و نحوی رسانیدن به اهدافش را مشخص نماید» (میرکمالی، ۱۳۷۹).

سنگ بنای روابط حسنی شناخت نیازها و احساسات افراد است و این موضوع آن قدر اهمیت دارد که کومیز و اسنیک در فرمولی روابط حسنی را معادل درک و القای احساسات مثبت می‌دانند که به صورت زیر نشان داده می‌شود.



در خانواده، مدرسه و جامعه می‌بایست

به این نکته توجه کرد، یعنی بدون در نظر گرفتن قدرت، موقعیت و مقام افراد با حفظ حرمت و شأن انسانی آن‌ها ارتباط برقرار کنیم.

### حفظ اعدال و انتقادپذیری در روابط انسانی

اصول برای انجام فعالیت‌ها و دست‌یابی به اهداف شیوه‌های مختلفی وجود دارد اما راهی مناسب است که از افراط و تغیریط دور بوده و به عبارت دیگر راه اعدال و میانه باشد.

همچنین برای برقراری روابط انسانی یکی از موضوعات بسیار مهم و اساسی سعهی صدر و تحمل سختی‌ها و توانایی پذیرش و درک آن‌هاست. انتقادانایذیری و بی‌توجهی به این امر عوارض و پیامدهایی برای افراد و سازمان دارد که مهمنترین آن‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد.

۱. باقی ماندن مسائل و مشکلات و نارسایی‌ها

۲. خودمحوری و محروم شدن از آراء و نظرات سازنده‌ی دیگران

۳. ایجاد فضای نامناسب تملق و چاپلوسوی

۴. عدم تشخیص افراد صادق، سازنده و پویا در نتیجه‌ی ارزش‌یابی و قضاوت نامناسب (پیرزادیان، ۱۳۸۵).

### اشاره

ایجاد روابط مطلوب میان مدیر و کارکنان، از هدر رفت هزینه‌های مالی و انگیزه در مدرسه و بین آموزگاران و دانش‌آموزان جلوگیری می‌کند. اما باید دید روابط انسانی و گونه‌ی مطلوب آن چیست؟

با ذکر ضرورت برقراری روابط انسانی و حفظ ارزش‌ها در مجله‌ی شماره‌ی ۱، اینک به حفظ حرمت در روابط انسانی و نکات مورد توجه در روابط انسانی توجه فرمایید.

**کلیدواژه‌ها:** روابط مطلوب انسانی، حفظ حرمت، روابط حسنی

### حفظ حرمت در روابط انسانی

حرمت را «آبرو، ارجمندی و آنچه حفظ و نگهداری و محترم داشتن آن واجب است» تعریف کرده‌اند. یکی از بیویگی‌های اسلام دگرگون کردن ملک‌ها و معیارها در مناسبات انسانی بوده است. در بعضی از جوامع و مکاتب بشري ارزش و احترام انسان‌ها به قدرت، ثروت، جنس، نژاد، موقعیت خانوادگی و اجتماعی و امور مشابه بستگی دارد ولی از دیدگاه مکتب اسلام همه‌ی انسان‌ها از شأن، کرامت، مقام و احترام انسانی برخوردارند و ملک برتری، ارزش، کرامت و احترام بیشتر تقدوا، پرهیزگاری و حفظ شأن و مقام انسانی و الهی است. بر این اساس همه‌ی انسان‌ها از احترام برخوردارند. لذا در برقراری روابط انسانی با دیگران

## چگونگی به وجود آمدن روابط

حسنه

دراخ احساسات دیگران دروازه‌ی برقراری روابط انسانی و همان‌گونه که کوئیز و اسنیک نیز اشاره دارند، عامل اساسی روابط حسنی است. مدیران و معلمانی را می‌بینیم که نسبت به احساسات دیگران بی‌اعتنای هستند و اگرچه همکاران، کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان را دوست دارند، نمی‌توانند مراتب دوست داشتن خود را به طریق بیان احساسات مثبت به آن‌ها منتقل سازند. در نتیجه نوعی احساس دلزدگی در میان آن‌ها به وجود می‌آید که زحمات کلیه‌ی کارکنان مدرسه را بهدرمی‌دهد. رعایت‌سده قانون کلی زیر می‌تواند در ایجاد روابط حسنی مؤثر باشد.

۱. هر فرد با دیگران آن‌چنان رفتار کند که دوست دارد با اورفتار شود: این اصل به برقراری روابط حسنی و برقراری عدالت در رفتار منجر می‌شود.

۲. قانون گریزی: یعنی «موضوعات و مسائل فراوانی هستند که به‌طور مستقل و به‌غم میل ماجهود دارند و ما در ساخت و کار آن دخالتی نداریم». معلم نباید تفهیم منظور خود لازم است به نکات زیر توجه شود.

- بدانیم که می‌خواهیم از طریق برقراری ارتباط به چه چیزی دست یابیم و هدف از ارسال پیام چیست.

- پیام را بدون پیچیدگی و ابهام و از طریق وسیله‌ی ارتباطی مناسب ارسال کنیم.

- نیازهای گیرندگان پیام را تشخیص دهیم و به حالات روحی، روانی و عاطفی آن توجه کنیم. این امر سبب می‌شود که قابلیت و میزان پذیرش پیام برسی شود.

- با گیرندگان پیام صمیمی باشیم و در

## چگونگی ایجاد روابط انسانی

آنان اعتماد و اطمینان ایجاد کنیم.

- به صحبت‌ها خوب گوش دهیم و قابلیت پذیرش افراد را داشته باشیم زیرا بسیاری از مشکلات موجود در مدرسه با خوب گوش دادن به دردشی‌های کارکنان قابل حل است.
- سطح دانش، اطلاعات و معلومات مخاطبان خود را در نظر بگیریم.
- از جمله‌های کوتاه و واژه‌های قابل فهم استفاده کنیم.
- در جریان صحبت کردن بر نکات اصلی و کلیدی تأکید کنیم و از جزئیات کم‌اهمیت پرهیزیم.
- رمز موقتی در مدیریت، موفق شدن در کار کردن با انسان‌هاست. رمز موقتی در کار با انسان‌ها نیز دوست داشتن آن‌هاست. لذا لازم است به همکاران و دانش‌آموزان نوعی علاقه و خیرخواهی داشته باشیم و آن‌ها را از صمیم دل دوست بداریم. تا زمانی که کسی را به دلایلی دوست نداشته باشیم، نمی‌توانیم با او ارتباط برقرار کنیم.
- هر مدیر آموزشی باید به روحیه و حالات روانی دانش‌آموزان و معلمان خود توجه داشته باشد. وجود علائمی چون بی‌اعتمادی، ترس، نالمیدی، تنفر و احساس نشاط نکردن در محیط آموزشی به معنی نبود بهداشت روانی و فقدان روابط انسانی است.

منابع در دفتر مجله موجود است.



۳. قانون دویی از جدال: براساس این قانون، معلمان و مسئولان مدرسه باید در هر شرایطی کرامت و احترام یکدیگر را حفظ کنند، چرا که در صورت بروز جدال، شخصیت خودش نوعی تساهل پیشه کند و همواره در شرایط چاره‌نایابی قدرت تحمل آن‌ها را داشته باشد (وود، ۱۳۷۹).

قانون دویی از جدال: براساس این در هر شرایطی کرامت و احترام یکدیگر را حفظ کنند، چرا که در صورت بروز جدال، شخصیت و حرمت بین آن‌ها از بین می‌رود و برای جبران مافات باید انرژی بسیاری صرف کنند.

# تاریخ جاده‌ی ابریشم را دست داشتم به فارسی رسیدم



به کوشش دکترابول الفضل بختیاری  
عکس: رضا بهرامی

توبوکو موریتا، پژوهشگر ژاپنی  
درباره‌ی تعلیم و تربیت  
ابتدایی ژاپن و ایران می‌گوید

به معلم جواب می‌دهد. به همین ترتیب در همه‌ی درس‌ها دسته‌بندی می‌کنند. در ورزش هم همین طور گروه‌بندی می‌کنند. موقع ناهار هم یک گروه را تشکیل می‌دهند و گروهی با هم ناهار می‌خورند، آموزگار هم می‌نشینند و نگاه می‌کند. بعد از وقت ناهار هم خود داش آموزان سالان غذاخوری را تمیز می‌کنند.

در نظام آموزشی ژاپن چه کار کرده‌اند که بچه‌ها خودشان داودطلبانه کار را به‌شکل گروهی انجام می‌دهند؟ معلم هم راهنمایی می‌کند، اما بیشتر هنگامی که دانش آموز سال اول وارد مدرسه شد، می‌بیند که دانش آموزان سال دوم و سوم چطور با هم گروهی کار می‌کنند، چگونه نظافت می‌کنند. دانش آموزان دوم، سوم و چهارم راهنمایی بچه‌های بالاتر یاد می‌گیرند که چه کارهایی انجام دهند.

آیا معلم‌های ژاپن در مدارس ابتدایی جلسه دارند و با هم حرف می‌زنند؟ گفتید در دفتر مدرسه معلم‌های ابتدایی در مورد مسائل مشترک حرف می‌زنند!

دیبرستان تقسیم می‌شود و تا آخر دوره‌ی راهنمایی تحصیلی اجباری و رایگان است. خانم دکتر، اجازه بدید به آموزش ابتدایی و شش سال اول بپردازیم؛ مدارس شما چه ویژگی هایی دارند؟

یک خصوصیت ژاپنی‌ها این است که کار گروهی زیاد انجام می‌دهند. در بازار کار نیز همین طور است. آن‌ها بعد از اینکه تحصیلاتشان تمام می‌شود وارد بازار کار می‌شوند، باید گروهی کار کنند. در ژاپن همین که یک نفر استعداد داشته باشد، فایده ندارد. اگر یک نفر خیلی استعداد داشته باشد، حساسیت ایجاد می‌کند و در نظر دیگران خوب نیست.

آیا کار گروهی در مدرسه از طرف معلم‌ها و برنامه‌ی آموزشی تشویق می‌شود؟

در دوران ابتدایی معلم و نظام آموزشی همه بر کار گروهی تأکید دارند. در درس هم همین طور است، یک گروه چهار یا پنج نفر را دسته‌بندی می‌کنند و موضوعی به آن‌ها می‌دهند تا با هم مشورت کنند. آن‌ها با هم نتیجه می‌گیرند و از بین خودشان یک سرگروه انتخاب می‌کنند و آن شخص

توبوکو موریتا، پژوهشگری است که به ایران علاقه‌مند است و زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه اوزاکا خوانده است. او هم‌چنین فوکلیسانس روابط بین‌الملل با تخصص ایران است و در دوره‌ی دکترای روابط بین‌الملل نیز همه چیز درباره‌ی ایران از جمله چگونگی آموزش و پرورش آن را مطالعه و تحقیق می‌کند. می‌گوید: «بعد از انقلاب اسلامی به مطالعه‌ی نظام آموزش و پرورش ایران پرداختم. از پانزده سال پیش در ایران از کلاس‌ها بازدید می‌کردم. به نظر من روش تدریس در کشور شما خیلی جالب است. حرف زدن بچه‌ها خیلی مهم است. در اینجا دانش آموزان صحبت می‌کنند اما در ژاپن بچه‌ها ساكت می‌شینند».

در ادامه برای آشنایی بیشتر و مقایسه‌ای کوتاه میان آموزش و پرورش دوره‌ی ابتدایی ژاپن و ایران گفت و گویی ما موریتا را پیگیری کنید.

نظام آموزشی ژاپن به چند دوره تقسیم می‌شود؟

نظام آموزشی و پرورشی ژاپن به شش سال ابتدایی، سه سال راهنمایی و سه سال

خاصی داشته باشد، همه به او حمله می‌کنند  
او بسیار صدمه می‌بیند!

خانم دکتر، شما در چند سال اخیر دفعات زیادی به ایران سفر کرده‌اید و در مطالعات و گفت‌وشنودها شرکت داشته‌اید. حتی از مدرسه‌های زبانی در تهران دیدن کرده‌اید. چه چیز در مدرسه‌های ما در دوره‌ی ابتدایی بیشتر توجه شمارا جلب کرده است؟ یکی از چیزهایی که جالب توجه بود اینکه بچه‌های ایران به حرف زدن اهمیت می‌دهند. به ارتباط کلامی خیلی اهمیت می‌دهند، توانایی ارتباط خیلی سطح بالاست. برقراری ارتباط ایرانی‌هایی که به زبان آمده‌اند همین طور است و خیلی آسان حرف می‌زنند. زبانی‌ها خیلی خجالتی هستند و احساس خود رانمی‌گویند. به نظرم در زبان هم باید به آموزش ارتباط برقرار کردن دانش آموزان توجه بیشتری شود.

پس به نظر شما توانایی برقراری ارتباط در بچه‌های زبانی کمی نسبت به بچه‌های ایرانی کمتر است؟ در ایران بچه‌ها حرف زدن و تلفظشان خیلی خوب است. کتاب درسی را خوب می‌خوانند و حفظ می‌کنند و اگر معلم سوال کند زود جواب می‌دهند. خیلی فعال و علاقه‌مندند اما در زبان خیلی ساکت می‌نشینند و گوش می‌دهند.

در مقایسه‌ی نظام آموزشی ابتدایی ایران و زبان با توجه به کتاب شما با عنوان «آموزش به مثالیه فرنگ» نکته‌هایی را که برایتان جالب بوده است، بگویید. در این کتاب، در مورد استعداد صحبت کرده‌ام به زبان زبانی نوشته شده است و در مورد نظام آموزش و پرورش ایران مقاله دارد.

آیا مدارس ابتدایی زبان خیلی بزرگ‌اند؟ این قانون است. طبق قانون مدارس زبان پسیار بزرگ هستند.

ارزش‌یابی توصیفی شمانزدیک است.

در مورد کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی اول، دوم تا ششم توضیح بدھید. دانش آموزان این پایه‌ها چه درس‌هایی می‌خوانند؟ در سال اول و دوم درس‌ها ریاضی، زبان زبانی، زندگی، علوم اجتماعی، ورزش، هنر و موسیقی هستند. از سوم، ریاضی، اجتماعی، علوم و علوم اجتماعی جدامی شود.

چه درس‌هایی در دوره‌ی ابتدایی اهمیت بیشتری دارد؟ هر دانش آموز زبانی به چیزی علاقه‌مند است مثلًا علوم برای همه مهم است، از اول دبستان می‌پرسند به چه چیزی علاقه دارید. مثلاً اگر یکی بخواهد عکاس شود، درس هنر برایش اهمیت دارد.

آیا آموزش روس‌تایی هم دارند؟ آموزش‌ها حدوداً در یک سطح است اما اگر استانی جزیره‌های زیادی داشته باشد یا مدرسه‌ها هفت تا ده نفر دانش آموز داشته باشند هر پایه یک معلم خواهد داشت. مثلاً اول و دوم یک معلم، سوم و چهارم یک معلم و پنجم و ششم هم یک معلم دارند.

محتوای کتاب‌های درسی در کل کشور یکسان است؟ در زبان چندتالیفی وجود دارد. شرکت‌های خصوصی کتاب چاپ می‌کنند و به دولت می‌دهند و دولت اجازه می‌دهد که با نظارت اداره شهرداری انتخاب کنند. اگر دوره‌ی راهنمایی باشند اداره‌ی آموزش و پرورش استان می‌تواند انتخاب کند. اما در سطح هر شهر همه‌ی کتاب‌ها یکسان هستند.

در چند سال اخیر چه معضلات و مشکلاتی را در نظام آموزشی زبان دیده‌اید؟ همان طور که گفتم بچه‌ها در زبان گروهی کار می‌کنند. اگر کسی کار عجیب یا فکر

معلم‌ها هفته‌ای یک بار جلسه دارند. در همین جلسه مدیر مدرسه حرف‌های معلم‌ها را گوش می‌دهد. هر هفته معلمان کلاس‌های اول با هم جلسه دارند و این جداست و یک جلسه‌ی کلی هم دارند که همه‌ی معلم‌ها هستند و شرایط دیگری دارد. هر پایه مسائل خود را عنوان می‌کند.

یک آموزگار قبل از معلم شدن باید چه آموزش‌هایی بینند؟ آیا آموزش ضمن خدمت دارد؟

باید در رشته‌ی آموزش و پرورش تحصیل کند و حدائق مدرک لیسانس داشته باشد. بیشتر معلم‌ها لیسانس دارند. در دوره‌ی ابتدایی فوق لیسانس و دکترا خیلی کمتر هستند و اگر فوق لیسانس و دکترا هم داشته باشند، استاد دانشگاه می‌شوند.

**SOGDIANA** از سال دوم لیسانس برای بازدید مدرسه می‌روند. سال دوم، سه روز در هفته در یک ماه به مدرسه می‌روند و در واقع کارورزی دارند و بعد خودشان چند روز کلاس داری می‌کنند. همین دانشجویان می‌بایست گزارش هر روزه تهیه کنند که باید خیلی دقیق نوشته شود. سپس به معلم راهنمایشان می‌دهند و او ارزش‌یابی می‌کند.

آیا طرح درس در زبان مهم است؟ به، خیلی مهم است. تهیه‌ی طرح درس را دانشجویان از سال سوم دانشگاه شروع می‌کنند و به مدت یک ماه هر روز خودشان طرح درس درست می‌کنند و به معلم راهنمایشان می‌دهند و معلم ارزش‌یابی می‌کند و تذکرائی می‌دهد. آن‌ها حتی به کلاس می‌روند و معلم جدید به دانش آموزان درس می‌دهد. همین کارآموزی را حدود یک ماه انجام می‌دهند.

نحوه‌ی امتحان گرفتن و ارزش‌یابی در دوره‌ی ابتدایی به چه شکل است؟ ابتدایی امتحان دارد اما ارزش‌یابی در همین سه طبقه‌ی A، B، C یا خوب، متوسط و بد تعریف می‌شود که تا حدی به

آیا دانشآموزان در دوره‌ی ابتدایی کتاب درسی خودشان را به خانه می‌برند؟ بله، فقط در مدارس خصوصی نمی‌برند. در مورد همین کار هم در اداره‌ی آموزش و پرورش استان تصمیم می‌گیرند و هر استان و شهرداری قانون متفاوتی دارد. این رانیز بگوییم در ایران معلم‌ها خیلی تلاش می‌کنند، خیلی فعال اند، عاطفی هستند و همیشه طرف بچه‌ها را می‌گیرند و همیشه یک طرف را حمایت نمی‌کنند، هوای هر دو طرف را دارند. معلم حرف می‌زنند و بچه‌ها جواب می‌دهند و ارتباط زیادی دارند.

تعداد دانشآموزان در کلاس‌های دوره‌ی ابتدایی چند نفر است؟ قبلاً ۴۰ نفر بود اما حالاً ۳۵ نفر شده است. در مدارس شهرداری هر کلاس ۲۰ تا ۳۰ نفر است.

همچنین در مدرسه‌های انتاقی مخصوص اولیا و مریبان است که در آن جلسه‌تشکیل می‌دهند! از کلاس اول تا ششم، سه بار در یک سال تحصیلی جلسه‌ی کلی تشکیل می‌دهند.

آیا آمدن پدر و مادرها به مدرسه‌های اجباری است؟ بیشتر مادرها به مدرسه سر می‌زنند. من در مدرسه‌ای در توکیو دیدم که پدرها و مادرها آمده و آخر کلاس ایستاده بودند و مشاهده می‌کردند که معلم‌ها چه طور درس می‌دهند. از طرفی برای اینکه کیفیت تدریس معلم‌ها نیز بهتر شود سر کلاس معلم‌ها دیگر می‌روند و مشاهده می‌کنند و نظرشان را در جلسه‌ی می‌دهند و این گونه کیفیت تدریس شان را بالا می‌برند. اجباری نیست، اما بیشترشان این کار را می‌کنند.

بچه‌های ژاپنی هم دوست دارند دکتر شوند؟

در رابطه با آموزش شغل باید از بچگی آشنا شود. مثلاً در ایران دانشآموزانی که خیلی بالستعدادند، همه می‌گویند باید دکتر یا مهندس شوند. در ژاپن هم همین طور می‌گویند. در ابتدایی شروع می‌کنند و



در ایران معلم‌ها خیلی تلاش می‌کنند، خیلی فعال اند، عاطفی هستند و همیشه طرف بچه‌ها را می‌گیرند و همیشه یک طرف را حمایت نمی‌کنند، هوای هر دو طرف را دارند. معلم حرف می‌زنند و بچه‌ها جواب می‌دهند و ارتباط زیادی دارند.

و بچه‌ها جواب می‌دهند و ارتباط زیادی دارند

می‌پرسند که شما دوست دارید در آینده چه بخواهید. آن‌ها که سطح‌شان بالا باشد دوست دارند دکتر شوند. از بچه‌ی دوره‌ی ابتدایی می‌پرسند شما چه چیز را دوست دارید و به چه چیز علاقه‌مندید. در سال سوم راهنمایی بچه‌ها بیرون کار می‌کنند، در بیمارستان کار می‌کنند. آموزش و پرورش ژاپن از ده سال پیش این طرح را شروع کرده است که بچه‌ها با کار آشنا شوند. وزارت کار و آموزش و پرورش با هم همکاری می‌کنند. از بچه‌ها می‌پرسند دوست داری در آینده چه کاره شوی؟

درس انشا در دوره‌ی ابتدایی ژاپن چقدر اهمیت دارد؟

خیلی اهمیت دارد. هر روز مانند مشق شب باید بنویسند. هر موضوعی که خودشان دوست داشته باشند، انتخاب می‌کنند.

خواننده‌های ما وقتی این گزارش را بخوانند، می‌پرسند شما چطور این قدر خوب فارسی صحبت می‌کنید؟ چرا به فارسی علاقه‌مند شدید؟

خودم در ذهنم جاده‌ی ابریشم و تاریخ را دوست داشتم و عکس مسجدشاد و شهرهای ایران را می‌دیدم. برایم جذاب بود. اول زبان انگلیسی را دوست داشتم و آموختن آن را از راهنمایی شروع کردم. کل ربان‌های خارجی و بهویژه فارسی را دوست دارم.

# استراحت و تفریح شادمانه

## آموزگار و دانش آموز

### با برنامه های دفتر مدرسه از زنگ تفریح استفاده می کند

حسن رضاترایی

دبستان شهید سندروس، بیرجند



می شود فعالیت هایی به شرح زیر انجام داد. برپایی جشن ها و مناسبت های تقویمی، بازی های محلی، تشكیل نمایشگاه از دست ساخته های دانش آموزان، انجام آزمایش های کتاب های درسی، بازدیدها، اردوها، تئاتر و سرودها، بازی های کلاسی و پرورشی، مسابقات متنوع، درس پژوهی همکاران، بسیج دانش آموزی و تهیه یا ارائه عکس و فیلم به صورت کلیپ آموزشی و سرگرمی.

در زنگ های تفریح برای نظم دهی و فرآینر ساختن فعالیت های اجتماعی و جلوگیری از شلوغی بی مورد، این فیلم و عکس ها را از مانیتور نصب شده در رودی آموزشگاه به نمایش بگذارید تا دانش آموزان با دیدن تصاویر فعالیت های خودشان سرگرم تماشا شوند و ضمن بحث و گفت و گو و بیان انتقاد و پیشنهاد درباره ای آنچه دیده اند از زنگ تفریح لذت بیشتری ببرند.

#### پیشنهاد برای مدیریت بهتر زنگ تفریح

با توجه به اینکه دانش آموزان دوره ای ابتدایی بیشتر علاقه مند به بازی های دسته جمعی و پرهیجان هستند که محیط مدرسه را زنده و شاداب می کند:

1. بازی های سنتی فراموش شده را به دانش آموزان آموزش دهیم.
2. با بهبود وضع فیزیکی حیاط مدرسه به ایجاد یک محوطه می سیز اقدام کنیم.
3. سبب بهبود رفتار دانش آموزان از طریق جلب مشارکت در بازسازی حیاط و محوطه بی شویم.
4. همکاری معلمان در سامان دهی زنگ تفریح را خواستار شویم.

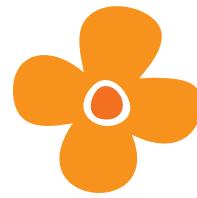


با گذشت حدود دو ماه از سال تحصیلی بیشتر دانش آموزان پایه ای اول و حتی دوم ابتدایی به اهمیت یا لزوم بودن زنگ تفریح در میان ساعت کلاسی پی می بند. بنابراین، زنگ تفریح هم فرصتی برای استراحت و رفع خستگی دانش آموزان و هم مهمنترین راه اجتماعی شدن آنان به شمار می رود. تجربیاتی که دانش آموزان در زنگ تفریح به دست می آورند می تواند در نگرش آنان نسبت به خود، مدرسه و تحصیل اثر بگذارد. زنگ تفریح فرصتی است تا دانش آموزان ضمن بازی گروهی با هم دوست شوند و به قولی برخی نقش های اجتماعی را در مدرسه تجربه کنند.

معمولًا مدرسه نقش چندانی در مدیریت زنگ تفریح بر عهده ندارد. در عوض نقش نظام یا معاون مدرسه در این زمینه کاملاً برجسته است. او معمولاً با وضع مقرراتی که غالباً برای دانش آموزان توجیه نشده است مانند توب نیاورید، ندوید، کش بازی نکنید، روی زمین خط نکشید، سعی می کند از تصادم و درگیری دانش آموزان و بروز خشونت های احتمالی جلوگیری کند. بعضی معاونان گاه با خط کش در میان دانش آموزان قدم می زند و در صددند تا دانش آموزان پر خاشکر، بی انضباط و مختلف را به سرای اعمال خود برسانند. آنان عقیده دارند با اینکه بسیاری از دانش آموزان رفتار معقولی در کلاس ها از خود نشان می دهند اما در حیاط مدرسه بی انضباط و غیرقابل کنترل هستند. با توجه به زمان کم زنگ تفریح در مدارس، این فرصت می تواند اثرهای بسیاری در بالا بردن روحیه دانش آموزان داشته باشد و این هدف زمانی محقق می شود که از پشتونهای قوی مدیریت برخوردار باشد.

#### جو آموزشی و فعالیت های مثبت

فضا و روحیه حاکم در مدرسه باید مشوق اهداف و ارزش های مشترک بین دانش آموزان، معلمان و اولیا باشد. داشتن انتظار بالا از دانش آموزان، مشارکت دادن آنان در زندگی و امور مدرسه، برقراری نظام تشوهی برای کسب موفقیت، تمرکز بر پیشرفت تحصیلی و رفتاری و ایجاد محیط فیزیکی جذاب از عوامل دیگر است که می تواند ضامن موفقیت مدرسه در زمینه های مختلف رفتاری باشد. برای مدیریت بهتر زنگ تفریح و استفاده های بینه از وقت



# رفاقت به جای رقابت

## حسنیه حسینیان، آموزگار پایه‌ی دوم از شیوه‌های تدریس خود می‌گوید

گفت و گو: سمانه آزاد  
عکس: اعظم لاریجانی

می‌دهید و به همین دلیل هم نتایج فعالیت‌هایتان خوب بوده است. چگونه به این موفقیت رسیده‌اید؟

من ذاتاً رابطه‌ی خوبی با بچه‌ها دارم و صبر زیاد را هم از مادر به ارث برده‌ام. در کل، رابطه‌ی راحتی با دانش آموزانم دارم؛ به طوری که بچه‌ها بدون هیچ ترسی به کلاس می‌آیند. حتی گاهی اگر مشکلی برایشان پیش بیاید با من راحت‌ترند تا با والدینشان. من معمولاً خیلی زود به مدرسه می‌آیم و بچه‌ها هم این را می‌دانند. جالب است که بسیاری اوقات وقتی به مدرسه می‌آیم می‌بینم چند نفر از بچه‌ها زودتر از من به مدرسه آمده‌اند.

از پرسیدن تترسند و بدانند آمده‌اند مدرسه تایاد بگیرند و تکلیف هم جزئی از فرایند یادگیری است. این آموزگار پایه‌ی دوم، که اکنون در دستان شهید کلاه‌دوز منطقه‌ی ۱۴ تهران مشغول است، تشویق به مطالعه و کار گروهی را از جمله مهم ترین بخش‌های تدریش می‌داند و معتقد است که با این روش رفاقت جای رقابت و خودخواهی را می‌گیرد.

شما محبت زیادی نسبت به بچه‌ها دارید و در ارتباط با آن‌ها صبر و حوصله‌ی بسیار به خرج

### اشارة

تعریف مهربانی و صبر زیادش را در رابطه با دانش آموزانش شنیده بودیم و اینکه به دلیل همین ویژگی، نتایج تدریش راضی‌کننده بوده است. نکته‌ی جالب توجه این است که وقتی از دانش آموزانش می‌پرسیم چرا فکر می‌کنید معلماتان مهربان است، می‌گویند: «چون به ما تکلیف می‌گوید!» یعنی دانش آموزی هست که نوشتمن تکلیف را ناشی از مهربانی معلمش بداند؟ بله، هست.

حسنیه حسینیان که از ۲۶ سال خدمتش، ۲۱ سال را معلم بوده است، از همان آغاز سال تحصیلی به گونه‌ای با بچه‌ها رفتار می‌کند که هیچ‌گاه



## به عنوان آموزگار ابتدایی از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کنید؟

اکنون که کتاب‌ها تغییر کرده روش تدریس بیشتر دانش‌آموز محور است تا معلم محور. بنابراین، معمولاً کلاس با مشارکت خود بچه‌ها و حتی دست‌سازه‌هایی که خودشان می‌سازند پیش می‌رود. البته کلاس همیشه در قالب کلاس درس همیشگی برگزار نمی‌شود. گاه در حیاط مدرسه، گاه آزمایشگاه یا نمازخانه و حتی گاهی در پارک نزدیک مدرسه کلاس را تشکیل می‌دهیم.

معمولًا قبل از اینکه موضوعی را درس بدhem، با طرح سوال‌هایی از بچه‌ها می‌خواهیم اطلاعاتی درباره‌ی موضوع درس به دست بیاورند. با والدین هم در این باره صحبت کرده و توجیه‌شان کرده‌ام که در پیدا کردن اطلاعات با بچه‌ها همکاری کنند. معمولاً بچه‌ها آن قدر خودشان مستقیم شوند که به دنبال کتاب و منابع مختلف می‌روند و اطلاعاتی حتی بیشتر از آنچه نیاز است به کلاس می‌آورند. البته برخی درس‌ها هم به روال تدریس می‌شود. در واقع، شیوه‌ی می‌کنم. مثلاً نماز را بانمایش و قصه‌گویی به بچه‌ها یاد می‌دهم. برای تدریس برخی از درس‌های ریاضی و فارسی هم از همین روش استفاده می‌کنم. خیلی وقت‌ها از دست‌سازه‌هایی که خود بچه‌ها در زنگ هنر درست می‌کنند استفاده می‌کنم.

## انجام دادن این شیوه‌ها وقت زیادی می‌طلبد؟

بله، ولی چون برای بچه‌ها جذاب‌تر است و در نتیجه بهتر یاد می‌گیرند، بهتر است از آن‌ها استفاده کنیم.

## آیا پیش از تغییر کتاب‌ها و نظام آموزشی، کلاستان معلم محور بود؟

از ابتدای همین شیوه استفاده می‌کردم. حتی در شیوه‌های آموزشی از والدین

ارزش‌یابی توصیفی مشکل داریم. برخی از آن‌ها این ارزش‌یابی را خیلی ساده می‌دانند و برخی هم هنوز جویای نمرات و امتحانات بچه‌هایشان هستند. هنوز ارزش‌یابی توصیفی برایشان جایگزینه است. شاید هم اگر کارنامه‌ها تغییر کنند این مشکل کمتر شود. کارنامه‌هایی که اداره می‌فرستد جمع‌بندی شده است. مثلاً ما در ریاضی معیارهایی مانند توانایی حل مسئله، درک مطلب و دیگر معیارهای را در نظر می‌گیریم اما کارنامه‌ی نهایی جمع‌بندی شده‌ی کارنامه است. باید در کارنامه همه این معیارها و میزان اهمیت هر کدام‌شان مشخص شود تا اولیا متوجه شوند. بسیاری از اولیا فکر می‌کنند که از وقتی ارزش‌یابی به شکل توصیفی شده است، بچه‌ها چیزی یاد نمی‌گیرند. آن‌ها نمی‌دانند که ما ذرۀ ذره فعالیت بچه‌ها را در کلاس در نظر می‌گیریم.

## با توجه به گفته‌هایتان، کتاب و تشویق به مطالعه در برنامه کلاسی تان سهم بسزایی دارد.

بله، معمولاً کتابی در ارتباط با موضوع درس می‌خوانیم. وقتی هم که مجله به دست‌مان برسد آن را تقسیم‌بندی می‌کنیم.

می‌خواستم که کمترین دخالت و نظارت را داشته باشند. مگر اینکه دانش‌آموز مشکلی داشته باشد، در غیر این صورت نظارت والدین باید غیر مستقیم باشد. در این حالت، بچه‌ها بیشتر احسان استقلال می‌کنند. مثلاً در کلاس درس به یکی از دانش‌آموزان می‌گوییم که به بقیه دیگرها بگوید. گاهی هم از بچه‌ها می‌خواهیم از یک درس سوال کنند و بعد سوالاتشان را باهم عرض کنند و به آن‌ها پاسخ دهند. البته با تغییر کتاب‌ها، میزان فعالیت‌های گروهی را بیشتر کرده‌ام.

## تغییراتی را که در کتاب‌ها ایجاد

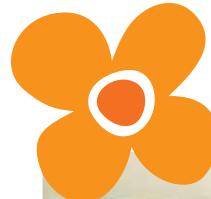
شده است چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این تغییرات لازم بود. کتاب هدیه‌های آسمانی خیلی بهتر شده است. سال‌های گذشته کتاب کار جدایگانه‌ای برای این درس داشتند که برای بچه‌ها خسته‌کننده بود. کتاب «بخوانیم و بنویسیم» هم بهتر شده؛ به خصوص حکایت‌ها برای بچه‌ها شیرین است اما در ریاضی موضوعات پرآکنده و مثال‌ها کم شده و این کار به عهده‌ی خود آموزگاران گذاشته شده است. بچه‌ها با کتاب علوم جدید راحت‌ترند. مباحثی مانند جرم و حجم که برایشان سنگین بود حذف شده است. ضمن اینکه، دانش‌آموزان مستقیم به جواب نمود دارد. من در درس علوم از بچه‌ها تحقیق می‌خواهم تا خودشان به جواب بررسند اما برخی از مدارس سوال و جواب را به دانش‌آموز می‌دهند تا فقط همان را مطالعه کنند. زمانی هم که مجله‌ی رشد به دست‌مان برسد سر کلاس حتماً از آن استفاده می‌کنیم.

## با این حساب، با نظام آموزشی جدید و کتاب‌هایش مشکلی نداشته‌اید؟

نه. اما هنوز با اولیا بر سر روش





دانش‌آموزان‌تان انجام دادن  
تکلیف‌هایی را که شما تعیین  
کرده‌اید، نشانه‌ی مهربانی‌تان  
می‌دانند! چطور این تفکر در آن‌ها  
به وجود آمده است؟

چون از روز اول به آن‌ها گفته‌ام که  
شما به مدرسه آمده‌اید تا یاد بگیرید.  
هیچ وقت از اینکه چیزی را بلد نیستید  
ناراحت نباشید. پس اگر جواب سوالی  
را بلد نیستید از پرسیدن نترسید.  
بپرسید تا من آن قدر توضیح دهم که یاد  
بگیرید. به این ترتیب، از اینکه تکلیفی  
انجام دهنده بدهند، نمی‌ترسند. گاهی که  
اشتباه بدهند، نمی‌ترسند. یکی از  
یکی از دانش‌آموزان پرسشی می‌کند از  
بقیه می‌خواهند جواب‌هایشان را بگویند  
و خودشان پاسخ درست را انتخاب  
کنند.

در صحبت‌هایتان به ضعف بچه‌ها  
در درک مطلب اشاره کردید. برای  
حل این مسئله چه کاری کرده‌اید؟

من دیکته را فقط از کتاب فارسی  
نمی‌گویم بلکه از همه‌ی کتاب‌ها استفاده  
می‌کنم. مهم این است که دانش‌آموزان  
لغت یاد بگیرند نه اینکه گنجینه‌ی  
لغات‌شان فقط به کتاب فارسی محدود  
شود. این کار باعث می‌شود بچه‌ها حتی  
وقتی علوم می‌خوانند هم به متن کتاب  
توجه داشته باشند. گاهی حتی از مجله‌ی  
رشد دیکته می‌گویم. گاهی هم از بچه‌ها  
می‌خواهند درباره‌ی مطلبی که خوانده‌اند  
حروف بزنند. به این ترتیب، به متنی  
که می‌خوانند توجه بیشتری می‌کنند.  
بچه‌ها معمولاً در درک مطلب ضعیف‌اند  
و به همین دلیل هم مسئله‌های ریاضی  
را به سختی حل می‌کنند؛ چون در واقع  
متوجه مسئله نمی‌شوند. علاوه بر این‌ها،  
از والدین خواسته‌ام وقتی بچه‌ها مشغول  
تماشای برنامه‌های تلویزیونی هستند یا  
کتاب می‌خوانند، از بچه‌ها پرسند چه  
می‌بینند یا می‌خوانند.



داند و این کارها را انجام می‌دهند.

**برای تشویق هر یک از این گروه‌ها  
چه می‌کنید؟**

امتیازاتی برایشان در نظر می‌گیریم؛  
مانند جایزه دادن، انتخاب آن‌ها به  
عنوان معلم کلاس و...

**تشویق به مطالعه از معلمی  
برمی‌آید که خودش اهل مطالعه  
باشد. این طور نیست؟**

بله. من اگر فرست داشته باشم حتی  
مطالعه می‌کنم. خصوصاً کتاب‌هایی که  
در حوزه‌ی روان‌شناسی کودکان باشد.  
درباره‌ی نحوه‌ی برخورد رفتار با بچه‌ها،  
به خصوص بچه‌هایی که دچار مشکلاتی  
هستند، هم کتاب می‌خوانم و هم فیلم  
می‌بینم که خوشبختانه نتیجه‌های  
داشته است.

مثلاً روز اول پنج صفحه را می‌خوانند، از  
آن صفحات یک املا می‌نویسند یا پنج  
کلمه انتخاب می‌کنند و جمله‌ی می‌سازند.  
بعد هم درباره‌ی محتوای آن پنج صفحه  
باهم حرف می‌زنیم و کاردستی‌اش را  
درست می‌کنیم.

**آیا رنگی به نام «زنگ مطالعه»  
دارید؟**

نه. گاهی براساس مناسبت‌های  
تقویمی کتاب می‌خوانیم، گاهی هم  
براساس موضوع درس. برخی اوقات  
هم از آن‌ها می‌خواهم کتاب بخوانند  
و درباره‌ی آنچه خوانده‌اند، توضیح  
دهند. کتاب‌ها هم براساس علایق  
بچه‌ها انتخاب می‌شوند. کتاب‌خانه‌ی  
کلاسی و کتاب‌خانه‌ی مدرسه و گاهی  
کتاب‌خانه‌ای که بچه‌ها در خانه دارند  
منابع ما هستند. واقعاً خود بچه‌ها ذوق

# در کلاس من یکنواختی معنا ندارد

ثیا آزادان

آموزگار منطقه‌ی مهربان، آذربایجان شرقی

مریم مشغول نقاشی کردن است و مثلاً در دستش هفت مداد رنگی دارد و زهرا مدادرنگی ندارد. پس، مریم هفت مدادرنگی دارد و زهرا صفر مدادرنگی. کمی که صمیمی می‌شوند، مریم یکی از مدادرنگی‌هایش را به زهرا می‌دهد تا دیده‌ام. یک نمونه از این نوع تدریس را که در کلاس اجرا کرده‌ام و نتیجه‌ی آن جلب توجه و شادی بچه‌ها و فراغیری راحت درس بوده است، در ادامه توضیح می‌دهم.

پیدا کردن جمع‌های ترکیبی دوتایی با استفاده از **حاله‌بازی**، **ساده اما پایدار** پس از بحث‌های مقدماتی و آماده‌سازی دانش‌آموزان، ابتدا دو نفر از دانش‌آموزان را برای «حاله‌بازی» پای تخته می‌نشانم و با استفاده از مدادرنگی به تعداد موردنظر، بازی را آغاز می‌کنیم. به این صورت که یکی از بچه‌ها به نام زهرا برای بازی به خانه دوستش می‌رود (می‌گوییم که این بچه‌ها تازه با هم آشنا شده‌اند). دوستش

چون در پایه‌ی اول تدریس می‌کنم و بچه‌ها تازه از دنیای بیرون و بازی دل کنده و به کلاس درس آمده‌اند، برای تدریس تمامی دروس دنیای بازی را به کلاس آورده‌ام و محیطی شاد و دل‌انگیز برای بچه‌ها تدارک دیده‌ام. یک نمونه از این نوع تدریس را که در کلاس اجرا کرده‌ام و نتیجه‌ی آن جلب توجه و شادی بچه‌ها و فراغیری راحت درس بوده است، در ادامه توضیح می‌دهم.

## غلط املایی

میترامانی مظفرآبادی

آموزگار دبستان ۲۲ بهمن تهرانسر، تهران

هنگامی که دانش‌آموز دبستانی بودم بعد از اینکه معلم مهربانم دفتر املای مان را تصحیح می‌کرد زیر نمره‌مان می‌نوشت از هر غلط پنج بار بنویس. این کار برای من و همکلاسی‌هایم خیلی تکراری و خسته کننده بود. حالا که خودم آموزگار هستم خوشحالم که با همفکری همکارانم روش‌های مختلف برای جایگزینی غلط دیکته‌ها پیدا کرده‌ام. من از دانش‌آموزان کلاس می‌خواهم که اگر کلمه‌ای را اشتباه نوشتند، صحیح آن کلمات را در «دفتر تلفن»، که ابتدای سال تهیی کرده‌اند، بنویسند.

مثلاً اگر دانش‌آموزی کلمه‌ی «کثیف» را این گونه «کسیف» نوشته است، صحیح این کلمه را در قسمت «ث» دفتر تلفن بنویسید و با آن جمله بسارد و یا در روش دیگر اینکه هر گروه از ابتدای سال یک جعبه مانند قلک تهیی کنند (مثلاً جعبه‌ی کفش) و شیاری روی آن ایجاد کنند و هر یار که دفتر املایه آنان داده می‌شود، افرادی که غلط املایی دارند، صحیح کلمات را در جعبه‌ی مخصوص بیندازند. در زنگ انشا و جمله‌سازی در جعبه را باز کرده و کلمات را روی میز بگذارند و همه‌ی افراد گروه با کلمات داخل جعبه شروع به نوشتن داستان یا مطالب کوتاه کنند.

# دقایقی با کفش دیگران راه برویم!

## در قلمرو صلح

زری آقاجانی  
قسمت دوم

خشونت، تقویت روحیه مشارکت و همکاری، رشد انعطاف و  
انتقادپذیری... (فتحی، ۱۳۸۵).

### کلاس صلح طلب

این اصطلاح را اولین بار ویلیام کریدلر، معلم مدرسه و متخصص تعارض مطرح کرد. وی مشاهده کرد که تعارض در کلاس به وسیله‌ی عوامل مختلفی مانند عدم ارتباط، محرومیت، عدم توانایی بیان احساسات و خلاً توجه و احترام به یکدیگر اتفاق می‌افتد. کلاس صلح طلب دارای خصوصیاتی از قبیل تأیید، همکاری، ارتباط، درک، تنوع نژادی، بیان مناسب احساسات و حل مسالمت‌آمیز تعارض است. در کلاس صلح طلب، دانش‌آموزان بدون توجه به تفاوت‌ها به یکدیگر احترام می‌گذارند و آموزگاران نیز می‌توانند از برخی روش‌های مؤثر استفاده کنند؛ از جمله:

- قسمتی از کلاس را به عنوان «قلمرو صلح» در نظر بگیرید. روزهای اول مدرسه برای دانش‌آموزان مفهوم «کلاس صلح طلب» را توضیح دهید و مؤلفه‌های فضای صلح آمیز در کلاس را زان‌ها پرسیید. از آنان بخواهید پوسترهای تهیه کنند که نشان‌دهنده‌ی قلمرو صلح و دستورالعمل‌های لازم برای رسیدن به آن باشد. خود نیز به عنوان آموزگار، اصول صلح طلبی را در خود تقویت کنید و هر روز صبح آن را به خود یادآوری کنید. شاید بد نباشد که در کلاس‌های «چند فرهنگی» نوع سلام و احوالپرسی را به لهجه‌ها و زبان‌های متفاوت بنویسید و در کلاس نصب کنید. یادتان باشد هر روز بالخند وارد کلاس شوید!

- دانش‌آموزان را مورد تأیید قرار دهید. در هر فرصتی که مناسب است آن‌ها را تشویق کنید. زمانی که دیدگاه‌های ایشان را بیان می‌کنند، با استفاده از زبان بدن و نکان دادن سر، آن‌ها

### اشاره

در شماره‌ی پیش گفته شد که در آموزه‌های دینی نیز بر رفتار صلح آمیز و مدارا تأکید شده است. هم‌چنین اشاره شد که دفاع از صلح، ابتداد را ذهن‌ها شکل می‌گیرد و البته پوشیده نیست که اهمیت دادن به موضوع صلح چقدر مهم است. با پرداختن به دهی فرهنگ صلح، مدرسه‌ی صلح طلب و رویکردهای یاددهی-یادگیری در آموزش صلح، در این شماره به کلاس صلح طلب و راهبردهای آموزشی آن می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش صلح، کلاس صلح طلب، احترام به دیگران.

### صلح چیست؟

با توجه به تعابیر متفاوت از صلح می‌توان گفت: «صلح شرایطی است که انسان‌ها در آن در آرامش و دوستی با یکدیگر و با محیط طبیعی خود به سر می‌برند». فتحی و اجارگاه و اسلامی (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان توجه به آموزش صلح در برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه‌ریزی درسی و معلمان دوره‌ی ابتدایی شهر تهران» صلح را ز سه بعد «دانش»، «توانش» و «نگرش» تعریف می‌کنند. در کتاب «راهنمای آموزش صلح» تألیف پوشنه و صدری (۱۳۹۲) تعابیر متفاوتی برای صلح بیان شده است. هدف از آموزش فرهنگ صلح، بیشتر بعد نگرش است. در اصل، نگرش صلح مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، باورها و دیدگاه‌های صلح آمیز است که برای فرد ضروری‌اند. در ایجاد نگرش صلح اهداف زیر موردنظر است. آموزش رفتار صبورانه و حل مسالمت‌آمیز تعارض‌ها، محو

را تأیید کنید.

- به عنوان معلم احساستان را به طور مناسب بروز دهید. در شرایطی که عصبانی می‌شوید، سعی کنید رفتار خشن از خود نشان ندهید. آموزگاران باید راههای کنترل خشم را بدانند و از شیوه‌های تمدد اعصاب، مانند ترک کردن صحنه‌ی ناراحتی و تنفس عمیق استفاده کنند. به دانش‌آموزان نیز باید طرز بیان احساسات و افکار آموزش داده شود. آنان باید شیوه‌های حفظ خوشنودی مانند نوشتمن احساسات در موقع خشم، استفاده از افکار هشداردهنده و تکرار کلمات آرام‌کننده را بیاموزند.

- دانش‌آموزان را به احترام گذاشتن به دیگران و پذیرش تفاوت‌ها تشویق کنید. در کلاس صلح طلب دانش‌آموزان احساس تعلق و پذیرش دارند. آنان نباید به خاطر خصوصیاتی که از دست آن‌ها خارج است، مسخره شوند. به عنوان معلم نباید شاگردی را که توانایی کمتری دارد، مسخره و شاگردی را که با هوش‌تر است محترم بشمارید. از دانش‌آموزان تازهوارد به گرمی استقبال کنید و به قدیمی‌ترها بگویید که این‌ها مانند خواهر و برادرهای کوچک شما هستند. به دانش‌آموزان یاد بدهید که رنگ پوست، مو و سبک لباس پوشیدن افراد مهم نیست. هم‌چنین به آن‌ها اجازه ندهید که درباره‌ی یکدیگر لطیفه بسازند و به هم بخندند بلکه به آنان یاد بدهید که با هم بخندند!

- به جای رقابت‌ها، رفاقت‌ها را جایگزین کنیم. دانش‌آموزان در فعالیت‌های مشارکتی از قابلیت‌های یکدیگر برای حل مسائل بهره‌مند می‌شوند و همراهی و

مفارقت را یاد می‌گیرند.

- به دانش‌آموزان یاد بدهیم که تعارض‌ها را به شکل سازنده و صلح‌آمیز برطرف کنند. در شرایط تعارض‌زا آرام باشید و از رویکرد حل مسئله استفاده کنید. دانش‌آموزان باید بیاموزند که راهکار گفت‌و‌گو را به طور سازنده به کار ببرند. به آنان یادآور شوید که در گفت‌و‌گو آرام و مؤدب باشند و محترمانه به یکدیگر گوش بدهند. شاید در نظر گرفتن فضایی در کلاس یا در مدرسه به عنوان جایگاهی برای گفت‌و‌گو و حل مشکلات (مانند قلمروی صلح) خالی از لطف نباشد. برای شروع یک گفت‌و‌گو می‌توان از چنین توصیه‌هایی استفاده کرد:

- ✓ در شرایط آرام و بدون تهدید صحبت کنید.
- ✓ به آنچه می‌خواهید بگویید، به دقت فکر کنید. شرایط را با عصبانی کردن افراد بدتر نکنید.
- ✓ از عبارت‌های «منظور من این...» استفاده کنید. جمله‌های را با «من» شروع کنید تا مشخص شود که از وضعیت موجود چه برداشتی دارید. در عوض «منظور تو این...» گرایش به سرزنش و انتقاد دارد.
- ✓ موقع بروز مشکل مسئولانه برخورد کنید.
- ✓ از بیان جملات مبهم جلوگیری کنید و از کلمات کلیشه‌ای «هرگز» و «همیشه» استفاده نکنید.
- ✓ به افراد ویژگی‌های مثبتشان را یادآوری کنید. این کار به ایجاد فضای اعتماد و صداقت کمک می‌کند.
- ✓ محترمانه رفتار کنید و از مسخره و سرزنش کردن پرهیزید.
- ✓ هرگز تلافی نکنید.
- ✓ مشخص کنید که با فرد مشکل ندارید، بلکه فقط روى مسئله توجه دارید.
- ✓ فقط به فکر خودتان نباشید و برای التیام زخم‌های دیگران نیز احساس مسئولیت کنید.

مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان را افزایش دهید. بیشتر تعارض‌ها در کلاس زمانی اتفاق می‌افتد که دانش‌آموزان نحوی ارتباط مناسب، درک بجا و فهم صحیح از مسائل را ندارند و دچار سوءتفاهم می‌شوند. شاید راهکار «منظور من» کارساز باشد و بیان شفاف آنچه در ذهن می‌گذرد از مشکلات و کثر فهمی‌ها پیشگیری می‌کند. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که چگونه جملات منفی را به جملات مثبت تغییر دهند؛ زیرا گاهی گفتار می‌تواند دوسویه باشد. بنابراین، بهتر است از عبارت‌هایی مثبت و سازنده استفاده کنند.

در نهایت، کلاس صلح طلب کلاسی است که دانش‌آموزان در آن احساس آرامش، امنیت و مسئولیت می‌کنند و مورد تهدید، استهزا و بی‌احترامی قرار نمی‌گیرند. در این میان



# آشنایی با کتاب و کتاب‌خوانی

ذیح‌الله قادری مقدم

آموزگار پایه‌ی دوم دبستان شهید چمران، الیگوردرز

به عنوان آموزگار پایه‌ی دوم و با توجه به مناسبت‌های این ماه از جمله روز کتاب و کتاب‌دار دوست دارم دانش آموزان را با کتاب و کتاب‌خوانی بیشتر آشنا کنم. هر هفته، یا دو هفته یکبار کتاب داستان‌های کتاب خانه را به دانش آموزان کلاس‌نم می‌دهم تا آن را به خانه برد و خوب و دقیق بخوانند و در روز معین وقتی کتاب داستان‌ها را به کلاس آورده‌ند من آن کتاب‌ها را می‌گیرم و دانش آموزان با آرامل خلاصه‌ای از داستان آن را تعریف می‌کنم.

## از این شیوه چه بهره‌ای می‌بریم

با این کار دانش آموزان کتاب داستان را به منزل برد و می‌خوانند. دوم اینکه آن را در کلاس خلاصه می‌کنند و سوم اینکه در جلوی دانش آموزان دیگر حرف می‌زنند و داستان را بیان می‌کنند. این کار باعث قوی تر شدن حافظه و حضور ذهن آنان می‌شود. هم‌چنین آن‌ها از گوششگیری و خجالتی بودن بیرون می‌آیند و اعتماد به نفس‌شان بالا می‌برد و در نهایت با کتاب‌خوانی انسس و الفت بیشتری پیدامی کنند.



آموزگاران تنها کسانی هستند که می‌توانند در ایجاد چنین فضایی در کلاس، نقش اساسی داشته باشند.

## راهبردهای آموزشی هماهنگ با رویکردهای آموزش صلح

آموزگاران راهبردهای آموزشی هماهنگ با رویکردهای آموزش صلح را برای اجرا در کلاس می‌توانند به شکل‌های مختلف انجام دهند. در این شماره هفت قسمت از آن‌ها بیان شده است و در شماره‌ی بعد نیز بخش پایانی درج خواهد شد.

۱. **گفت‌و‌گو:** تشکیل گروه‌های کوچک برای گفت‌و‌گو راهبردی است که از آن برای شنیده شدن صدای افراد شرکت‌کننده استفاده می‌شود.

۲. **مشارکت دوستی:** یکی از انواع شیوه‌ها، گفت‌و‌گو در گروه‌های دو نفری است. تمهیل گرها یک سؤال یا عنوان را مطرح می‌کنند. نفر اول بی‌معطلي به سؤال پاسخ می‌دهد؛ در حالی که نفر دوم فقط گوش می‌دهد. بعد نقش‌ها عوض می‌شود. این کار تمرین مناسبی برای بهبود «مهارت گوش‌کردن» است.

۳. **تمرین تخیل/تجسم:** این تمرین به شرکت‌کنندگان فرصت می‌دهد از تخلیشان استفاده کنند و جایگزین‌ها، نمونه‌ها و مثال‌های دیگری هم برای شرایط تعارض زا متصور باشند.

۴. **دیدگاه-سنجه:** در این راهبرد، برای بهبود مهارت حل مسئله از یادگیرنده‌گان خواسته می‌شود که شرایط دیگران را درک کنند و به قولی «دقایقی با کفش دیگران راه بروند» (لی، ۱۹۶۰). این رفتار باعث تقویت همدردی و شکل‌بیایی می‌شود.

۵. **ایفای نقش:** این راهبرد به شرکت‌کنندگان فرصت می‌دهد به طور کامل وضعیتی را به جای حفظ ذهنی حس کنند. امتیاز ایفای نقش، همدردی و درک بیشتر است. هم‌چنین باعث افزایش یادگیری شناختی و عاطفی می‌شود.

۶. **بازی‌های نمادین:** شبیه‌سازی موقعیت تعارض به یادگیرنده‌گان فرصت می‌دهد که خلاصه حضور را حس کنند. هم‌چنین، فرصت خلق پیشنهادهای خلاقانه برای عدالت و برابری را فراهم می‌آورند. یک مثال از شبیه‌سازی، توزیع ثروت در « تقسیم منابع زمین» است.

۷. **حل مسئله:** یکی از معتبرترین راهبردهای یادگیری است و به یادگیرنده امکان استفاده از مهارت‌های شناختی ارزشمند مانند تحلیل، فرصت خلق / ایجاد و اختیار ارزش‌یابی می‌دهد.

# یکی بود...

قصه و قصه خوانی در اثر بخشی  
تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی

لذت قصه در یادگیری

۱۸

همزادبشر

۲۰

فنی که به چشم نمی‌آید

۲۶

چوپان دروغگو، عمری به درازای تاریخ دارد

۲۹

از یک اسم تا کتاب نارنجی

۳۲

برونده



# لِذَّتِ قِصَّهٖ درِ يَادِگَیرِي

بشر نخستین قصه‌های مصور را  
روی دیوار غارها گفته است

علیرضا شیخ‌الاسلامی



## مزایای قصه‌گویی در کلاس

(الف) موهبت تخیل و تقویت خلاقیت دانش‌آموزان: در داستان‌ها قصه است که افراد می‌توانند از هیچ، چیزی بیافرینند. محدودیت‌زمان و مکان ندارد و در واقع ذهن اورا با داستان‌مان در گذشته و آینده فراتر از مزه‌ها و هر جا که اراده کنیم سیر می‌دهیم.

(ب) اشتراک گذاشتن تجربه‌ها و باورهای ارزشمند ملت‌های انسانی گوناگون: بسیاری از داستان‌های عامیانه‌ی جهان برآمده از باورها و یا حتی شرح بیان رویدادهایی است که بر افراد و اقوام، گذشته است و یادآوری آن‌ها مفید و مشمر شمر برای نوجوانان هر نسلی خواهد بود.

(پ) رشد و تقویت زبان و ادبیات فارسی و جذب دانش‌آموزان به ادبیات: نوجوانان نسل امروز به دلیل اینکه بیشتر با وسایلی نظری رایانه، تلویزیون، اینترنت سروکار دارند، از میل و رغبت‌شان به جاذبه‌های گستردگی ادبیات فارسی کاسته شده و از طرفی به وضوح در مهارت‌های خواندن و نوشتن دچار ضعف گردیده‌اند. قدم اول استفاده از قصه‌گویی (نوعی از ادبیات شفاهی) می‌باشد. در این راهکار برای حل مشکل، متوجه ساختن دانش‌آموزان به جذابیت‌های داستان‌های فارسی مؤثر خواهد بود.

(ث) مهارت‌های اجتماعی نظیر خوب گوش دادن و تعریف کردن و تعامل با دیگران در جمیع: تقویت ادبیات گفتاری دانش‌آموزان با تشویق آن‌ها به قصه‌گویی آغاز می‌شود. نوجوانان به بازگویی داستان‌هایی که خوانده‌اند و شنیده‌اند برای همسالانشان علاقه‌مند هستند و ایجاد بستر مناسب برای این کار، قدرت بیان افکار در جمیع و افزایش اعتماد به نفس را برای دانش‌آموزان تقویت می‌کند و آن‌ها در کاربرد صحیح و روان عبارات هم آزموده خواهند شد.

(ج) سرگرمی و هیجان و جذابیت در صورت به کارگیری

## اشاره

به راستی در قصه‌هایشان (القدکان فی قصصهم) برای خردمندان عربتی است، اینها سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است (ایه‌ی ۱۱۱ / سوره‌ی یوسف).

قصه‌گویی عمری به قدمت تاریخ بشریت دارد. آن هنگام که انسان‌های اولیه در تصاویری که در غارهای خود به جا گذاشته‌اند به نوعی به بیان داستان‌های روزانه‌ی خود می‌پرداختند، شروع داستان‌گویی بود. روایت‌های مصور روی دیوار غارهای کهنه نشان می‌دهد که بشر نخستین، خیلی پیش از آنکه به زبان نوشتاری دست یابد، قصه‌سرایی می‌کرد و این یعنی داستان از ابتداء برای انسان جذاب و مؤثر بوده است. حال امروز باستی از این ظرفیت بسیار مفید و ارزشمند در امر آموزش پیش از پیش بهره بگیریم و از مزایای داستان در کلاس درس غافل نمانیم.

## تأثیر قصه در روان انسان

(الف) قلمرو شناختی: توانایی قصه در انتقال دانش و کمک به فرایند شناخت، تحلیل و حل مسائیل.

(ب) قلمرو عاطفی: پالایش عاطفی-هیجانی و امیدآفرینی در زندگی.

(پ) قلمرو بین‌فردی: ایجاد پیوستگی و رابطه‌ی انسانی-اجتماعی در گذر زمان و مکان. به بیان ساده «با شنیدن داستان‌های گوناگون می‌فهمیم ماتنها نیستیم، افراد دیگری نیز با مسئله‌ای مثل مسئله‌ی ماسر و کار داشته‌اند».

(ت) قلمرو شخصی: تقویت بینش و نگرش ارزشی به پیرامونمان و درک بهتر از رویدادها.<sup>۱</sup>

بهویژه نوجوانان پندریز هستند) به شکلی مستقیم نصیحت نکند؛ بلکه داستان‌ها، رازآلود و باینای به تفکر در نتیجه‌ی آن درک می‌شوند. مخاطب، داستان را کشف می‌کند و به راحتی و چشم بسته هر چیزی را نمی‌پذیرد. خود اوست که تصمیم می‌گیرد نتیجه‌ی اخلاقی و صحیح را انتخاب کند و روش و مرام عملی اش را براساس آن داستان تنظیم کند.

### استفاده از مزیت گستردگی داستان‌های قرآنی

توجه ویژه‌ی قرآن به قصه‌گویی و قصه‌خوانی بسیار قابل توجه و تأمل است. باید از خود پرسیم مگر قصه چیست و چه دارد که خداوند متعال در آخرین پیامش به شر، این چنین قصه‌ی می‌گوید و او را به تفکر در قصه‌ها فرا می‌خواند.

داستان‌های قرآن بیانی از حقایق مسلم تاریخی می‌باشند، اما نکته‌ی اساسی اینجاست که نمی‌توان گفت داستان‌گویی در قرآن همان نقل سرگذشت گذشتگان به صورت صرف و تاریخی است. آنچه قصه‌گویی تاریخی را در قرآن ممتاز و برجسته می‌سازد، ویژگی‌های فی قصه‌های قرآن است. این ویژگی عبارت است از بیان مؤثر، جذاب و شیوه‌ی قرآن، به گونه‌ای که خواننده احساس می‌کند رویدادها و آدم‌ها نزد او حضور دارند و با او سخن می‌گویند و اگر چنین نبود، هرگز فایده‌ی اصلی داستان‌گویی در قرآن که همان عبرت‌گیری و موعظه‌یابی است، حاصل نمی‌شد.

### استفاده از ظرفیت داستان‌های ادبیات غنی فارسی

زبان فارسی دارای ظرفیت‌های ارزشمند، گستره و متنوعی در داستان است که می‌تواند سلیقه‌های گوناگون را برآورده و مجدوب خود سازد. در این زمینه چه ادبیات عامیانه و بومی ایران، چه داستان‌های کهن ادب فارسی نظری داستان‌های کلیله و دمنه (از نوع افسانه‌های تمثیلی)، داستان‌های گلستان (از نوع حکایات اخلاقی)، داستان‌های شاهنامه (از نوع داستان‌های استطوره‌ای)، قصه‌های هزار و یک شب (از نوع افسانه‌های پریان) ...، و چه داستان‌های نوین (از نوع داستان کوتاه و رمان) همه مورد توجه و استفاده می‌تواند باشد. امروزه، خوشبختانه بسیاری از کتاب‌های ادبیات کهن ایران به نثر ساده و قابل فهم و درک نوجوانان بازرسی شده است که استفاده و معرفی داستان‌های آن‌ها در کلاس‌های ادبیات فارسی توصیه می‌شود.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. دکتر علی صاحبی، قصه‌درمانی گستره تربیتی و درمانی تمثیل، انتشارات ارجمند، تهران، ۱۳۹۰، ص. ۱۴.
۲. برخی از این موارد با بهره‌گیری از کتاب «قصه‌گویی در کلاس درس»، نوشته آلیسون دیویس و ترجمه مینا سلیمی، انتشارات سمت نوشته شده است.
۳. میلتون اریکسون، قصه‌درمانی، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، نشر دایره، ۱۳۹۰، ص. ۲۳.

شیوه‌های صحیح داستان‌گویی: شاید یکی از مهم‌ترین مزایای بهره‌گیری از قصه در آموزش نوجوانان، جذابیت‌های نامحدود و وسیع این حوزه برای این گروه سنی است. البته این جذاب‌سازی شروطی دارد که می‌توان به اختصار به این موارد اشاره داشت: در مرحله‌ی اول، انتخاب داستان بسیار حائز اهمیت است و قصه‌گو باید قصه‌ای را انتخاب کند که خود از آن لذت می‌برد تا بتواند با تسلط آن را برای کلاس بیان کند. برای انتخاب داستان خوب است که مخاطبان خود را بشناسیم و ویژگی‌های آن‌ها را هنگام انتخاب داستان لحاظ نماییم. در ادامه خودمان هم می‌توانیم در داستان جانی تازه بدمیم و حتی آن را مناسب با اهداف تربیتی-آموزشی مورد نظرمان بازگویی کنیم تا بهترین داستان ممکن را گفته باشیم. سبک و لحن ماهنگام قصه‌گویی فوق العاده مهم است و شاید به دلیل همین ارتباط چهره و نوع حرکات دست و بدن باشد که اولویت داستان‌گویی به مراتب بیشتر از خواندن داستان در کلاس است. در صورت موفقیت در داستان‌گویی، نتیجه بخش بودن داستان ما هم حتمی خواهد بود.

ج) همدادات پندرای با شخصیت‌های داستانی و فرصت تمرین و یادگیری دانش‌آموزان: همه‌ی ما این تجربه را داشته‌ایم که وقتی داستانی می‌خواندیم و یا حتی فیلم یا کارتونی می‌گذاشتیم و به جای شخصیت‌های آن داستان و یا قهرمان آن می‌گذاشتیم و در عالم رؤیا و خیال هرچه می‌خواستیم می‌کردیم. حال مخاطبان داستان‌های ما هم قطعاً در سکوت هنگام شنیدن داستان، خود را به جای شخصیت‌های قصه تخلیل می‌کنند و به بازآفرینی اعمال آن شخصیت می‌پردازند. پس این ارتباط صمیمانه میان داستان و دانش‌آموز می‌تواند مورد بهره‌برداری بجا به موقع ما قرار گیرد و با تمرین‌های متفاوتی نظری تصویرسازی و نقاشی از داستان و ادامه‌ی داستان به سلیقه‌ی خود دانش‌آموز و غیره، فرصت‌های آموزشی را فعال نماییم.

چ) ماندگاری از طریق شنیدن داستان و تمثیل: با استفاده از داستان ممکن می‌شود تا چیزی را که قابل لمس و دیدن نیست خوب درک کنیم و به ذهن بسپاریم. همچنین آن مطلبی را که در داستان شنیده‌ایم، سریع برایمان یادآوری می‌شود.

### ارزش‌های تربیتی-آموزشی غیرمستقیم قصه

همه‌ی ما آگاهانه و ناآگاهانه به دنبال راه‌های بهتر زندگی هستیم و باشندگان هر قصه‌ای، ارتباطی بین آن داستان و استفاده‌ی از آن برای زندگی خوبش جست و جو می‌کنیم. «با خواندن و شنیدن یک مطلب الهام‌بخش، ذهن ناهمشیار و ضمیر ناخودآگاه ماتغیری می‌کند».<sup>۳</sup>

در نتیجه انتقال و آموزش غیرمستقیم و ماندگار مفاهیم اخلاقی و دینی با بهره‌گیری از داستان می‌تواند مزیت اصلی شیوه‌های آموزشی ما باشد. در واقع این مفاهیم ارزشمند به کمک تصویر ذهنی شکل می‌گیرد و در آن از سخنرانی و پند و اندرز خبری نیست.

علت جذابیت اصلی قصه در این است که مطالب به گونه‌ای بیان می‌شود تا به صورت مستقیم پیام ندهد و مخاطبانش را (که در اینجا

## قصه و قصه خوانی در اثربخشی تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی و فرایند یاددهی- یادگیری

۱۳۵۸ برمی‌گردد.

نادری از سال ۱۳۷۰ و با ورود به آموزش‌پرورش، فعالیت جدی خود در این زمینه را شروع کرده و تابه‌حال کتاب‌های بسیاری به چاپ رسانده است.

محمد گودرزی دهربیزی، متولد تهران است اما فضای زندگی روزتا را نیز تجربه کرده است. می‌گوید: «بیست سال زندگی در شهرستان‌ها فضا و تجربه‌ی خوبی در نویسنندگی من بوجود آورد». گودرزی هم‌زمان به شعر و داستان کودک پرداخته است و چند کتاب در این زمینه دارد.

برای وطن» از آثار اوست. طاهره خردور، در خانواده‌ای فرهنگی به دنیا آمده و علاقه‌مند قصه و افسانه است. او سال‌ها معلمی کرده و با حال و هوای مدرسه به خوبی آشناست. می‌گوید: «۶۰ کتاب آموزشی نوشته‌ام و از سال ۱۳۷۴ نوشته‌هایم در مجلات رشد چاپ می‌شود».

تجربه‌هایی دارند؛ به بررسی زوایا، تعاریف و ویژگی‌هایی تعلیم و تربیت قصه و انعکاس آن در کتاب‌های درسی دبستان پردازیم. ورودیه‌ی ما در این پرونده میزگردی است که با حضور چند تن از کارشناسان فرهنگی و قصه‌نویسان برگزار شده است. گزارش این میزگرد هم اکنون پیش روی شماست.

مجید راستی، متولد ۱۳۳۳، از کودکی در این حوزه به فعالیت پرداخته است. او سابقه‌ای طولانی در گروه کودک تلویزیون دارد و در زمینه‌ی طراحی، نویسنندگی طرح و برنامه در گروه سنی کودک و خردسال فعال است. مجید راستی در حال حاضر سردبیر مجله‌ی رشد کودک است و مسئولیت انجمن نویسنندگان را نیز به عهده دارد.

ناصر نادری، متولد سال ۱۳۴۶ است و فعالیت فرهنگی و نوشتگری را از مسجد محله‌شان شروع کرده است. می‌گوید: «اولین تجربه‌ی قصه‌نویسی من به سال

### اشاره

انسان همواره خود را برتر از دیگر موجودات می‌دانسته و می‌داند، چه آن هنگام که در تنهایی خود فرو می‌رود و چه هنگامی که در اجتماعات حضور دارد.

اما این انسان چه در تنهایی و چه در جمع از قدرت تفکر و تخیل بهره برده و خود را نشان داده است. بشر سرشار از گفته‌ها و ناگفته‌هایی است که قرن‌ها درون او بوده و به شکل‌های خاص ارائه شده است.

یکی از این شیوه‌ها طریقه‌ی بیان احساسات است که در قالب قصه ظهور می‌باید. قصه و قصه‌گویی شاید عمری به درازای عمر انسان دارد و حتی به باور برخی همزاد اوست. در اندک صفحاتی که به عنوان پرونده‌ی «قصه و قصه خوانی در تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی و فرایند یاددهی- یادگیری» در مجله باز کرده‌ایم، سعی داریم در ضمن مقالات یا نشست‌هایی که با نویسنده‌گان قصه داریم و بعضی نیز در کسوت آموزگاری



خردور می‌گوید: جایزه‌ی اولین قصه‌ام را از رادیو گرفتم و امروز برای روزنامه‌های نیز داستانک یا قصه‌می فرستم».

### مفهوم قصه و قصه‌گویی

قصه و قصه‌گویی در آموزش و شیوه‌های تدریس بسیار مؤثر است. ناصر نادری با ذکر این جمله به مفهوم قصه و تفاوت آن با داستان می‌پردازد:

### قصه‌گویی

#### قصه و قصه‌نویسی، همزاد بشر

محمد گودرزی دهربیزی برای قصه و قصه‌نویسی زمان خاصی متصور نیست و آن را همزاد بشر می‌داند. می‌گوید: «همیشه قصه با دل مشغولی‌ها و عواطف انسان قرین بوده و براساس پژوهش‌های انجام شده، عمر قصه‌گویی به حدود ۴۰۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد و این نقطه‌ای مشترک بین همه‌ی ملل است و در میان مردم کشورهایی چون ایران و هند و چین قصه و قصه‌گویی بیشتر بوده است.

اگر به «قصه‌ی هزار و یک شب» توجه کنید اصل آن هندی است اما در آن قصه‌ی ایرانی، عربی و هندی هم وجود دارد. در ادامه اگر بخواهیم تعریفی از قصه بگوییم این است که آثار خلاقی که با عنوان‌هایی مثل (حکایت) اشاره کردن (افسانه، اسطوره، حکایت، حتی مثل و متل راه شامل) می‌شود) بهنوعی هر آنچه ادبیات شفاهی در تقسیم‌بندی ادبیات می‌گوییم که در قالب متن ادبی و داستانی آمده و چون زبان و گفتن پیش از خط و نوشتن بوده، مهم‌ترین ویژگی‌ای که قصه را از داستان کوتاه یا رمان جدا می‌کند این ویژگی هاست. در قصه‌ها عنوان‌های عجیب و غریبی هست. در آن خرق عادت است و آنچه در مسیر علی و معلولی به ظاهر در ذهن ما هست به هم می‌خورد. مثلاً دیو در بیرون نیست ولی در قصه وجود دارد اما چهارچوب روایی و پیوند طرح کلی ضعیف است، چون دقیقاً حوادث براساس نظام سبب و مسبب نیست، درونش کلی‌گرایی و کلی‌گویی وجود دارد؛ چون در قصه‌ها اساساً حوادث محور روایت هستند تا پردازش‌ها و تغییر و تحولات شخصیت‌ها.

### کدام آموزگارها موفق ترند؟

مجید راستی ادامه می‌دهد: «آموزگارهایی موفق ترند که در تدریس معمولاً از قالب خاطر، بازی و در نهایت قصه استفاده می‌کنند. معلم‌های باتجربه سراغ روش‌هایی می‌روند که جذاب‌اند و ذهن بچه‌های را درگیر می‌کنند. همچنین ذهن خودشان درگیر می‌شود. یکی از ضعف‌ها و کمبودهای ما تا حدی در آموزش و پرورش کمی فرستاد است. مشغله‌های زندگی طوری است که این فرستادها را نمی‌دهد. بنابراین، قصه‌گویی یا داستان‌گویی یا داستان‌خوانی، یکی از روش‌های انتقال معلومات، اطلاعات و دانش فردی و درواقع روش زندگی است. بچه‌ها هم این قالب را دوست دارند. به

**آموزگارهایی موفق ترند که در تدریس معمولاً از قالب خاطر، بازی و در نهایت قصه استفاده می‌کنند. معلم‌های باتجربه سراغ روش‌هایی می‌روند که جذاب‌اند و ذهن بچه‌های را درگیر می‌کنند**

لذا شخصیت‌ها تیپ دارند، شخصیت‌های خوب، شخصیت‌های بد، فردیت‌ها گام است. برخلاف داستان کوتاه که ما اساساً جزئی پردازی می‌کنیم، شخصیت‌ها اساساً توصیف درونی می‌شوند و دنیای خاص خود را دارند. اغلب قصه‌ها پایان خوش دارند و این نکته‌ای آموزشی دارد. بر حس امیدبخشی و غلبه‌ی خوبی بر بدی‌ها تأکید می‌شود. ویژگی دیگر که جزو ویژگی‌های خاص قصه است، نثر گفتاری آن می‌باشد، گرچه عملاً مکتوب است ولی بافت زبان نقلی و روایتی است».

### داستان چیست؟

این نویسنده در ادامه به تفاوت داستان و قصه هم می‌پردازد و می‌گوید: «داستان مفهومی کلی و شامل قصه، داستان کوتاه، رمان- رمانس است. ویژگی مشترک آن‌ها حس تعلیق است، چه در حکایت، چه در داستان کوتاه که یک نوع جذابیت، سرگرمی و لذت در همه‌ی این‌ها هاست و البته مفاهیم هم ممزوج‌اند. وقتی می‌گوییم اثر خلاق یعنی هدف فقط انتقال و بیان القای مفهوم نیست اول شیرینی، گوارایی و سرگرمی و لذت یک عنصر مهم است. اما قصه به نگاه علمی‌تر به چه معناست و تفاوت آن با داستان کوتاه چیست؟ به مفهوم قصه از چند دیدگاه باید نگاه کرد:

یکبار مفهوم قصه را از دید عام باید نگاه کرد. قصه اثری ادبی است که شامل تمام گونه‌های داستانی می‌شود، حکایت، افسانه و هر چیزی که درونش ماجرای باشد. به این در قدیم قصه می‌گفتند هنوز هم این مفهوم را در خودش حفظ کرده است. ولی از دیدگاه انواع ادبی قصه مفهوم دیگری پیدا می‌کند و آن وقت قصه را در ارتباط با داستان بررسی می‌کنیم. قصه

از طرف بزرگ سالان برای خردسالان فراهم  
می شود.

خردور به عنوان نویسنده و آموزگار می گوید: «قصه نقش مهمی در رشد شخصیت کودکان دارد و پایداری، شجاعت، نوع دوستی، امید، آزادگی و طرفداری از حق و حقیقت را در وجود کودک بیدار می کند.

قصه ها پنداموزنده و امروز را به فردا پیوند می دهند.

### قصه های کودکان چگونه باید باشد؟

با احساسات کودکان هم خوان باشد.  
ساختار مناسب داشته باشد.

طولانی و پیچیده نباشد. هم خوانی فرهنگی در قصه ها رعایت شود.

ماجرا و پایان قصه بلافاصله لونزود.  
تأثیر مثبت داشته باشد؛ مثلاً تبلیغ

دوستی به جای دشمنی.  
جداب باشد.

قصه می تواند با موضوعات خاص خود متن حیوانات، سحر و جادو، تم های اجتماعی، پهلوانی، خنده دار یا اخلاقی باشد و تمام حواس مخاطب را به خود جلب کند. همه می این ها به شرطی است که یک قصه گویی خوب نیز در این میان حضور داشته باشد.

خردور، مدیر داخلی مجله‌ی رشد کودک است و در ادامه برخی ویژگی ها را به ترتیب زیر ارائه می دهد:

### ویژگی های قصه گو:

بزرگ تر از مخاطب قصه باشد.  
صادای مناسب داشته باشد.

لکنت زبان نداشته باشد.  
از قدرت تخیل خوبی برخوردار باشد و فضاسازی مناسبی ایجاد کند.

با استفاده از قدرت هنر خود، کلام رادر دل مخاطب بنشاند.

حالت هیجانی قصه را آشکار کند.  
از تکرار بیهوده‌ی واژه‌ها خودداری کند و تکیه کلام نداشته باشد.

از تقلید صدا و تغییر لحن بهره ببرد.  
از فضای قصه بیرون نرود.  
صبور باشد.

### نقش قصه در کودکان ابتدایی:

زمان و مکان: قصه ها معمولاً زمان و مکان خاصی ندارند. مثلاً می گوییم روزی

روزگاری در شهری کدام روزگار یا شهر نمی دانیم، ولی در داستان ها این زمان را مستقیم یا غیرمستقیم مشخص می کیم. مثلاً در داستان داش آکل (صادق هدایت) مکان را دقیقاً می گوید در شیراز ولی به زمان غیرمستقیم اشاره می کند؛ مثلاً فلان شلوار و کلاه را می گذارد و ما به ذهنمان خطوط می کند که در شیراز مردم در چه زمانی این نوع پوشش را استفاده می کرند. از طریق این سرخن ها به زمان داستان پی می بریم.

بعد بحث شخصیت پردازی هاست. در داستان ها تمام تلاش نویسنده این است که هر شخصیت با توجه به ویژگی های شخصیتی اش گفت و گو کند؛ یعنی ما نمی توانیم حرف الکی در دهن مردم بگذاریم. گذا در داستان ها یک جور صحبت می کند، شاه یک جور صحبت می کند و دزد یک جور حرف می زند.

در قصه ها اگر ما اسم شخصیت ها یا دیالوگ را بخوانیم معمولاً همه کلام و بافت کلام آن ها یکسان است، ولی در داستان ها نه. مامی توانیم از روی دیالوگ بگوییم احتمالاً حرف های یک پلیس است. حتی جزئی تر می توانیم بگوییم این حرف های یک پلیس باسواند است یا یک پلیس بی سواد. حرف های یک پلیس زن است یا مرد.

### ادبیات چیست؟

طاهره خردور پیش از تعریف قصه، ادبیات را تعریف می کند. می گوید: «پیش از تعریف قصه باید دید ادبیات چیست؛ چون قصه زیرمجموعه‌ای از ادبیات هر ملت است. ادبیات چگونگی تعبیر و بیان احساسات، عواطف و افکار به وسیله کلمات و در انواع شکل های ادبی است. اما قصه نوعی از ادبیات است که به شکل روایی با کمک تخیل، به بیان احساسات و افکار انسانی می پردازد که معمولاً خارج از زمان و مکان است. بنابراین، ادبیات کودکان مجموعه نوشتنه ها، سروده ها و گفتارهایی است که

چیست؟ داستان چیست؟ اگر بخواهیم از دیدگاه انواع ادبی قصه را با داستان مقایسه کنیم، باز از دو جهت باید به آن نگاه کنیم؛ یکی از دید ساختاری و دیگر از دید تاریخی. از دید تاریخی معمولاً آن آثاری که قبل از تجدد و تحول تاریخی قبل از دوره مشروطیت وجود داشته است، در حوزه ادبیات کودک و حوزه ادبیات

بزرگ سال به این ها معمولاً قصه می گوییم. آثاری را که بعداً چه در ادبیات بزرگ سالان

که با «یکی بود یکی نبود» شروع شد و چه در داستان های کودکان به تقلید از ادبیات

غرب کم کم شکل داستان گرفت. به لحاظ

تاریخی، به لحاظ ساختاری و فنی حدود ده

تفاوت بین قصه و داستان وجود دارد. یکی از عمدت ترین تفاوت های قصه و داستان

ساختار طرح آن ها است و بیشترین تفاوت

بین علی و معلولی و علیت است که در داستان ها معمولاً این چفت و سیست هست؛

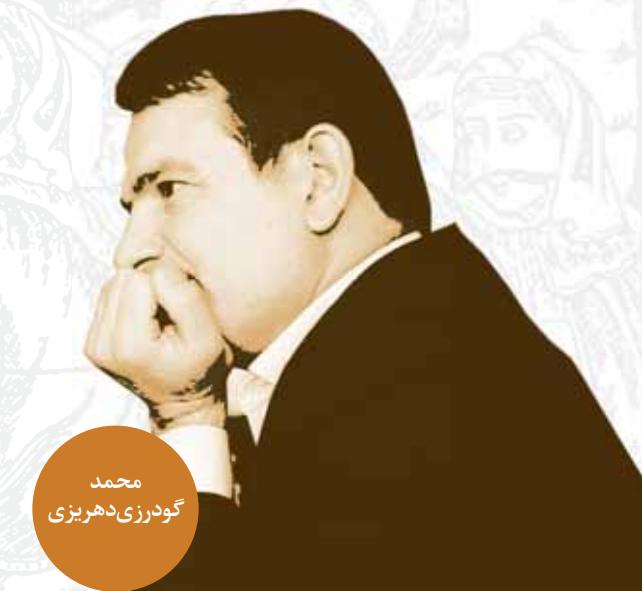
هر معلولی علیت دارد و این علت هم باید منطقی و حداقل با منطق داستان سازگار باشند. اما در قصه ها این منطق اصلاً وجود

ندارد یا علت وجود ندارد یا اگر علت وجود دارد خیلی منطقی به نظر نمی آید.

کلی گویی: در قصه ها کلی گویی می شود اما در داستان ها معمولاً جزئی گویی

می شود.

مطلق گرایی: قصه ها مطلق گرا هستند. سیاه و سفید ها خیلی بیشتر است، ولی در داستان هانیست.



محمد  
گودرزی دهربیزی

که هستیم گسترش رسانه‌ها در زندگی خانواده‌ها و فرایند آموزشی آن باعث شده متأسفانه قصه‌گویی پرچیده شود. ما کودکی‌های بسیار غنی ای داشتیم، متأسفانه فرزند امروز فرزند رسانه است تا فرزند پدربزرگ و مادربزرگ. اما قصه‌گویی یک جنبه‌ی روساختی دارد و یک جنبه‌ی ژرف ساخت.

در جنبه‌ی روساختی؛ قصه گفته می‌شود و مهارت شنیدن، آشنایی با واژه‌ها و از این دست فواید را بچه درک می‌کند. در جنبه‌ی ژرف ساختی؛ وقتی بچه‌ها با این نمادها و واژه‌ها به تأمل بیشتر و اداشته می‌شوند به اعماق پنهان‌تر وجود خود مراجعه می‌کنند و برای این اساس الگوی زندگی می‌تواند اصلاح شود.

کارکرده‌ها و فوایدی که بر شمردم از جمله در بحث زبان آموزی است. بچه‌ها با شنیدن قصه، به شکل افسانه، شکل حکایت، مُثُل و مُتل در حقیقت باوازه‌های نوو با اصطلاحات نوآشنا می‌شوند و جالب است که به میراث نیاکان خود دست می‌یابند. بچه‌ها به جهت اینکه قصه و داستان می‌شنوند با برخی کلمات ناماؤوس آشنا می‌شوند و این یعنی انتقال مفاهیم و برانگیختن حس کنگاوی. قصه ابزاری است در تسهیل آموزش سایر مطالب حتی علوم و ریاضی. پرورش قدرت تخیل و خلاقیت و آشنایی با واقعیت‌های زندگی. غیر از این باشد باید سال‌ها بگذرد تا کودک به این تجربه‌های زیستی برسد.

ناصر نادری

یکی باشد.

در تعریف قصه، کلیدوازه «خارق العاده بودن» است. یعنی قصه‌ها آثار خارق العاده‌ای هستند ولی در داستان خلق خارق العاده نداریم. اتفاقاتی که در قصه می‌افتد ممکن است در جهان بیرون غیبت پیدا نکند ولی در ذهن می‌شود. در داستان حوادث خارق العاده اتفاق نمی‌افتد و خود این خارق العاده بودن مربز بین افسانه و داستان فانتزی را مشخص می‌کند.

چون بحث مادرباره‌ی کودک است و شناخت ما باید نسبت به کودک بیشتر باشد، روان‌شناسان اهمیت ویژه و بیشتری برای کودک قائل‌اند. با توجه به ویژگی‌های رشدی و عاطفی کودک قصه‌ها به سمت خیال‌انگیزی گرایش پیدا می‌کنند. خیال‌انگیزی به خاطر ویژگی‌های رشدی در سالین پایین کودک است. من در بررسی کتاب‌های درسی دیدم قصه، افسانه، حکایت و متل بسیار است. اما گروه سنی مشخص نشده است. یک حکایت با آن زبان خاص کتاب فارسی دوم چقدر قابل فهم است. آیا بچه‌ها از آن آگاهی دارند و ما در کتاب سال دوم شروع به گفتن حکایت و داستان برای آن‌ها کارکرده‌ایم.

### نگاه آموزشی به قصه

ناصر نادری با اشاره به کتاب‌های درسی به اهمیت بعد آموزش قصه می‌پردازد و می‌گوید: «همه‌ی این‌ها برای این است که ما کتاب‌های درسی را بررسی کنیم و به معلم‌ها به طور حرفة‌ای کمک برسانیم و کارکردها و فوایدی برای قصه‌گویی بهویژه بانگاه آموزشی بر می‌شماریم. در ابتداء باید عرض کنم کامل‌ترین و مهربان ترین معلم‌ها خداست و او در نسخه‌هایی از کتاب آسمانی برای دردهای شر درمان آورده و هم‌سواره از عنصر قصه استفاده کرده است و تلنگری بر ماست که قصه چقدر می‌تواند برای آموزش مهم باشد. تمثیل‌ها یا قصه‌هایی که در قرآن و انجیل و تورات آمده‌اند، واقعاً برای سرگرمی نیستند بلکه برای القای تعقل و تدبیر و مفاهیم به صورت شیرین‌ترند. قصه عنصر پسیار تعیین‌کننده‌ای است. در شرایطی

-برانگیختن علاقه به یادگیری  
-کمک به جریان درس  
-حفظ کردن مطالب  
-همدلی بین معلم و دانش آموز  
-همدلی بین دانش آموزان

### فواید قصه:

- پرورش قدرت بیان و عواطف
- پرورش نیروی تخیل و حس زیبایی
- تحریک قوه‌ی ابتکار
- تحریک حس کنگاوهی در کودکان
- انتقال مفاهیم
- اصلاح رفتارها در کودک
- انتقال فرهنگ و ...
- تبليغ پیام‌های اخلاقی و انسانی مثل پرهیز از دروغ‌گویی، حسادت و ...
- بادر کنار هم قرار دادن ویژگی‌های مزبور به خود خود می‌توان به هدف‌های برنامه‌ی ادبیات کودکان در آموزش پرورش رسید.

### انواع قصه

قصه به انواعی تقسیم شده است: قصه‌ی پریان، قصه‌ی فانتزی، قصه‌ی فلسفی، قصه‌ی دینی. حکایت نیز نوعی قصه است که در شکلی کوتاه پیام‌های پندآموز دارد: مانند حکایت‌های سعدی.

«افسانه» نیز در ردیف قصه جای دارد و روایتی است از انسان‌ها، جانوران و اشیا که به صورت تمثیل بیان می‌شود.

و در پایان اینکه: قصه‌های از اختراع خط که به طور شفاهی بین مردم رواج داشته است. در ایران قصه‌ها در قهقهه‌خانه‌ها، محافل و مجالس عمومی بوده و نتیجه‌گیری اخلاقی و مذهبی از آن به عمل می‌آمده است.

قصه‌های کهن به گفته‌ی جمال میرصادقی بیشتر بر حقایق زندگی استوار بوده‌اند اما قصه‌های اخیر بیشتر بر خیال‌انگیز بودن تکیه دارد.

معنای لغوی قصه یعنی حکایت و سرگذشت و تعریفی که برای قصه‌ی کودکان داریم این است: یک نوشته‌ی هنرمندانه در قالب کلام بگوییم که برای رشد کودک مناسب است. منتها همیشه قصه باید جوری باشد که بازبان و درک و فهم کودک

در افسانه و حکایت انتقال ارزش‌ها و اصلاح رفتار شکل می‌پذیرد. الان سیاری از روان‌کاوان در شیوه‌های درمانی خود از جمله در روان‌پژوهشکی به شیوه‌های افسانه‌گویی متولی می‌شوند. «بتلهایم» از این درمانگرهاست. اصلاح رفتار، تعامل اجتماعی، پیوندهای فرهنگی در افسانه‌ها چون عنصر مشترک ملل هست و ارزش‌های خوبی در خود دارد و مامی‌توانیم ارتباط بین ملل را به عنوان جامعه‌ی جهانی واحد بیشتر بکنیم که متأسفانه خلاهایی در کتاب درسی داریم و گاه در آن‌ها هیچ ردپایی از آثار ملل جهان نیست.

سردبیر مجله‌ی رشد کودک با این باور که قصه به رشد اعتماده‌نفس کودک کمک می‌کند و باعث رشد او می‌شود، دوباره وارد بحث شده و می‌افزاید: «درواقع، هدف قصه رشد و تعالی خود انسان بوده است. با شنیدن قصه، احساسات، ذهن، فکر و تخیل او تقویت می‌شود و به هدفی که می‌خواهد می‌رسد. فکر می‌کنم اگر با این نگاه به قصه و بروز قصه در کتاب‌های درسی اهمیت دهیم با توجه به نکات آموزشی برای بچه‌ها رشد واقعی اتفاق می‌افتد. کودک اعتماده‌نفس بیشتری می‌یابد و خوداتکایی، خلاقیت و فعالیت وی به حرکت درمی‌آید و در آینده نیز وقتی بزرگ‌تر شد از هر نظر انسان کاملی می‌شود. هم گذشته رابا خودش دارد و هم آینده رابا چراغ گذشته پیدا می‌کند. همه‌ی این‌ها به خاطر این است که انسان خوب رشد کند. اصلی‌ترین هدف قصه هم همین است.

یعنی مخاطب به عنوان یک ظرف توانایی‌هایی را ذخیره می‌کند و بعد آن‌ها را بروز می‌دهد.

مجید راستی

به این خاطر می‌گوییم که قصه‌های تخیلی ذهن بچه‌ها را درگیر می‌کند و معمولاً قصه برای بچه‌ها با سن پایین بیشتر جواب می‌دهد تا داستان. چون در داستان می‌خواهیم محیط را به آن‌ها بشناسانیم، در قصه تخیل و انتکار وجود دارد. دنیای بچه‌ها بدون مشکل است چون محدودیت ندارد و در سن بالاتر محدودیت‌ها بیشتر می‌شود. یکی از خلاهای بزرگ‌ما در کتاب‌های درسی این است که گفته شده یک نمایش بازی کنید و این ابتدایی‌ترین حرف است که مامی‌توانیم بزنیم. جایگاه ادبیات نمایشی در کتاب‌های درسی خالی است.

### نقش و کارکرد قصه‌ها

گودرزی با پرداختن به «انسجام ذهن کودک» به کارکرد قصه اشاره می‌کند و می‌گوید: «براساس رویکرد این جلسه که نقش قصه در کتاب‌های درسی است. یکی از کارکردهای داستان در کتاب‌های درسی بحث «انسجام ذهنی کودک» است. کودک و تاحدودی نوجوان آثاری را بیشتر درک می‌کند که به لحاظ ساختاری منسجم باشند، اشاره غیرمستقیم را معمولاً بچه‌ها درک نمی‌کنند. وقتی بخشی از کتاب درسی را به قصه، آموزش یا تعلیم با کمک داستان بیان می‌کنیم شان می‌دهد که انسجام آثار روانی بیشتر است. چون حوادثی هستند که به شکل خطی و ترتیب تاریخی پشت‌سرهم اتفاق می‌افتد و ذهن کودکان دقیقاً آثاری را که ترتیب تاریخی دارند بهتر دریافت می‌کند. بنابراین، به جای یک بحث پر اکنده وقتی آن را در قالب داستان بیان می‌کنیم کودک این را بهتر می‌گیرد. یکی از کارکردهای داستان در کتاب درسی انسجام بخشیدن به مطلب آموزشی است که باذن کودک تناسب بیشتری دارد.

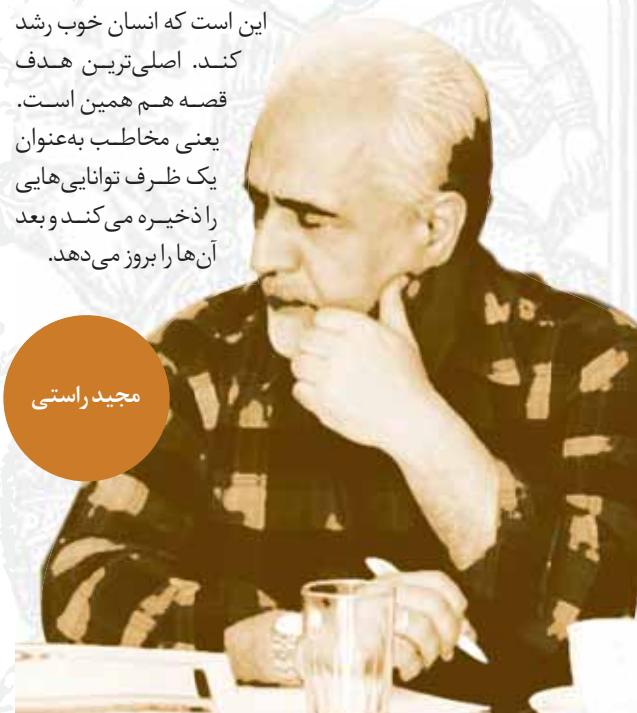
- یکی دیگر از کارکردهای در واقع تلطیف فضای آموزشی است. وقتی ما متن غیردرسی را می‌بینیم، چقدر این حرکت تدریس گند و چقدر اباهام‌های زیاد است و وقتی این را در می‌کنیم درس بعدی که داستان است، می‌آید سرعت بچه‌ها در تدریس و

یادگیری بیشتر می‌شود. این اثر داستان است که فضای کلاس را لطیف‌تر می‌کند. یکی دیگر از مواردی که باید از داستان و شعر در کتاب درسی استفاده کنیم بحث توجه به نیم کره‌ی راست است، آنچه روان‌شناسان می‌گویند آموزش و پرورش تا قبل از دبیرستان توجه خود را به نیم کره‌ی راست دانش آموز بگذارد و کم کم بعد از نوجوانی به نیم کره‌ی چپ و منطقه‌گرایی وارد شود. بنابراین در ورود به دوره‌ی ابتدایی، داستان، شعر و بازی حداقل ۸۰ درصد فضای آموزشی را در برمی‌گیرد.

حالا ورود شعرو و داستان به کتاب‌های درسی تا حدود زیادی در راستان نیم کره‌ی راست است که ضرورت خاصی برای بچه‌ها دارد. وجود داستان در کتاب‌های درسی معلم را برای بچه‌ها عزیزتر می‌کند. یعنی مایک آموزگار و در حقیقت یک شخصیت داستان گو داریم. بنابراین، وجود این آثار در کتاب درسی ما از معلم، یک معلم داستان گو می‌سازد نه یک معلم مهدکوکدی. حالا اگریک قصه‌گویی مهد داشته باشیم مطمئناً بچه‌ها قصه‌گو را بیشتر از معلم دوست دارند. اگر فقط معلم داشته باشیم و این کتاب درسی، یک چیز ترکیبی از این دو می‌سازد و در ذهن بچه‌ها آن شخصیت سخت‌گیر، خشک و شاید دنبال تهدید یا مج‌گیری کردن را تضعیف می‌کند و یک شخصیت متعادل، لطیف و صمیمی از او می‌سازد.

### شیوه‌های تدریس

ناصر نادری باز با اشاره به روش‌های تدریس، به اهمیت شیوه‌های برتر در تدریس می‌پردازد و قصه و قصه‌گویی با استفاده از نمایش را راهی مناسب در فرایند یادگیری - یادگیری معرفی می‌کند. او می‌گوید: «ما کم کم داریم به کتاب درسی می‌رسیم، اینکه شیوه‌های کتاب بسیار مهم است و الان هم می‌بینید یک معلم هست که همه‌ی بچه‌ها دوستدار او هستند و درس‌های آموزگار را بخوبی یاد می‌گیرند، نوعی وابستگی حسی و عاطفی به دنبال دارد و بچه‌ها راحت‌تر درس را می‌فهمند. معلم‌هایی هستند که خیلی رسمی درس



مشکلات کودکان، متناسب آن موضوع  
قصه‌ای ساخته و به طور کاربردی روش حل  
آن را بیان کرده است.

چگونه می‌شود دانش آموز را به قصه  
عالقمند کرد؟ طبیعتاً در این زمینه نقش  
آموزگار اثرگذار است. آموزگار علاقه‌مند و  
آشنا به فن قصه‌گویی با ایفای نقش واقعی  
خود، سهم بسزایی در شناخت قصه و  
اثرگذاری آن در کلاس خواهد داشت.

در برخی کتاب‌های فارسی پایه‌های  
ابتدایی حجم موضوعات ادبیات معاصر  
با ادبیات کهن تناسب ندارد و کهه به سود  
ادبیات کهن سنگین شده است. به نظر می‌آید  
تنوع در انتخاب مضماین رعایت نشده است.  
گنجاندن سه نوع ادبیات در کتاب ادبیات  
هر کشوری ضرورت دارد.

الف. ادبیات سنتی و کلاسیک تا مخاطب  
با گنجینه‌های فرهنگی و سابقه‌ی خود آشنا  
شود.

ب. ادبیات زمان تا مخاطب با جریان‌های  
ادبی روز خود آشنا شود.

پ.

ادبیات خاص.  
ادبیات سنتی را در پایه‌های تحصیلی  
ابتدایی، می‌توان با بازنویسی و بازآفرینی  
نشان داد.

می‌کند. مثلاً بچه‌ها نقش شخصیت‌های  
داستان را بازی می‌کنند.

مادر قصه‌گویی چند فرایند مهم داریم؛  
متن قصه که اساساً ببینیم آن متنونی

که به عنوان قصه آمده آیا واقعاً جذاب‌اند  
و مناسب با سن و جنس و فرهنگ امروز  
بچه‌ها هستند. به لحاظ موضوع آیا این  
متنون تنوع دارد یا چگالی مفاهیم در بعضی  
از حوزه‌ها خیلی پرنگ و در بخش‌هایی  
مغفول است.

قصه‌گو؛ شاید متن قصه خیلی قوی باشد  
اما هنر این است که مامهارت قصه‌گویی را  
بلد باشیم.

شرایط مکانی و زمانی قصه‌گو؛ ببینید  
متن فارسی پر حجمی مثل فارسی بخشی  
به نام «بنویسیم» هم دارد. آیا با این حجم  
فراوان انتظار این را داریم که آموزگار با حوصله  
و در زمان مناسب بخواهد وقت بگذارد و قصه  
بگوید؟ آیا این انتظار معقول است؟

در رابطه با شرایط مکانی گاهی آن قدر  
فضاهای محدود و فشرده است که جایی برای  
نمایش به حالت گروهی یا کلاسی نیست.  
یا در رابطه با شرایط زمانی همان‌طور.  
آن قدر حجم محتوای کتاب درسی زیاد  
است که شاید اصلاً فرصتی برای کارهای  
خلاق‌تر نباشد.

و در مجموع بمنظر می‌رسد مادر بحث  
قصه‌گویی این عناصر را داریم شاید اینجا  
در بحث مهارت دادن در قصه‌گویی خلی  
است که باید برطرف شود و خود ما هم باید  
فکرهایی بکنیم و در مجالات رشد، کتاب  
درسی و کتاب راهنمای معلم خوب است  
تأکید شود.

می‌دهند. هم خودشان اذیت می‌شوند و  
هم بچه‌ها درس را خوب یاد نمی‌گیرند.

معلم‌های با تجربه شیوه‌های تجربه شده را در  
اختیار همه‌ی معلم‌ها قرار بدهند.

مثلاً شما یک متن را در نظر بگیرید و با  
چند شیوه آن متن را بنویسید و در اختیار  
معلم بگذارید. کسی که معلم می‌شود خوب  
است بداند که یک مطلب را با چند شیوه  
می‌توان آموزش داد.

من می‌گویم همین کتاب‌های خشک  
و جدی درسی در قالب‌های متنوع مانند  
طنز آورده شود و شیوه‌ی زبان کتاب باید  
به گونه‌ای باشد که جذایت داشته باشد.

معلم‌هایی که خلاقیت و توانایی دارند و  
خودشان متن را عوض می‌کنند موفق  
می‌شوند، ولی اگر خود کتاب با آن قابلیت‌ها  
و توانایی‌ها در دسترس معلم قرار بگیرد  
معلم‌ها را بیشتر سر ذوق خواهد آورد و ابتکار  
معلم هم بر جذایت اضافه می‌شود. باید بر  
نمایش در قصه‌ها توجه جدی شود. بیشتر  
بچه‌ها شنونده هستند. بچه‌ها باید نمایش،  
گفتار و رفتار، حرکت، فن بیان و نگارش را  
تجربه کنند.

و همه‌ی این‌ها دانش آموز را توانا  
بار می‌آورد. وقتی دانش آموز توانا شد  
محفوظات را راحت‌تر حفظ می‌کند. اگر

بچه‌ای از شعری خوشش بیاید با دوبار  
خواندن حفظ می‌شود و اگر خوشش نیاید  
با بارها خواندن یاد نمی‌گیرد و هر بار هم  
می‌خواهد احساس عذاب می‌کند. بنابراین،  
همچیز در جهت خوشگوار شدن مطلب  
گفته شود و همه‌ی این‌ها برمی‌گردد به  
شیوه و نوع قصه».

### روحیه‌ی مشارکت

نادری با ذکر این نکته که کودک با  
شنیدن قصه در کلاس به تعامل و ادار  
می‌شود، ادامه می‌دهد: «به نظر می‌رسد  
در هر فرایند قصه‌گویی شاید معلم یا هر  
فردی حتی آدم خلاق و ماهری باشد با  
تغییر صدا و لحن و حرکت‌هایی دست  
و بدنش قصه را می‌گوید و بچه‌ها فقط  
منفعت و شنونده‌ی مغض هستند. اما گاه  
قصه‌گویی جنبه‌ی گروهی و مشارکت پیدا

طاهره خردور

# بنیاد فنی به چشم نماید

## نقش قصه‌گویی در نظام تعلیم و تربیت

### قصه چیست؟

برای شناخت جایگاه واقعی قصه‌گویی در نظام تعلیم و تربیت ابتدایاً است. عناصر اصلی این سرفصل را موردنقدت قرار دهیم.

نخست: قصه و دوم: نظام تعلیم و تربیت.

برای شروع بحث بهتر است ابتدایاً کلمه‌ی قصه و قصه‌گویی را مجدداً تعریف کنیم: سیما داد در کتاب فرنگ و اصطلاحات ادبی ذیل کلمه‌ی قصه آورده است: «قصه در لغت به معنی حکایت و سرگذشت است و در اصطلاح به آثاری اطلاق می‌شود که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق العاده بیشتر از تحول و تکوین آدم‌ها و شخصیت‌هast. در قصه یا حکایات محور ماجرا بر حوادث خلق الساعه قرار دارد. حوادث قصه‌ها را به وجود می‌آورند و در واقع رکن اساسی آن را تشکیل می‌دهند؛ بی‌آنکه در گسترش و بازسازی قهرمان‌ها و آدم‌های قصه نقشی داشته باشد.»

با توجه به این تعریف زمینه‌های بررسی جایگاه قصه‌گویی در نظام‌های آموزشی مشخص‌تر می‌شود.

### جایگاه قصه

برای بهبود نظام تعلیم و تربیت با توجه به گستره‌ی بسیار وسیع آن؛ نخست لازم است نوع جامعه‌ای که در آن به نقش و جایگاه قصه می‌پردازیم را شناسیم. در بررسی جوامع و دهه‌های قبل به دو نوع جامعه‌برمی خوریم؛ جامعه‌ی کشاورزی و جامعه‌ی صنعتی. هر کدام از این دو جامعه از ارتباطاتی یک‌سویه بهره می‌برند و وسیله‌ی انتقال پیام در آن‌ها عمدتاً نوشتگی، رادیو و تلویزیون بود. در اوایل قرن بیستم شاهد پیدایی جامعه‌ی دیگری به نام «جامعه‌ی اطلاعاتی» بودیم که اصلی‌ترین منبع در این جامعه دانش و اطلاعات است و عمدت‌ترین سازمان‌های آن مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و نظام‌های آموزشی می‌باشد. در این جامعه ارتباطات دوسویه و چندسویه است و این توانایی علاوه بر افزایش دادن سرعت ارسال و دریافت اطلاعات باعث افزایش فوق العاده سرعت رشد دانش نیز شده است. بنابراین در بخش آموزش دیگر نیازی به حفظ کردن مطالب نیست و باید

جبار کشاورز  
لیسانس آموزش ابتدایی

### اشاره

قصه‌گویی در کشور ما سابقه‌ای بس دیرینه و قدیمی دارد، اما نفوذ عوامل و وسائل ارتباط جمعی و علاوه بر آن مسائل خاص حوزه‌های شهرنشینی، موجب شده تأثیر

قصه‌گویی در طول دوران و به‌ویژه در نظام‌های آموزشی کم‌رنگ شود. هم‌چنین به قصه‌گویی هنوز به عنوان یک فن نگاه نمی‌شود و در نظام آموزش و پرورش جایگاه شایسته‌ای ندارد. بسیاری از علاوه‌مندان به این فن، به تجارب خود متکی هستند و کمتر با روش‌های علمی و اصول قابل قبول این فن آشنایی دارند.

معمول‌آور کشور ما به رغم وجود گنجینه‌های علم و معرفت و داستان‌ها و افسانه‌های زیبا و آموزنده، اولیا و مریان بیشترین وقت خود را به مسائل آموزشی کودکان اختصاص می‌دهند و دانش‌آموزان نیز، در خانه و مدرسه بیشتر اوقات خود را صرف یادگیری‌های غیرفعال کرده، از سختی و خشکی دروس و اضطراب امتحان و نمره رنج می‌برند. بدین ترتیب اغلب اولیا و مریان از هدف اصلی تعلیم و تربیت که پرورش انسان‌های خلاق، مبتکر و کارآمد است باز می‌مانند.

جایگاه قصه‌گویی در نظام آموزش رسمی کشور می‌تواند بخش بسیار وسیعی از جامعه را تحت پوشش قرار دهد. از دوران پیش‌دبستان تا دوران دانشگاه گستره‌ی نظام تعلیم و تربیت است، اما در این مقاله هرچاکه نظام آموزشی اشاره می‌شود، مراد دوران پیش‌دبستان و دبستان است. با این اوصاف این مقاله در پی آن است که به این سوالات پاسخ دهد:

الف. آیا قصه‌گویی می‌تواند در رقابت با فعالیت‌های رسمی مدرسه به جایگاهی مطمئن دست یابد؟  
ب. آیا در نظام آموزشی ما به قصه‌گویی به عنوان فعالیتی جدی نگاه می‌شود یا فعالیتی تفننی است که ارزش علمی-آموزشی خاصی ندارد؟

برای رویارویی با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می‌سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آن‌ها را باری می‌دهد. قصه، به‌ویژه در زمینه‌های زبان آموزی و آموختن کلمات تازه به کودکان نقش قاطعی دارد. داستان و قصه‌نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد. از طریق قصه‌ها و داستان‌های خوب کودک به بسیاری از ارزش‌های اخلاقی پی‌می‌برد. کودک در نظام تعلیم و تربیت جدید انسانی فعال و پویا است که حق انتخاب دارد. او با تجربه متفاوتی روبروست. یکی از کارهایی که کودک در نظامهای آموزشی امروزی آن روبروست شنیدن، نوشتن و باز گفتن است. در ذهن کودک میلیون‌ها جرقه وجود دارد که هر کدام می‌تواند زمینه‌ی بروز و ظهور استعدادهای تازه را فراهم کند. میل ذاتی کودک به شنیدن قصه موجب شده است تا قصه‌گویی به عنوان یکی از روش‌های آموزشی و تربیتی در طول اعصار مورد توجه باشد. کودک در داستان مایه‌ی زندگی خود را می‌یابد و خصوصیات رفتاری افراد را درک می‌کند. داستان‌ها منعکس‌کننده‌ی نگاه انسان به جهان هستی و محیط پیرامون اوست و به همین دلیل قصه‌گویی راهی برای انتقال و آموزش آداب و رسوم و سنت از نسلی به نسل دیگر است. در تجدید حیات جاری قصه‌گویی، تعیین مزدی و مزدی و گفتن قصه به‌گونه‌ای فزاینده دشوار است و این تفاوت مربوط به رابطه‌ی بین گوینده و شنونده است و قصه در کانون این رابطه قرار دارد. دانش آموز باید بتواند در طول قصه با قصه‌گو همراه باشد.

هدف گذاری، برنامه‌بیزی و فرایند تدریس به سرعت از شیوه‌ی حفظ کردن و انبارداری اطلاعات به سمت ایجاد مهارت در فرآگیرندگان به منظور توانایی دریافت اطلاعات مفید و مورد نیاز، چگونگی تجزیه و تحلیل داده‌ها و کسب نتایج تولید داشت تغییر جهت دهد و زمینه‌ی برای یافتن روابط و حقایق به جای آموزش آن‌ها فراهم شود. با این اوصاف آیا نظام تعلیم و تربیت قابلیت این را دارد که مجدد آبه فعالیت‌هایی نظیر قصه‌گویی روبکردن تازه‌ای ایجاد کنیا خیر؟ اکنون همه‌ی نظامهای تعلیم و تربیت به‌گونه‌ای با فناوری‌های ارتباطی درگیر می‌باشند. با توجه به هزینه‌های بسیار بالایی که در اغلب مدارس برای بهبود امر تدریس و یادگیری به کار برده اند، انتظار می‌رفت که این عوامل به سمت ساده‌سازی و هیجان‌بخشیدن به آموزش پیش رود؛ اما متأسفانه در عمل مدارس فاقد نشاط و شادابی لازم‌ی باشند. جریان تعلیم و تربیت نه فقط باید موجب شود خلاقیت در دانش آموزان توسعه یابد بلکه باید هزینه‌های آن را هم فراهم کند. از سویی در نظام آموزشی رسمی کشورها و به‌ویژه در کشورهای جهان سوم با همه‌ی نیاز روزافزون جوامع به نیروهای متخصص، باز هم تأکید بر یادگیری نظری است و به آموزش‌های نظری بیش از سایر آموزش‌های توجه می‌شود.

به‌نظر می‌رسد نظامهای آموزشی به‌ویژه نظام تعلیم و تربیت در کشور مانیز به بازسازی در زیربنایی افراطی دارد. برای این منظور باید افراد آگاه و خبره بتوانند نیازهای جامعه‌ی اطلاعاتی را در کنار امور آموزشی به‌گونه‌ای سازمان‌دهی کنند که تنوع فعالیت‌ها حفظ شده و همه چیز در خدمت سازندگی افرادی پر شور قرار گیرد.

### نقش قصه

از جمله فعالیت‌هایی که می‌تواند بدون ایجاد حساسیت در نظام آموزشی از عهده‌ی مسئولیت خپیر پرورش کودکان برآید و همه چیز را همانند حلقه‌ای واحد به دور خود جمع کند، فعالیت قصه‌گویی است. قصه به لحاظ نیاز فطری انسان، همیشه یکی از برنامه‌های مورد علاقه‌ی اوست. در طول تاریخ علی‌رغم پیشرفت‌های سریع تکنولوژی هنوز زبان ساده‌ی قصه نقش بسیار مهمی در بیان مسائل آموزشی دارد. هر چند با توجه به تغییرات تکنولوژی، تغییرات اساسی در استفاده از قصه‌ها صورت گرفته است و به سختی روبکردهای سابق نسبت به قصه‌گویی ایجاد می‌شود، اما با هماهنگی بین بخش‌های مختلف نظامهای آموزشی می‌توان خالما موجود در آن را پر کرد.

در این راستا توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که یکی از بخش‌های مهم ادبیات کودک، قصه است. قصه کودک را در همه‌ی اوقات زندگی پرورش می‌دهد و باعث مسرت خاطر، وسعت تخیل و قوت تصور او می‌شود و نیز نیروی ابتکار و ابداع به او می‌بخشد. قصه‌هایی که کودکان می‌خوانند و می‌شنوند اثری عمیق در فکر و روحیه‌ی آنان می‌گذارد و آن‌ها را



## نظام تعلیم و تربیت و قصه‌گویی

علاوه بر موارد فوق برنامه‌های آموزشی از جمله برنامه‌های چندرسانه‌ای می‌باشند. برنامه‌ی چندرسانه‌ای، برنامه‌ای است که ترکیبی از دو یا بیش از دو شکل هنری است که هر کدام می‌تواند جایگاه خود را داشته باشد و در مجموع کل واحدی را بیافریند.

قصه‌گویی در نظام آموزشی می‌تواند با شکل‌های مختلف درسی بیامیزد، به شرطی که روی برنامه‌های خوبی فکر شده باشد و ارتباط بین بخش‌های آن منسجم باشد. مؤثرترین برنامه‌ها آن‌هایی هستند که بر درون مایه یا موضوع درسی یا نویسنده‌ای خاص متمرکز شده باشند. برای آماده‌سازی یک برنامه‌ی درسی که بتواند در نظام تعلیم و تربیت مفید واقع شود باید در مواد مورد استفاده‌ی آن دقت شود.

شرط موقفيت یک برنامه نظیر قصه‌گویی در مدارس روانی و موزون بودن آن است. در یک نظام تعلیم و تربیت باید بخش‌های مکمل هم باشند و در عین حال آن قدر قدرت داشته باشند که مستقل به کار آیند. اگرچه امروزه به عواملی نظیر تفکیک بودجه و کاهش تعداد کارکنان در نظام‌های آموزشی اشاره می‌شود، با این حال رویکردهای تازه‌ای نسبت به فعالیت‌های نظیر قصه‌گویی در حال پیدایش است. به نظر می‌رسد برای رفع مشکل عدم توانمندی معلمان به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر آموزشی باید دوره‌هایی برای آن‌ها برگزار شود. مدیران، معلمان و سایر افراد دست‌اندرکار نظام تعلیم و تربیت بایستی نسبت به شرکت در برنامه‌های قصه‌گویی تغییب شوند، چون اگر بهترین قصه‌ها هم در خدمت شخصی که علاقه‌مند به قصه‌گویی نباشد قرار گیرد و نتواند از عهده‌ی ارائه‌ی آن برآید، در واقع کاری عیث انجام شده است.

کسانی که شغل معلمی را برگزیده‌اند خودزمانی دانش آموز بوده‌اند و شرایط آموزشی و پرورشی را در مدارس تجربه کرده‌اند. علی‌رغم پیشرفت‌های ظاهری هنوز اتفاق تأثیرگذاری در مدارس و در نحوه‌ی تدریس معلمان نیفتاده است. باید در نظام آموزشی فرصت‌هایی فراهم شود که در برانگیختن

انگیزه‌ی برای نقش کاربردی معلمان باشد.

هم‌چنین برای کسب جایگاه مناسب برای فعالیتی نظیر قصه‌گویی لازم است در دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات مرتبط رشته‌ای خاص ایجاد گردد تا نیروهایی توانند برای فن قصه‌گویی تربیت شوند.

### منابع

- پولادی، کمال؛ بنیادهای ادبیات کودک، کانون، تهران: ۱۳۸۴.
- داد، سیما؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی، نشر مروارید، تهران: ۱۳۸۹.
- دلاور، علی؛ روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، نشر ویرايش: ۱۳۸۸.
- شاه‌آبادی، حمیدرضا؛ مقدمه‌ای بر ادبیات کودک، کانون، تهران: ۱۳۸۲.
- گرین، الین؛ هنر و فن قصه‌گویی، نشر ایجاد، تهران: ۱۳۷۸.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، نشر مرکز، تهران: ۱۳۸۸.

اگر فعالیت قصه‌گویی توسط فردی ناتوان که با اصول قصه‌گویی آشنانیست، ارائه شود؛ نه تنها نمی‌تواند مؤثر واقع شود بلکه علی‌رغم میل فطری کودک به قصه اورا از محیط قصه فراری می‌دهد. در این رابطه مابا دسته‌های مختلفی از قصه‌گویان روبه‌رو هستیم: قصه‌گویی‌ها؛ قصه‌گو-کتابدارها و قصه‌گو-معلمان.

در نظام‌های آموزشی بیشتر شاهد «قصه‌گو-معلمان» هستیم؛ یعنی آن دسته‌ای قصه‌گویانی که برای کودکان در برنامه‌های آموزشی قصه‌هایی گویند، اما علاقه‌مند به کار قصه‌گویی نیستند، در واقع آنان علاقه‌مند به اجرای قصه توسط قصه‌گو نیستند.

به دلیل حاکمیت این دیدگاه در نظام آموزشی، بسیاری از معلمان نمی‌توانند نقش قصه‌گویی را بخوبی ایفا کنند. معلمان در نظام‌های آموزشی باید بدانند که بین اجرای فعالیت‌های آموزشی و فعالیت‌های پرورشی و فوق برنامه ارتباطی بسیار عمیق وجود دارد. ممکن است بسیاری از معلمان برای بچه‌های خود در خانه قصه بگویند و با شناختی که از او دارند درباره‌ی علاقه‌ها، ترس‌ها، یا محبت‌هاییش قصه بگویند؛ اما قصه در مدرسه و بیزگی‌های خاص خود را دارد. قصه در مدرسه شور و عاطفه‌ی بیشتری را می‌طلبد و باید به کودک آزادی عمل بیشتری بدهد. قصه با توجه به نیازهای فطری مخاطب فرق می‌کند. برای این منظور باید کتاب‌های درسی سرشار از ادبیاتی غنی و مفید باشد. این ادبیات باید با مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی هم‌سو بوده و در برنامه‌ی تحصیلی خلی وارد نکند. معلم می‌تواند با قصه به دانش آموزان مهارت‌های پژوهشی را بیاموزد، می‌تواند گوش سپردن به قصه و برانگیختن کودکان را با آن‌ها تجربه کند.



# چوپان دروغگو

## عُمَری به درازای تاریخ دارد

جعفر ربانی

در اهمیت قصه‌گویی برای کودکان

شخصیت کودکان و نوجوانان و حتی بزرگ‌سالان بوده است؛ به‌طوری که امروز در کمتر خانه، مهدکودک، کودکستان یا مدرسه‌ای است که از روش قصه‌گویی در پرورش کودکان استفاده نشود.

### قصه‌گویی و تخیل

دلیل جاذبه‌ی قصه برای کودک می‌تواند تسلسل یا پیوستگی موجود در آن باشد. چنان‌که همان کودک - و حتی بزرگ‌سال - وقتی مثلاً رقص رنگ‌ها و یا بازی نور را، که به‌طور هماهنگ دیده می‌شود، مشاهده می‌کند بیشتر توجهش جلب می‌شود تا وقتی آن‌ها را به‌طور منفرد و جدا از هم بینند. اما همچنان‌که نقش اساسی در قصه‌گویی دارد و حتی مقدم بر تسلسل است. اما نخست بینینم تخیل چیست؟

تخیل عبارت است از «توانایی ذهنی ما برای بازسازی ادراکات خودمان». ما می‌توانیم با قدرت تخیل چیزهایی را که قبلاً دیده و تجربه کرده‌ایم، در ذهن خود بازسازی کنیم و از ترکیب آن‌ها با یکدیگر چیز جدیدی بسازیم که حتی در عالم واقع وجود ندارد؛ برای مثال، ساختن گریه‌ی پرنده یا شتری که حرف می‌زنند، تنها در عالم تخیل امکان‌پذیر است، ضمن اینکه اگر کسی گریه و پرنده و نیز شتر به خود جلب می‌کند. در واقع، در قصه یا داستان واژه‌ها، آواها، رویدادها، احساسات قصه‌گو و حرکات وی به صورت مجموعه‌ای هماهنگ عمل می‌کنند و از این‌رو است که کودک را شیفته‌ی شنیدن می‌سازند.



### اشاره

یکی از شگفتی‌های وجودی کودکان و خردسالان این است که قصه را دوست دارند و به قصه‌گو مخصوصاً اگر مادر باشد دل می‌سیارند. می‌گوییم شگفتی، زیرا اگر قصه‌گو مضمون قصه را به‌گونه‌ای عادی برای کودک بیان کند، آن را درک نمی‌کند و شاید توجهی به آن نکند. این را ظاهراً باید به‌خاطر تسلسل و پیوستگی قصه دانست که ذهن کودک، و البته بزرگ‌سال را هم، به خود جلب می‌کند. در واقع، در قصه یا داستان واژه‌ها، آواها، رویدادها، احساسات قصه‌گو و حرکات وی به صورت مجموعه‌ای هماهنگ عمل می‌کنند و از این‌رو است که کودک را شیفته‌ی شنیدن می‌سازند.

لایی‌ها نیز در کودکان خردسال چنین اثربخشند و کودک بدون آنکه مفهوم عبارات و کلمات لایی را درک کند، تحت تأثیر نوای دلپذیر مادر به آن گوش می‌دهد و آرام می‌گیرد. به سبب همین علاقه به قصه و داستان، از دیرباز قصه‌گویی یکی از راههای پرورش ذهن و زبان و در نهایت پرورش منش و

### کارکرد قصه‌گویی برای کودکان

قصه‌گویی کارکردهای سیاری دارد. کمترین کارکرد آن جلب توجه کودک و سرگرم کردن او و از این بالاتر تأثیری است که بر ذهن و زبان

شود و او را به واکنش وادارد.

- پرورش عواطف؛ پرورش عواطف اگر مهم‌ترین کارکرد قصه‌گویی برای کودکان نباشد، بی‌شک یکی از مهم‌ترین آن‌هاست، چرا که کودک، به یک بیان، بهویژه وقتی در تعامل با مادر باشد، چیزی جز «اعطاوه‌ی مجسم» نیست. شاید از همین‌روست که مادران از گذشته‌های دور، نخستین شعرها یا قصه‌هایی که برای کودک خود روایت می‌کرده‌اند، به صورت لایی بوده است.

قصه‌های مشهوری چون «خاله سوسکه»، «دویدم و دویدم» و مانند آن‌ها نمونه‌ای ازین قصه‌هاست که بعضی از آن‌ها عمری به درازی تاریخ بشر دارند و از سرزمینی به سرزمین دیگر نیز رفته‌اند.

- انتقال تجربه‌ها و ارزش‌ها؛ قصه‌گویی در سنین بالاتر، مثلاً در دوره‌ی دبستان، کارکردی جدی تر و واقعی‌تر پیدا می‌کند و آن انتقال تجربه‌ها و ارزش‌ها به کودک است. در این سنین که کودکان از توانایی خواندن و نوشتن نیز برخوردار شده‌اند می‌توان آن‌ها را از دنیای تخیل به دارا و چشم‌شان را به روی جهان واقعی و قابل تجربه‌ی عینی باز کرد. می‌توان رویدادهای تاریخی را به طور ساده و به‌شکل قصه برای آن‌ها گفت؛ می‌توان شرح حال انسان‌های دور، ولی واقعی، برایشان روایت کرد. و ماجراهایی از سرزمین‌های دور، ولی واقعی، برایشان روایت کرد. در این گونه قصه‌ها، که البته بهتر است نام «روایت» به آن‌ها بدهیم، میدان عمل و تجربه خود را نشان می‌دهد که عرصه‌ی برخورد و تعامل و تقابل آدمیان با یکدیگر است؛ یعنی محل ظهور خلق‌های نیک و بد و ارزش‌های مثبت و منفی و تجربه‌ها و ارزش‌هایی که به زودی، با ورود کودک به نوجوانی و جوانی، خودش نیز با آن‌ها درگیر می‌شود و باید آن‌ها را تجربه کند. بدین لحاظ قصه‌گویی برای کودک سال‌های دبستان اهمیتی بیشتر می‌پیدد و در شکل بخشیدن به شخصیت او نقش بیشتری نسبت به گذشته ایفا می‌کند. همه‌ی ما که دوره‌ی دبستان را از سر گذرانده‌ایم به خوبی می‌دانیم که درس‌هایی مانند، «حسنک کجایی»، «چوپان دروغگو»، «مرغ‌های خاله مرجان»، «کوکب خانم»، «تصمیم کبری» و «دندان شیری» که در واقع روایتی قصه‌گونه از یک ماجرا بودند، و نه قصه به معنای مصطلح، تا چه حد بر عواطف و احساساتمان تأثیرگذار بوده‌اند و با گذشت سال‌ها هنوز هم آن‌ها را فراموش نکرده‌ایم.

### قصه‌گویی در عمل

آنچه تا اینجا بیان کردیم، بیشتر جنبه‌های نظری قصه‌گویی بود، اما مسئله‌ی مهم عمل قصه‌گویی است و اینکه این کار مهم باید چگونه صورت گیرد تا بتواند مزایایی را که در آن نهفته است به ظهور برساند. در یک تقسیم‌بندی بسیار ساده قصه‌گویی دارایی سه رکن یا پایه است و نبودن یکی از آن‌ها وجود دو تای دیگر را بی‌اثر می‌سازد. این سه رکن عبارت اند از: قصه‌گو، کودک و قصه؛ دیگر ابعاد قصه‌گویی می‌تواند در ضمن این سه رکن قرار نگیرد. بینیم ویژگی‌های هر یک از این سه رکن چیست؟

و رفتار و احساسات و خلقيات کودک می‌گذارد و او را با تجربه‌هایی که خود هنوز از سر نگذرانده است آشنا می‌سازد. از همین‌روست که پدر و مادرها و بهویژه مربیان باید به این امر بسیار بها بدهند و بخشی از فعالیت‌های تربیتی و پرورشی خود در مورد کودکان را به قصه - اعم از قصه‌گویی و قصه‌خوانی - معطوف کنند و بهویژه به جزئیات این روش آموزشی و تربیتی توجه داشته باشند. منظور از جزئیات این است که قصه کارکردهای متفاوتی دارد که مجموعاً در پرورش شخصیت آینده‌ی کودک بسیار تأثیرگذارد. این کارکردها عبارت‌انداز:

- افزایش واژگان پایه؛ کودکان در سه سالگی و بیشتر، هر واژه‌ی جدیدی را به سرعت می‌گیرند و آن را در خاطر خود ضبط می‌کنند و اگر

مجال پیدا کنند آن را به کار نیز می‌برند. هر چه گنجینه‌ی واژگانی کودک بیشتر باشد بهتر می‌فهمد، بهتر می‌شناسد، بهتر سخن می‌گوید و بهتر با اشیا و اشخاص ارتباط برقرار می‌کند.

- تقویت گوش دادن؛ مولوی می‌گوید: «آدمی فربه شود از راه گوش» که این فربه شدن را می‌توان به معنای ظاهری آن یعنی پرورش یافتن



تلقی کرد. می‌دانیم که اگر نوزاد آدمی فاقد قوه‌ی شنوایی باشد، قوه‌ی سخن گفتن هم نخواهد داشت؛ در حالی که فقدان قوه‌ی بینایی، با همه‌ی اهمیتی که دارد، در انسان خللی ایجاد نمی‌کند.

قصه‌گویی برای کودک از این منظر بسیار مهم است و مربیان باید به ظرایف آن جدأ توجه کنند. روش‌ترین و بدیهی‌ترین تأثیر قصه‌گویی بر کودک این است که سخن گفتن او را تقویت می‌کند. باعث می‌شود با داشتن واژگان بیشتر، در کاربرد آن‌ها هنگام سخن گفتن بهتر و موفق‌تر عمل کند.

- سوال کردن؛ کودک هر چیز را درست سر جای خودش می‌بیند و انتظار دارد امور طبق منطق خود اتفاق بیفتد و نه بر حسب تصادف یا بدون هر دلیلی. این منطق سبب می‌شود کودک پرسشگر باشد و چون هیچ رنگ و ریالی را هم نمی‌پذیرد، هر جا امری را خلاف منطق خودش ببیند سوال و حتی اعتراض می‌کند. بر این اساس، مربی می‌تواند قصه‌ی خود را از این نظر طراحی و اجرا کند. به عبارت دیگر، می‌توان قصه را طوری ساخت که برای کودک موجب سوال

## قصه‌گو

تجربه نشان می‌دهد که توانایی قصه‌گویی در افراد پدیده‌ای فطري و ذاتی است و البته قابل رشد و پرورش نیز هست. چه بسیارند قصه‌گویانی که با پر و بال دادن به تخیل خود از کاه کوهی می‌سازند و شنونده (کودک) را مسحور خود می‌کنند؛ و برعکس چه بسیارند کسانی که دنیایی از قصه‌ها را در ذهن یا حافظه‌ی خود دارند ولی در نقل آن‌ها به دلایل مختلف به ویژه از نظر قدرت بیان ناتوان اند. در هر صورت کسی که از «موهبت بزرگ قصه‌گویی» برخوردار است جا دارد که در پرورش آن بکوشدو آن را به مرحله عمل برساند؛ یعنی بیشتر قصه‌بخواند، ادبیات فارسی (ویا محلی) را بیشتر مطالعه کند، قصه‌های خوب و آموزنده را از قصه‌های ناصواب و بدآموز بازشناسی کند، بتمرین‌های مناسب، امکان تأثیرگذاری بر مخاطب، یعنی کودک را افزایش دهد و تمرین‌هایی برای رشد لحن عاطفی خود، بیان روش، کاربرد صحیح لغات و کلمات، تغییر صدا، تقلید صدا، نواهای مناسب، تگاه‌های به جا، حرکت دست و دیگر اندام، و به ویژه نحوه‌ی رفتار با کودکانی که برای آن‌ها قصه می‌گوید، با توجه به تفاوت‌های فردی‌شان انجام دهد.

## کودک

کسانی که با دنیای کودک آشنایی دارند به خوبی می‌دانند که جهان کودک روزبه روز در حال تغییر است؛ برخلاف افراد بزرگ‌سال که با تکوین شخصیت، دنیاگشان ثابت و پایدار می‌مانند. قصه‌گویی برای خردسالان دوره‌ی آمادگی با قصه‌گویی برای بچه‌های دوم دبستان متفاوت است. بزرگترین آفت در قصه‌گویی برای کودکان این است که قصه‌گو بخواهد داستان بزرگ‌سالان را با ادبیات و لحنی کودکانه برای بچه‌ها بارگو کند؛ چنان‌که امروز بسیار می‌بینیم افرادی را که می‌کوشند به عنوان نویسنده‌ی کودک، داستان‌ها و افسانه‌های حماسی قدیم را ساده‌نویسی کنند و به صورت داستان کودک درآورند و با چاشنی تصاویر گرافیکی و رنگ‌آمیزی‌های متنوع به بازار عرضه کنند، که البته کمتر تأثیرگذار است. کودک قصه و داستان کودکانه‌ی خواهد، با همه‌ی ابعاد و ویژگی‌هایش.

## قصه

قصه اصل ماجرا و در واقع واسطه‌ی میان قصه‌گو و کودک است. قصه محصول تخیل آدمی است. شاید هیچ قصه‌ای -حتی قصه‌های واقعی شما- صورت واقعی و یعنی نداشته باشد. قصه را قصه‌نویس یا قصه‌گو در خیال خود می‌سازد و با عبارت‌ها و کلمات و نوشتن یا گفتن آن را یعنی می‌کند. بنابراین، امکان ساختن قصه به بی‌نهایت شکل وجود دارد. آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که قصه باید:

- طرح داشته باشد و اجزای آن بایکدیگر ارتباط منطقی داشته باشند.
- درون مایه، یعنی محتوای آن قوی و غنی باشد؛ به عبارت دیگر حرفی برای گفتن داشته باشد.

- زبان ساده داشته باشد، یعنی مخاطب، از سه ساله تا ده ساله، بتواند آن را بگیرد، ضمناً اگر مکتوب است طوری باشد که قصه‌گو نیز بتواند به راحتی آن را به گفتار تبدیل کند.

- «پیام روشن» از ویژگی‌های دیگر یک قصه‌ی خوب است. داستان «چوبان دروغگو» نمونه‌ای از یک پیام روشن است.

- و بالاخره قصه باید هدفمند نوشته یا انتخاب شود. اگر قرار است سرگرم‌کننده و طنزآمیز باشد متفاوت است با وقتی که قرار است آموزنده و اخلاقی باشد، و همین طور اگر قرار است مهیج و برانگیزاننده باشد. در مجموع، در یک تقسیم‌بندی کلی، خردسالان معمولاً به قصه‌های خیالی و تخلیلی و ماجراهای حیوانات و جانوران و اشیای جاندار شده در ذهن قصه‌گو بیشتر علاقه‌نشان می‌دهند.

کودکان دبستانی به تدریج به شنیدن قصه‌های واقعی تمايل پیدا می‌کنند، نوجوانان پس از دنبال قصه‌های ماجراجویانه می‌روند و نوجوانان دختر قصه‌های عاطفی و احساسی را بیشتر دوست دارند.

آنچه در این نوشتار درباره‌ی «قصه‌گویی برای کودکان» خواندید کلیاتی بود درباره‌ی ابعاد و اهمیت این موضوع و تأثیری که می‌تواند بر ذهن، زبان، رفتار و شخصیت کودکان در نخستین سال‌های عمرشان بگذارد. نگارنده بیش از آنکه خواسته باشد به جنبه‌های تخصصی موضوع پردازد قصد یادآوری و تذکر چیزی را دارد که چه بسا، بدیهی به نظر بررسد ولی در عمل، در مدارس مابه آن توجه کافی نمی‌شود. ضمناً از آنجا که ورود به جزئیات موضوع مدنظر نیست همکاران و خوانندگان عزیز را به مطالعه‌ی کتاب‌ها و منابع زیر ارجاع می‌دهیم.

۱. محمد رضا سرشار (رضا رهگذر)، **الفبای قصه‌گویی**، چاپ دوم، پیام آزادی، ۱۳۷۷.

۲. محمد هادی محمدی و زهره قانینی، **تاریخ ادبیات کودکان ایران (مجموعه)**، چاپ ششم، ۱۳۹۰.

۳. دیویی، چمبری، **قصه‌گویی و نمایش خلاق**، ترجمه‌ی ثریا قزل ایاق، چاپ چهارم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.

۴. جک ژاپیس، **هنر قصه‌گویی خلاق**، ترجمه‌ی مینو پرنیان، انتشارات رشد، ۱۳۸۰.



# از یک اسم تکتاب نارنجی



اتوبوس، آدم برفی، عنکبوت، ستاره، کلاه و چند عنوان دیگر، از سایر مجلدات این مجموعه هستند. کتاب «یک اسم و چند قصه» را می‌توانید از کتاب‌فروشی‌های معتبر تهیه کنید.

## کتاب‌های نارنجی

نویسنده: فریبا کلهر، فروزنده خداجو، سرور کتبی  
ناشر: قدیانی (کتاب‌های بنفسه، تهران، تلفن ۰۶۴۰۴۴۱۰)  
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰ مصور. برای گروه‌های سنی «ب» و «ج».

این مجموعه کتاب‌ها با عنوان کلی «کتاب‌های نارنجی» برای ۵۲ هفته در سال نوشتۀ شده‌اند. فریبا کلهر، فروزنده خداجو و سرور کتبی از نویسنده‌گان این مجموعه هستند. کودکان شش تا ده سال می‌توانند هر هفته یک جلد از این مجموعه کتاب‌ها را بخوانند. «وجه کوچولو و خانم دایناسور»، «آقا خروسه بی‌ناج شده»، «وجه جغله»، «کوله‌پشتی آقا غوله»، «ابری که پایین افتاد»، «لحفاً ننه‌سرما» و «کبریتی که ریس آشپزخانه بود» از جمله کتاب‌های این مجموعه‌ی ۵۲ جلدی هستند.

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱  
مصور. برای گروه‌های سنی «ب» و «ج».

نویسنده‌گان این مجموعه قصه در صفحه‌ی «سخنی با بزرگ‌ترها» می‌گویند: «برای کودکان نوشتن شرط‌های بسیاری دارد که شاید از همه مهمنتر درک و دریافت حس و خیال کودکانه است». فضای این نوشتۀ‌ها تخیلی و اغلب همراه با طنزی طریق است که بچه‌ها آن را می‌پسندند.

قصه‌ی «پاهای ترسو» را از مجموعه‌ی «جوراب پشمی» نوشتۀ‌ی «شراوه وظیفه‌شناس» با هم می‌خوانیم: دوتا پابودند که دوتا جوراب پشمی داشتند، اما هیچ وقت آن‌ها را نمی‌پوشیدند. یک روز پاها از سرما پیخ کرده بودند. جوراب پشمی‌ها گفتند: «چرا مارانمی‌پوشید...؟» پاها عقب‌عقب رفتند و گفتند: «وای. نه! جلو نیاید!»

جوراب‌ها گفتند: «چرا می‌ترسید؟ مگه ما لولو هستیم؟» پاها گفتند: «از لولو هم بدترید...» می‌خواهید ما بخورید! و فرار کردند. جوراب پشمی‌ها دنبالشان دویدند و گوشی‌ای اتاق به آن‌ها رسیدند. پاها از ترس جیغ کشیدند و گفتند: «ما را نخورید!» و از حال رفتند. جوراب‌ها با زحمت پاها را پوشیدند. کم کم پاها گرم شدند و حالشان جا آمد. آن وقت دوباره جوراب‌ها را دیدند. خواستند بترسند اما جوراب پشمی‌ها آن‌ها را قلقلک دادند. همه با هم خنیدند.

## اشاره

کودکان شش تا هشت ساله در دبستان قواعد دستوری زبان را تجربه می‌کنند و دایریه و ازگانی خود را گسترش می‌دهند. در این سنین کودکان به نوشتۀ‌هایی علاقه دارند که در آن‌ها موجودات بی‌جان شخصیت پیدا می‌کنند و حتی سخن می‌گویند. و حدود نه سالگی است که کودک در خواندن مهارت بیشتری می‌یابد و می‌توان در پاسخ به سؤالات اطلاعات خوبی را از راه کتاب و قصه به او انتقال داد. بدین ترتیب، می‌توان سال‌های کودکی و نوجوانی را در حوزه‌ی ادبیات به شرح زیر تقسیم کرد:

۱. گروه سنی «الف»: سال‌های پیش از دبستان و پایه‌ی اول ابتدایی
۲. گروه سنی «ب»: سال‌های دوم و سوم دبستان
۳. گروه سنی «ج»: پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دبستان
۴. گروه سنی «د»: دوره‌ی اول متوسطه
۵. گروه سنی «ه»: دوره‌ی دوم متوسطه در این فرصت به معرفی دو مجموعه کتاب قصه در گروه‌های سنی مختلف می‌پردازیم.

## یک اسم و چند قصه

نویسنده‌گان: ناصر نادری، مجید راستی، لاله جعفری، طاهره خردور، شراوه وظیفه‌شناس، سوسن طاقدیس، فروزنده خداجو، محمدرضا شمس، شکوه قاسمی‌نیا و...

ناشر: شهر قلم - چکه (تهران، تلفن ۰۷۷۱۸۱۵۴۵-۶)

# دانش‌های خاک‌خورده

## به بهانه‌ی برپایی جشنواره‌ها ورقابت‌های گوناگون در میان ما

مرضیه معین

تیمز» به دنبال مقصیر می‌گردیم. زیاد از طرح درس‌ها می‌شنویم اما به ندرت فیلم تدریس همکاران موفقمان را در یک جلسه‌ی شورای آموزگاران به نمایش گذاشته و برای او کف زده‌ایم. کمتر در دوره‌های ضمن خدمت به یکدیگر فرست ابراز وجود داده‌ایم و یا آن قدر خسیس بوده‌ایم که به بهانه‌ی خجالت جلوترفته و علممان را نشونداده‌ایم. ای کاش امسال تابستان فقط برای هم‌دیگر تدریس می‌کردیم و از هم ایرادمی‌گرفتیم و به تدریس هم‌دیگر می‌خندیدیم و از هم چیز یاد می‌گرفتیم. ای کاش کمی گشاده دست‌تر بودیم. ای کاش مجبور به گشاده‌دستی می‌شدیم تا کمی بیشتر می‌آموختیم!

اتفاقات زیادی در بین معلمان می‌افتد؛ جشنواره‌ها، مسابقات و رقابت‌های گوناگون، اسامی وام گرفته شده از پیشفرته ترین کشورهای جهان، ترجمه و بومی نشده‌اند، یا اگر هم شده‌اند آن قدر دست و پا گیرند که درک آن‌ها به راحتی ممکن نیست.

ای کاش زبان مالزیایی بلد بودم و می‌توانستم در بین سایت‌های گوناگون آموزش‌پیوروش مالزی دنبال کیفیت اجرای جشنواره‌ی تدریس بگردم.

یا دوست داشتم بدام ریشه‌ی اقدام‌پژوهی در کدام کشور است و در مورد آن تحقیق می‌کردم. دوست داشتم بدام درس‌پژوهی در کشور ژاپن چطور انجام شده و چه نتیجه‌ای داده است.

سال‌هاست این جشنواره‌ها در کشور ما برگزار می‌شوند. سال‌هاست که معلمان کوشا و فعال در انواع جشنواره‌ها شرکت می‌کنند و رتبه می‌آورند و تشویق می‌شوند اما یک پرسش در این میان مطرح است: هدف اصلی از برپایی این‌گونه جشنواره‌ها چیست؟ مگر هدف ارتقای سطح کیفیت آموزش نیست؟ مگر هدف جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس، شناسایی بهترین شیوه‌های تدریس نیست؟ مگر هدف اقدام‌پژوهی یافتن راههایی ساده و عملی برای رفع مشکلات داشت‌آموزان یا مدارس نیست؟ مگر هدف از گروهی کردن این طرح‌ها افزایش روحیه‌ی مشارکت در میان معلمان نیست؟ مگر یکی از اهداف درس‌پژوهی اصلاح شیوه‌های تدریس نیست؟ مگر لازمه‌ی آن تقویت روحیه‌ی همکاری، انتقاد و انتقاد پذیری نیست؟

اما چقدر به این آرمان‌ها دست پیدا کرده‌ایم؟

با گذشت سالیان سال، می‌بینیم که تغییر چندانی در شیوه‌های تدریس اعمال نشده است. من به عنوان معلم امروز به‌گونه‌ای تدریس می‌کنم که معلم بیست سال قبل این کار را انجام داده است و او به شیوه‌ی معلمش و معلمش به شیوه‌ی معلمش! طرح درس‌ها و سی‌دی‌های برگزیدگان جشنواره‌ها در قفسه‌ها خاک می‌خورند و برای سایرین به نمایش در نمی‌آینند. محتواهای الکترونیک و مکتوب برگزیده مانند گنجهای نهان در کمدهای شخصی حفاظت می‌شوند تا دیده نشونند. تفکرات جدیدمان را در قفس کرده‌ایم و برای ضعف در آزمون



# شما چه جور آدمی هستید؟

## نقش خودکارآمدی معلمان بر خودپنداره، کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی

محمد رضا زم آرا

معلم محور گرایش دارند. به علاوه، معلمانی که احساس کارایی افزون تری دارند فرصت های بیشتری را برای پیشرفت دانش آموزان خود فراهم می کنند. بنده را معتقد است که انتظار کارآمدی می تواند روی افراد در دو حیطه اثر بگذارد:

(۱) میزان تلاشی که می کنند.

(۲) فعالیت هایی که برای انجام دادن انتخاب می کنند (لیا، ۲۰۰۹).

خودکارآمدی از دو جنبه قابل توجه است؛ خودکارآمدی کلی و خودکارآمدی شخصی (مانوئل و آریاس، ۲۰۰۷). از طرفی، یکی از مسائل مهم در نظام های آموزشی ایجاد شرایط لازم برای موفقیت تحصیلی است. در نگاه کلی، عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی به دو دسته ای عوامل بیرونی و درونی قابل تقدیم اند. از میان عوامل بیرونی می توان به موقعیت یادگیری، مشارکت فرآیندگان در امر یادگیری، کتاب های درسی، وسایل کمک آموزشی، روش تدریس وغیره اشاره کرد. هم چنین، عواملی مانند آمادگی فرآیندگان، هوش عمومی، استعداد، انگیزه، نیاز به پیشرفت و خودپنداره را می توان به عنوان عوامل درونی مطرح کرد. یکی از مهم ترین عوامل درونی، خودپنداره است که در سال های اخیر بسیار مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. هر انسان برداشت و تصوری از وجود خویشتن دارد که می توان آن را هویت شخصی یا خود نام نهاد. اینکه شما چه جور آدمی هستید؟ چه چیزی تعریف شماست؟ چگونه خودتان را توصیف می کنید؟ پاسخ به این سوال ها برداشت و تصور هر فرد از خویش را روش می سازد. نقطه ای عطف دانش بشری درباره خویشتن درونی در سال ۱۹۹۴ به وجود آمد؛ یعنی در زمانی که «نه دکارت» اصول فلسفه را نوشت. دکارت مطرح کرد که «تردید» ابزار اصلی پرسش است. دکارت استدلال کرد که اگر شک می کنیم و سپس فکر می کنیم پس وجود داریم و در نتیجه وجود وابسته به ادراک است (پورکی، ۱۹۸۸).

به طور کلی، می توان گفت خودپنداره مجموعه کلی باورهای فرد در مورد استنادهای شخصی وی راجع به خویش است (برم و کازین، ۱۹۹۰).

### اشارة

امام علی (ع): «هر ظرفی از آنچه در آن می نهند پر شود، مگر ظرف دانش که هر چه در آن نهند فراختر گردد» (نهج البلاعه، حکمت ۲۰۵).

به راستی دانش ظرفی است که هیچ گاه پر نمی شود و بشر هم چون تشننه کامی است که به دنبال دانش است و همواره تشننه و تشننه تر می شود و در جستجوی فهم و دانش تلاش می کند و هیچ گاه از تلاش دست بر نمی دارد. خالق هر دو جهان این نیاز را در بشر به امانت نهاده است تا آدمی از روز نخست تا واپسین روزهای حیات تشننه علم و معرفت باشد. در این میان، رفたن انسان همواره مورد بحث و تفکر دانشمندان، عالمان و فیلسوفان قرار گرفته است، به عنوان نمونه رفتار گرایان به تجربه های محیطی اصالت می دهند و برای مطالعه رفتار انسان از روش های عینی استفاده می کنند (کدیور، ۱۳۸۱).

مسئله ای قابل توجهی که در موفقیت یا شکست افراد و بهویژه معلمان تأثیر دارد، خودکارآمدی آنان است که در عملکرد تدریس آن ها تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا معلمان دارای درجه های بالای خودکارآمدی در توانایی های تدریس خود فرصت های بیشتری را برای عملکرد موفق دانش آموزان به وجود می آورند (گیبس، ۱۹۹۷). تئوری شناختی - اجتماعی پیشنهاد می کند که آگاهی از خودکارآمدی معلمان در غلبه بر موانعی که آن ها در آموزش (یادگیری) با آن مواجه می شوند، حیاتی است (شولتز، ۲۰۰۵).

**کلیدواژه ها:** خودکارآمدی معلمان، خودپنداره، کیفیت زندگی در مدرسه، پیشرفت تحصیلی

تحقیقات نشان می دهد که خودکارآمدی معلمان رابطه هی مثبتی با تلاش و پایداری معلم در مواجهه با مشکلات، تعهد حرفه ای و انگیزش دانش آموزان دارد. هم چنین تحقیقات نشان داده اند معلمان با خودکارآمدی بالا بیشتر احتمال دارد که از روش های دانش آموز محور استفاده کنند. در حالی که معلمان ناکارآمد به استفاده از راهبردهای

السون، ۵؛ ۲۰۰۵؛ به نقل از سیف، ۱۳۸۵) خودکارآمدی را یک عامل انگیزشی فعال کننده، نیرودهنده، نگهدارنده و هدایت‌کننده‌ی رفتار بهسوسی هدف تعریف می‌کنند. بسیاری از محققان عقیده دارند که خودکارآمدی با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد. بر اساس تحقیقات صورت گرفته توسط کبیری (۱۳۸۲) و پاچارس و میلر (۱۹۹۴) و گرین و همکاران (۲۰۰۴) خودکارآمدی می‌تواند در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی در سطوح مختلف تحصیلی نقش مؤثری ایفا کند.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های محققان نشان می‌دهد که فراهم آوردن بافتی مناسب برای پیدایش کارآمدی مثبت می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت تحصیلی در آینده باشد. بهویژه که تجربه‌های شخصی و تجربه‌های مشاهده‌ای به عنوان دو منبع اصلی، نقش مهمی در این احساس کارآمدی ایفا می‌کنند. افزایش احساس خودکارآمدی باعث می‌شود که دانش‌آموzan با توجه به سطح توانایی‌شان در راهبردهای خودسامان‌بخش مؤثرتری درگیر شوند، کارکرد حافظه‌ی آن‌ها افزایش باید و نقشی آسان را در ارتباط بین فعالیت‌های شناختی بازی کنند (پاچارس، ۱۹۹۷).

رابطه‌ی بین خودکارآمدی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی نتایج، با پژوهش‌های انجام شده هم‌سوس است. به هر حال، باورهای خودکارآمدی پیش‌بینی کننده‌ی قوی پیشرفت تحصیلی است. فراتحلیلی که در پژوهش‌های بررسی رابطه‌ی باورهای خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی انجام گرفته است، به طور متوسط همبستگی حدود ۳۸ درصد را بین این دو متغیر نشان می‌دهد (مولتون و همکاران، ۱۹۹۱؛ به نقل کریم‌زاده، ۱۳۸۵).

منابع در دفتر مجله موجود است.

از طرف دیگر، بالا بودن خودکارآمدی معلم رابطه‌ی مستقیمی با کیفیت زندگی در مدرسه‌ی دانش‌آموzan دارد. مؤلفه‌ای که در دهه‌ی اخیر، به دلیل اهمیتی که در زندگی دانش‌آموzan داشته است، مورد توجه قرار گرفته و به عنوان سطح کیفیت ابعاد مختلف مرتبط با زندگی در مدرسه تعریف می‌شود. کیفیت زندگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مفهوم کلی بهداشت است به گونه‌ای که امروزه برای تعیین نیازهای حیطه‌ی سلامت و ارتقای سطح سلامتی افراد کیفیت زندگی آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند (هاینچلایفت و همکاران، ۱۹۹۳).

کیفیت زندگی در مدرسه عبارت است از بهزیستی و رضایت کلی دانش‌آموzan از جنبه‌ی تجارب منفی و مثبتی که ریشه در فعالیت‌های درون مدرسه‌ای آن‌ها دارد (مالین و همکاران، ۱، ۲۰۰۱). این تجرب مثبت و منفی که شکل‌دهنده‌ی ادراک کلی دانش‌آموز از میزان رفاه، بهزیستی و رضایت وی از زندگی درون مدرسه است حاصل مشارکت و درگیر شدن او در فعالیت‌های مدرسه می‌باشد و سطح رضایت دانش‌آموzan از زندگی روزانه‌ی خود در مدرسه را بیان می‌کند. سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۷) به دلیل اهمیت کیفیت زندگی کودکان و نوجوانان در مدرسه اخیراً نیاز کشور به ارتقا و بهبود با رفتار مدرسه و افزایش بهداشت دانش‌آموzan را در قالب کیفیت زندگی در مدرسه مطرح ساخته است.

یکی از ملاک‌های کارابی نظام آموزشی، نقش کارآمدی معلم بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموzan است که کشف و مطالعه‌ی متغیرهای تأثیرگذار بر آن به شناخت بهتر و پیش‌بینی عوامل مؤثر در مدرسه می‌انجامد (فراهانی، ۱۹۹۴). باید توجه داشت آگاهی‌ای که هر دانش‌آموز از میزان توانمندی‌های خوددارد، ادامه‌ی روند تحصیلی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بندوران، ۱۹۹۷؛ به نقل لین، ۲۰۰۶، ۲۰۰۶). آگاهی و شناخت فرد از توانمندی‌های خویش را خودکارآمدی می‌نامد. این مفهوم نزدیک به سه دهه است که توسط روان‌شناسان و نظریه‌پردازان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است (لین، ۲۰۰۶). (هرگنهان و



# عشایر با گفت و گوهای ۱۵ موافق اند

## نگاهی به فعالیت‌های آموزگار عشایری در روستای کوگان

محموداردوخانی  
عکس: سعید سروش



وجوددم تمایل به استفاده از روش‌های جدید وجود دارد.

در کلاس‌های چندپایه برای تدریس آیا بیشتر به محفوظات دانش‌آموزان تکیه می‌کنید یا از روش کارگاهی، آزمایشگاهی و

میدانی هم بهره‌مندی گیرید؟

بیشتر ذهن، تفکر، خلاقیت و حیطه‌های شناختی دانش‌آموزان را در نظر می‌گیرم. چون یادگیری و یاددهی را فقط مختص به پرسش و پاسخ نمی‌دانم. باید سعی کنیم دانش‌آموزان خلاق و جست‌وجوگ باشد.

کارها را به صورت گروهی انجام می‌دهیم. مثلاً از دانش‌آموزان می‌خواهیم تا در مورد

و اولیا و اهالی روستا صحبت می‌کنم و نکات ضروری و علمی را به آن‌ها بیان کنم. روش‌های تدریس شما مادر کلاس چندپایه بر چه مبنای است؟

در کلاس‌های چندپایه باید از انواع روش‌ها استفاده کرد. روش‌های تدریس فعلی زیادند؛ مانند روش مشارکتی، مثلاً در تدریس قرآن اولیای دانش‌آموزان را دعوت کردم و به آن‌ها نیز آموزش دادم تا بتوانند در منزل بدانش‌آموزان کار کنند. درباره تغییرات کتاب‌های درسی چه نظری دارید؟

به نظر من خواندن و درک خط فارسی به کار گرفته شده در کتاب کلاس اول برای دانش‌آموزان این پایه سخت است. البته تفاوت‌هایی هم از نظر روش‌های یاددهی - یادگیری در کتاب‌ها وجود دارد که آموزگار باید آن‌ها را بداند. کتاب باید در یاددهی و یادگیری و توجه به بازی هاووسگرمی‌ها در دانش‌آموز شور و شوق ایجاد مکنند.

تغییرات متون درسی در نحوه تدریس شما ماهیت تأثیر داشته است؟

بله. البته مادر دوره‌های آموزش ضمن خدمت شرکت کردم و با نحوه روش‌های تدریس متون جدید آشنا شدم که این برای ما قطعاً تأثیرگذار بوده است.

دانش‌آموزان شما هم با این تغییرات در متون درسی رابطه‌خوبی برقرار کرده‌اند؟ به هر حال ارتباط ایجاد می‌شود. این به محیط زندگی و خانواده‌ی دانش‌آموز هم بستگی دارد. آیا دوست دارید روش‌های دیگری را هم به کار ببرید یا اینکه روشی نورا طرح کنید؟

تلاشم بر این است که روش‌های جدید را خودم ایجاد کنم. احسانس می‌کنم همیشه در

### اشاره

علی نجات روستا، مدیر - آموزگار دیستان والفرجر روستای «کوگان» در خرم‌آباد لرستان است. نخستین ارتباط ماباوی از طریق تلفن بود. صمیمیت در صدای او موج می‌زد و مشتاقانه از طرح‌ها و هم‌چنین تدریس در فضای روستایی - عشایری می‌گفت. وجود کلاس‌های چندپایه و نحوی تدریس در آن‌ها با وجود دانش‌آموزان قد و نیم قد دختر و پسر، داستانی دارد که می‌بایست آن را از زبان آموزگار و دانش‌آموزان این کلاس‌ها شنید. این مدیر - آموزگار که ۲۴ سال سابقه‌ی خدمت دارد، چنان از ویژگی‌های طبیعی و کهن روستای کوگان و غار کوگان تعریف کرد که مشتاق شدیدم هرچه زودتر با او گفت و گویی داشته باشیم. حاصل این ملاقات و گفت و گویی در پیش رو دارد.

آقای نجات روستا، درباره‌ی فضای کاری تان توضیح دهید.

مدرسه‌ای که در آن فعالیت دارم روستایی - عشایری است و به شیوه‌ی چندپایه اداره می‌شود. نام کلاس‌م را ۱۵+ گذاشته‌ام؛ پنج شاگرد به علاوه‌ی خودم. با این نگاه امیدوارم کششوم در مذاکرات هسته‌ای ۱۵+ موفق باشد. نگاه من به آینده و به پیشرفت و توسعه است. در زمینه‌ی آموزش و فرایند یاددهی - یادگیری بیشتر اهمیت را به دانش‌آموزان می‌دهم. هم‌چنین در این زمینه و آموزش مهارت‌ها با اهالی روستا جلسات مختلفی برگزار می‌کنیم. می‌خواهدم در موضوع حفظ سلامت و بهداشت و حفاظت از محیط‌زیست با آن‌ها تعامل بیشتری داشته باشیم. من در مورد رودها و جنگل‌ها با دانش‌آموزان



به دانش آموزان انگیزه داده شد و در یادگیری آنها هم مؤثر بود. در این راستا از روایات و احادیث ائمه مخصوصین هم بهره برده و در آموزش یادآوری خوبی شد. اینکه درخت در امر تجزیه در طبیعت، جلوگیری از باد و توفان شدید و گرد و غبار چه اثری دارد و اگر درخت نباشد اکسیژن چگونه خواهد شد و تأثیر آن در آب و هوای از نکاتی است که در این طرح و طرحها مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

ما درباره حفظ میراث فرهنگی هم امسال تفاهم نامه همکاری با سازمان میراث فرهنگی داشتیم به دلیل وجود غار قدیمی مربوط به دوره ای اشکانیان در منطقه روستای کوگان، که در ایام تعلیلات رسمی گردشگران زیادی را جذب می‌کند، از دانش آموزان به عنوان همیار طبیعت کمک گرفتیم.



علی نجات روستا با صداقت و صفاتی که داشت همه خاطرات خود را در چند جمله بیان کرد: «دخترو پسرم شاگردان خودم بودند و اکنون هم تحصیلات عالیه دارند. الان خیلی از شاگردان مناسب و شغل‌های خوبی دارند. بسیاری از آنها دکتر و مهندس شده‌اند. معمولاً در پایه پنجم که امتحانات نهایی بود، صدر صدق قبولی می‌دادم».

این مدیر-آموزگار عاشق طبیعت است و اطلاعات خوبی از خواص گیاهان دارویی و روش‌های کاشت، داشت و برداشت آن‌ها دارد.

رودخانه‌ها و جویبارهای است که از آن در درس زنگنه استفاده می‌کنم.

ماکتی هم برای نقشه‌ای ایران است که هرگاه روی آن باشیم، کلیدهایی مخصوص محل پالایشگاه‌های نفت و گاز در کشور را با روشن شدن چراغ‌نشان می‌دهد.

یکی دیگر از طرح‌ها یادگیری در اشکال هندسی است که آن را هم خودم ساخته‌ام. مثلاً گوش انسان به شکل بیضی، سرش دایره، بالاتنه‌اش یک مثلث و پای انسان مستطیل است. از این وسیله بیشتر در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم استفاده می‌شود. دانش آموزان با این طرح‌ها و روش‌ها ذوق و شوق خوبی برای یادگیری پیدامی کنند. در این نمونه شکلی از انسان را در قالب شکل‌های هندسی تعریف شده بالوبیا، گندم و حبوبی دیگر با کمک دانش آموزان روی صفحه‌ای چسبانده و مشخص کرده‌ایم، در مورد ورزش هم هر صبح ۱۵ تا ۲۰ دقیقه حرکت و نرم شد و داریم که این غیر از ساعت تعیین شده زنگ ورزش است.



گیاهان دارویی تحقیقاتی انجام دهند و گزارشی برای مدرسه تهیه کنند و به کمک دوستنشان این گزارش را سر کلاس طرح کنند یا از آنها می‌خواهم در مورد آن‌ها داده و تحقیق و نظرشان را ارائه کنند. آنها نیز بعد از تحقیق و نتایج بدست آمده سر کلاس طرح و بحث می‌کنند. البته هر درسی روش خود را دارد. مثلاً من از کارت عدد خوان برای درس جدول ارزش مکانی که در تمامی پایه‌ها وجود دارد، استفاده می‌کنم.

کارت عدد خوان را خودم طراحی کرده‌ام. در این جدول اعداد از صفر تا نه در همه‌ی ردیف‌های متحرک آن وجود دارد. وقتی می‌خواهیم عدد ۳۴۴۵۳۶ را نشان دهیم با بالا پایین کردن محورها اعداد را یکی یکی کنار هم قرار می‌دهیم و دانش آموز هم اعداد و هم روش چگونه کنار هم قرار دادن آن را در عمل می‌آموزد. این وسیله را به اداره‌ی آموزش و پرورش عشاپیرانه‌ای از مورد قبول واقع شده و قرار است نمونه‌هایی از آن ساخته شود. این عدد خوان دارای اهرم‌های متحرک شش رقمی است و برای آموزش دانش آموزان استفاده می‌شود.

نمونه‌ی آموزشی دیگری که ساخته‌ام برای نفس کشیدن است. نخودی تنفس و سلامت دم و بازدم را در شکلی که می‌بینند نشان می‌دهد این نمونه بیشتر در پایه‌ی چهارم و پنجم دبستان مورد استفاده است و حتی در پایه‌های بالاتر هم می‌توان از آن استفاده کرد.

نمونه‌ای دیگر که با کمک دانش آموزان ساخته‌ام ماقت رشته کوه‌ها، ناهمواری‌ها،

# جمع و تفریق های فرایندی (گستردگی)

## و مقایسه آن با تکنیکی

بهزاد قبائلو

جمع کنید و جواب را به صورت تقریبی بیان کنید. به طور حتم اول صدگان، سپس دهگان ها و در آخر یکی ها را جمع می کنید.

از نگاه دیگر دانش آموزان در این سطح سنی بیشتر کل نگر هستند تا جز عنگر. این بدان معناست که یادگیری از طریق کل دیدن و از چپ به راست، عمل یادگیری بهتر اتفاق می افتد.

**ت: اجتماعی:** همانطور که می دانید امروزه تعداد، خریدن، فروش و معامله نزد خانواده ها و افراد بسیار بالا رفته است. از این روش محبوبی سریع و تقریبی نسبت به خرید و فروش ها و تنظیم دخل و خروج زندگی امری بسیار ضروری به نظر می رسد. همچنین اگر دقت کرده باشید، بچه ها در شمردن پول مخصوصاً در قلک های خود، از پول های درشت به پول های خرد حرکت می کنند. حتی بزرگسالان نیز در مرتب کردن پول خود از این قاعده پیروی می کنند.

**ث: آموزشی:** با اندکی اغماض شاید بتوان گفت که مهم ترین دلیل ورود این بحث به محتوا، همین باشد. موارد ذیل با توجه به تحقیقات و تجربه های آموزگاران می توانند دلیل محکمی برای مدعای باشد:

۱. دانش آموزان در تفریق اعدادی که دور قم و سه رقمه هستند و همچنین در بعضی مواقع رقم بیکان و دهگان که صفر است، دچار اشتباهات زیادی می شوند، مانند  $\frac{8}{8}$ . این امر در اعداد سه رقمی در پایه های بالاتر نیز، بیشتر مشهود است.

۲. همکاران بیماید دارند که در بحث انتقال و مخصوصاً در تفریق، بیشتر دانش آموزان انتقال را به صورت یک عادت یا به صورت عدم توانایی در تبدیل صد تایی به دهگان و ده تاییکی مشکل اساسی دارند. مثلاً  $\frac{10}{10}$  -  $\frac{9}{9}$  -

۳. از جمله اشتباهات دیگر دانش آموزان در زیر هم نویسی جمع و تفریق ستونی است و این به علت عدم شناخت دقیق از مبحث ارزش مکانی، مرتبه و طبقه ای اعداد است.

۴. از اشتباهات رایج دیگر ناتوانی بعضی از دانش آموزان در تبدیل حروف به عدد می باشد. دلیل آن ناشی از عدم توانایی استدلال در شناخت عدد و اعضای عدد مثل دهگان، ده تایی، صد تایی، صدگان و ... می باشد. به مثال زیر توجه کنید.

در عدد سیصد هزار و سه اشتباه رایج دانش آموزان در به عدد نوشتن آن به این صورت است  $300^3$ . این به خاطر آن است که عدد را به صورت گستته

با استقرار طرح ۳-۶-۶ محتوای کتاب های ریاضی در ابتدایی با تغییرات گستردگی روبه رو شد. نگاه جدید به چهار عمل اصلی از جمله مفاهیمی است که طعم این تغییرات را چشیده است. آموزگاران با مفاهیمی بانام های جمع و تفریق فرایندی (مرحله ای چپ به راست) و تکنیکی (راست به چپ) آشنا هستند. در این مبحث قصد هیچ گونه مقایسه با کتاب ها، تأثیرات و دیدگاه های قبلی نیست، بلکه نگاه به سمت مشکلاتی است که بیشتر دانش آموزان در حوزه های جمع و تفریق به آن دچار بوده اند. مثلاً همکاران گرامی مطلع هستند که بیشتر دانش آموزان در جمع و تفریق های با انتقال با مشکلاتی مانند اشتباه در زیر هم نویسی، کم کردن، تبدیل واحدها و دسته ها به اعضای داخل دسته ها و غیره روبه رو هستند. از این رو در ابتدای پردازیم و در نهایت استثنایات را بیان می کنیم.

دلایل مهم آن در محتوای کتاب ها:

**الف: بین المللی:** ۱. با توجه به آزمون بین المللی تیمز در سال ۲۰۰۷ میلادی، نتایج حاصل از آن در مفاهیمی مانند کسر تقریبی و محاسبات که دانش آموزان ایرانی عملکرد خوبی نداشتند.

۲. علم ریاضی یک علم بین المللی است بنابراین، هماهنگی، اجرا و حرکت با علوم بین الملل امری اجتناب ناپذیر است، از این رو دانش و علم ریاضی در جهان به سمتی پیش می رود که مجبور به هم سویی با آن هستیم.

**ب: سیر تاریخی:** هندی ها از حدود ۴۰۰ سال پیش که در عرصه محاسبات سابقه هی طولانی دارند با استفاده از ابزارهای مخصوص این اعمال را انجام می دادند. هر چند که انواع متفاوتی از این جمع و تفریق وجود دارد، اما بعد از آن نیز دانشمندانی از ایران مانند خوارزمی و بوزجانی این نوع از محاسبات را با اندکی تغییر (به شکل کنونی) به ایران آورده اند.

**پ: روان شناسی:** همان طور که می دانید فرایند حرکت و نوشتن اعداد ریاضی از چپ به راست است. از طرف دیگر اگر کمی به ذهن خود در خصوص جمع و تفریق مراجعه کنید خواهید دید که در بدو شروع عملیات، ابتدافرایند ذهنی از کل به جزء حرکت می کند.

این امر مخصوصاً در جمع و تفریق سه رقمی بیشتر مشهود است، مانند آن است که از شما بخواهیم عدد ۳۷۵ را با ۴۶۹ به صورت ذهنی و سریع

پنجمین نکته جمع و تفريقي هايي است که در عامل دوم صفر وجود دارد

مثل  $30 + 37$  چون دانش آموزان به گستره دنويسي عادت کرده اند، نوشتند گستره عدد سی لازم است یا خير، برای اين کار به دانش آموزان بگويند که عدد  $30$  را به حروف بنويسند. سپس پرسسيده شود آيا رقم بکان را نوشته ايدي؟ پس چون نداريم نمي نويسيم. آن گاه نتيجه گيري مي کنيم که در رقم بکان اگر صفر وجود نداشت، گستره آن را نمي نويسيم.

جدول ذيل مقايسه جمع و تفريقي فرایندی یا تکنيکي را نشان مي دهد.

ديده و به جايگاه صفر، طبقه و ارزش مكانی توجهی ندارد.

۵. وجود بعضی از تفريقي ها که دانش آموزان باید آن را حل کنند. اين ها تفريقي هايی هستند که رقم يکان و دهگان آنها در اعداد صفر است و دانش آموز ناگزير است که برای کم کردن از صدگان شروع کند. مثل  $400 - 225$

۶. تقويت و استفاده ای استدلال رياضی در تفکر دانش آموزان استدلال يعني دليل آوردن برای اثبات يك مفهوم رياضي. به عنوان مثال وقتی ما مي گويم  $375 = 300 + 75 + 5$  يعني  $300 + 75 + 5$  به عمل گستره نويسی مي گويند. در واقع با نوشتمن گستره نويسی، مقدار ارزش مرتبه و مكانی يك عدد را به اثبات رسانده و آن را قابل درک مي کند. مثل  $600 - 195$

۷. درک، استدلال و مشاهده فرایند عمليات نسبت به چگونگي و دلایل محلسپت بعضی از انواع جمع و تفريقي در رياضيات اين گونه است:

$$\begin{array}{ccccccc} & & & & & 25 & 25 \\ & & & & + 35 & + 35 & + 35 \\ & & & & \hline & & 60 & 55 & 50 \\ & & & & \downarrow & + 5 & + 10 \\ & & & & \hline & & 60 & 60 & 60 \\ & & & & & & \end{array}$$

تکنيکي

$$\begin{array}{ccccccc} & & & & 25 & 25 & 25 \\ & & & & + 35 & + 35 & + 35 \\ & & & & \hline & & 60 & 55 & 50 \\ & & & & \downarrow & + 5 & + 10 \\ & & & & \hline & & 60 & 60 & 60 \\ & & & & & & \end{array}$$

تکنيکي

برای اين گونه محاسبات به ذكر نکاتي چندمی پردازيم:

نکته اول اينکه دانش آموزان با راهنمایي هاي معلم می توانند از هر راهي که دوست دارند، محاسبات را تجام دهند.

دوم اينکه سه نوع جدول را در کتاب هاي رياضي دوم و سوم به عنوان ابزار شمارش، گنجانده شده است که در پايه دوم و سوم به عنوان ابزار

جدول اشاره مي کند. اولی مربوط به شمارش يکی يکی و حرکت روبه جلو و روبه عقب در جمع و تفريقي هايی است که باید تک تک بشمارند و شمارش

را افقی انجام دهند. جدول نوع دوم زمانی است که شمارش و حرکت رو به جلو و روبه عقب ضمن شمارش يکی يکی و ده تا ده تا به صورت افقی،

شمارش به صورت عمودی با اندازه صد تا صد تا صورت می گيرد. در پايه سوم در صفحه ۱۰۴ کتاب ضمن داشتن دونوع جدول فوق جدول سومی

وجود دارد که حرکت افقی و عمودی دارد با اين تفاوت که شمارش هزارتا هزارتا اضافه مي شود.

نکته بعدی در مورد اينکه تا کي و به چه صورت دانش آموزان از اين جداول باید استفاده کنند. در مرحله اول دانش آموزان با جدول و

سپس از طریق ابزارهایی مثل انگشتان دست و در آخر از طریق ذهن محاسبات را انجام می دهند. بنابراین تا زمانی که مهارت شمارش

و محاسبه به ذهن منتقل نشده است استفاده از آن بلا مانع است.

نکته چهارم ابزارهای مورد نیاز است که می توان به جداول ساخته

دانش آموزان، بازی ماروپله، انگشتان دست، دسته های ده تایی و صد تایی و غیره اشاره کرد.

جمع و تفريقي تکنيکي	جمع و تفريقي فرایندی (گستره دهای)
۱. محاسبه از جزء به کل می باشد.	۱. محاسبه از کل به جزء است.
۲. مسیر محاسبه از راست به چپ است.	۲. داشت آموزان تصویری و دست ورز بهتر با آن رابطه برقرار می کنند.
۳. داشت آموزان کلامی بهتر با آن رابطه برقرار می کنند.	۳. داشت آموزان ذهنی بيشتر تقويت می شود.
۴. محاسبات عملياتي و فرمول بهتر تقويت می شود.	۴. پاسخ اولين مرحله محاسبه نزديک به جواب اصلی است.
۵. اولين مرحله محاسبه از جواب اصلی دور است.	۵. به يادگيري مفهوم تقریب کمل زیادي می شود.
۶. کمل چندانی به مفهوم تقریب نمی کند.	۶. زیرهم نويسی اعداد در محاسبات به صورت جدي تقويت می شود.
۷. اشتباها زیادي در زيرهم نويسی اعداد می شود.	۷. استدلال دانش آموز بسيار بالا می رود.
۸. استدلال دانش آموز نسبت به اعداد کم است.	۸. تقويت جايگاه اعداد را در ارزش مكانی به دنبال دارد.
۹. تقويت ارزش مكانی اعداد کم است.	۹. فضای نوشتاري بالايي برای نوشتمن در محاسبات می خواهد.
۱۰. فضای نوشتاري کمي می خواهد.	۱۰. محاسبه آن زمان بر است.
۱۱. محاسبه آن زمان کمي می خواهد.	۱۱. انتقال از طریق شمارش رو به جلو، رو به عقب درست کردن، صورت می گيرد.
۱۲. انتقال از طریق شمارش رو به جلو، رو به عقب درست کردن، صورت می گيرد.	۱۲. در اعدادي که صفر نقش ميانجي در اعداد با انجام عمليات و بدون درک و استدلال محاسبه را انجام می دهد.
۱۳. داشت آموز به صورت مکانیکي و فقط ضرب و تقسيم می کند و کليه مراحل آن را درک صدگان و بيشتر برقرار می کند.	۱۳. در اعدادي که صفر نقش ميانجي در اعداد سه رقم به بالا دارد، ارتياط خوبی بين رقم يکان و صدگان و بيشتر برقرار می کند.
۱۴. ابزار آن دسته درست کردن و دسته باز کردن است.	۱۴. ابزار آن گستره نويسی است.
۱۵. داشت آموزان در درک، انجام و چگونگي اعمال ضرب و تقسيم، تصور درستي ندارند و مکانیکي عمل می کنند.	۱۵. کمل بسيار زیادي به درک اجزاي مفهوم ضرب و تقسيم می کند و کليه مراحل آن را درک می کند.
۱۶. برای محاسبه اعمال باید از کاغذ و قلم استفاده کرد.	۱۶. کاربرد آن در زندگي روزمره فراوان است و نياز به کاغذ و قلم ندارد.
۱۷. برای اعداد چند رقمي زیاد مناسب نیست.	۱۷. آن می شود.
۱۸. در سیاري از اعداد که صفر دارند داشت آموزان دچار اشتباها می شوند.	۱۸. جايگاه عدد صفر، بسيار ملماوس و توجه جدي به آن می شود.
۱۹. فقط داشت آموزان تصویری و دست ورز آن را بهتر انجام دهند.	۱۹. داشت آموزان سبك کلامي با آن ارتباط خوبی برقرار می کنند.

# جادوی ارتباط مؤثر

## شیوه‌های مؤثر در ارتباط والدین و فرزندان

اعظم فاضلی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

به‌نظر می‌رسد تمام شیوه‌ها به‌جز شیوه‌ی پیامده‌نده، مانع رویه‌رو شدن افراد با احساس حقیقی خود می‌شوند. همه‌ی کسانی که می‌خواهند با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار کنند، باید با حالت‌های گوناگون ارتباط و تأثیر آن‌ها آشنا باشند تا در ارتباط مهارت بیشتری بدست آورند و در نتیجه یاد بگیرند خودشان باشند.

خانواده‌ی مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه است و از همین‌رو، باید سالم باشد. خانواده‌ی سالم خانواده‌ای است که میان اعضای آن رابطه‌ی درستی حاکم باشد. برای رسیدن به رابطه‌ی انسانی سالم اصول و شیوه‌هایی وجود دارد.

**کلیدوازه‌ها:** شیوه‌های ارتباط، گونه‌های ارتباط، عمل گرایی

### گونه‌های ارتباط

ساختار ارتباط به ساختارهای کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌شود.

**(الف) ارتباط کلامی**  
زبان مهم‌ترین عامل ارتباطی انسان و کلام ساده‌ترین و کاربردی‌ترین وسیله‌ی تبادل و تفahم

### اشاره

ارتباط مفید و سازنده نخستین گام برای رسیدن به اهداف متعالی است. کسانی که توانایی و مهارت ارتباط مؤثر با دیگران را ندارند، اغلب برای برقراری ارتباط بی‌تمایل و بی‌انگیزه‌اند. فرد برای یافتن مدل مناسب و انتخاب شیوه‌ی ارتباط، هنگامی دچار دغدغه می‌شود که در فشار باشد. انسان در چنین شرایطی مدل‌هایی از رفتار را بروز می‌دهد که عبارت اند از: (الف) سرزنش‌گر؛ در این مدل مجری همواره با انگشت خود به‌سمت دیگری نشانه می‌رود، مخالفت می‌ورزد، اتهام می‌زند و عیب‌جویی می‌کند. (ب) منطقی و خشک؛ به‌صورتی که خود را با عواطف دیگران درگیر نمی‌کند و به خود می‌اندیشد. (پ) سازش‌گر؛ همیشه موافقت می‌کند، خواهش، تمنا و عذرخواهی می‌کند و می‌توان او را به‌صورت کسی در نظر گرفت که به‌سمت زانوهایش خم شده و سر به پایین اندخته است. (ت) ارتباط برقرارکننده‌ی گیج؛ حواس دیگران را پرت می‌کند و به‌نظر می‌رسد نمی‌تواند خود را با آنچه اتفاق می‌افتد وق دهد و می‌کوشد موضوع را عوض کند. (ث) پیامده‌نده؛ می‌خواهد خودش باشد و صادقانه پیام خود را بیان کند. او می‌تواند اطلاعات را به‌طور دقیق بگیرد و پردازش کند.



ونوجوان، احساس امنیت روانی است. تعلیم و تربیت بدون احساس آرامش و امنیت بی اثر خواهد بود. رفتارهایی چون عیب‌جویی، لجایزی، سرزنش، داد و فریاد، تنبیه بدنی، بدهنه و مشاجره با کودک موجب احساس نامنی در کودک می‌شود و به همان نسبت از اقتدار والدین می‌کاهد.

انسان‌ها به شمار می‌رود. کلمه و کلام بار ارزشی و مفهومی ویژه‌ای در ذهن و روان شنونده ایجاد می‌کند و چه بسا اورا به سوی تعبیرها و تفسیرهای درست یا نادرست سوق دهد که ممکن است نظر گوینده نیز بر آن نباشد. بسیاری از ارتباط‌های انسانی از طریق گفت‌وگو شکل می‌گیرند.

### ب) ارتباط غیرکلامی

پیام‌های غیرکلامی چهار گونه‌اند: ۱. حرکات وضعی بدن، ۲. غیرکلامی- حرکتی، ۳. غیرکلامی- اشاره‌ای، ۴. غیرکلامی- چهره‌ای. در ارتباط والدین با فرزندان، چهره با مخاطب سخن می‌گوید. حالات چهره‌ی فرد انعکاسی از اوضاع و احوال درونی اوست. واکنش افراد نسبت به رفتار دیگران، در حالات چهره نمایان می‌شود. چهره‌ی شاد و خندان، چهره‌ی غمگین، چهره‌ی آراسته و پیراسته، چهره‌ی درهم و آشفته در شکل برقراری ارتباط مثبت یا منفی تأثیر دارد.

برنارد گوتتر عناصر ارتباط غیرکلامی را این گونه برمی‌شمرد: «دست دادن، حالت صورت، ظاهر، تُن صدا، انواع آرایش، لباس‌ها، حالت چشم‌ها، لبخند، فاصله‌ی دو طرف از هم، نفس کشیدن با اعتماد، چگونگی گوش دادن، روش حرکت، حالت ایستادن و نحوه‌ی لمس کردن دیگران». البته کلام و گفتار فقط بخشی از جریان ارتباط و تبادل نظر با دیگران است. اگر از این ارتباط کلامی و غیرکلامی درست و اصولی بهره‌گیری شود، ارتباطی سالم و مؤثر بین والدین و فرزندان برقرار می‌شود. روان‌شناسان نوعی دیگر از ارتباط را از اختلاط میان دو شیوه‌ی بالا استخراج کرده‌اند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

### ارتباط همزمان کلامی و غیرکلامی

برای تأثیر، رسایی، اعتبار و کاربرد بیشتر ارتباط می‌توان این دو نوع ارتباط را با هم به کار برد. در این ارتباط، زبان گفتاری با زبان بدنی یا رفتاری هماهنگ به کار گرفته می‌شود تا منظور گوینده بهتر و کامل‌تر ادا و تفہیم شود. تعامل ارتباط کلامی- غیرکلامی به شکل طبیعی و بدون صرف زمان اضافی و تدبیر پیشین صورت می‌پذیرد. کافی است انسان از دوران کودکی نمادهای گفتاری و رفتاری مناسب را از پدر و مادر و دیگران فرآگیرد و آن‌ها در جای مناسب با هم منطبق کند.

### اصول برقراری ارتباط موفق

الف) برقراری ارتباط عاطفی و کلامی

پژوهش‌های نشان داده است که هر چه ارتباط کلامی و پیوند عاطفی بین اعضای خانواده بیشتر باشد، روابط آن‌ها سالم‌تر و محکم‌تر است. بنابر توصیه‌ی روان‌شناسان در هر فرصتی که دست می‌دهد باید با فرزندان صحبت کرد و با آن‌ها در فضایی محبت‌آمیز ارتباط کلامی و عاطفی برقرار نمود؛ فضایی که کودک به آن اعتماد کند و بتواند آزادانه با پدر و مادر و معلم خود حرف بزند و از نگرانی‌ها، عالیق، خواسته‌ها، احساسات و مسائل و مشکلات خود سخن بگوید.

### ب) ایجاد احساس امنیت روانی

از نظر علم روان‌شناسی نخستین شرط تأمین سلامت روانی کودک

### نتایج احساس امنیت روانی در کودک

۱. خود را می‌پذیرد و قبول دارد.
۲. به خود و دیگران اعتماد دارد.
۳. مسئولیت رفتار خود را پذیرفته است و دیگران را مقصراً نمی‌داند.
۴. تصمیم‌گیرنده، مستقل و خلاق است.
۵. اراده‌ای راستخ دارد و راهنمای درونی هدایتش می‌کند.
۶. احساس آرامش درونی و خودارزشمندی می‌کند.

### پیامدهای احساس نامنی روانی در کودک

- ۱- بهانه‌گیری می‌کند، خطاهای خود را نمی‌پذیرد و آن‌ها را به عهده دیگران می‌گذارد.
۲. اعتماد به نفس ندارد و در پذیرش خود مشکل دارد.
۳. به دیگران اعتماد نمی‌کند و نمی‌تواند با آنان ارتباط برقرار کند.
۴. متکی و وابسته می‌شود و از دیگران کورکورانه پیروی می‌کند.

### پ) اعتدال

برخی از والدین در برخورد با کودکان بیش از حد سخت‌گیری می‌کنند. فرزندان این خانواده‌ها کمتر به خود متکی‌اند، خلاقیت کمی دارند و کنچکاً نیستند، در مسائل اخلاقی، عاطفی و ذهنی انعطاف‌پذیرند و از دیگران به سرعت تأثیر می‌گیرند. برخی والدین در خانواده نیز بیش از اندازه سه‌گیرند و به اصلاح، کاری به کار فرزندان خود ندارند. در این خانواده‌ها قوانین بسیار محدودی وجود دارد و افراد چندان به اجرای قوانین پایین‌نیستند، هر کس هر کاری می‌تواند انجام می‌دهد و دخالت در کارهای دیگران معنا ندارد. کودکان این خانواده‌ها هر چند استقلال فکری و عملی دارند، به سبب هرج و مرج در محیط خانواده نوعی تزلزل روحی در آنان دیده می‌شود. در نتیجه، این کودکان توانایی زندگی اجتماعی ندارند و در جامعه‌ی بزرگ‌تر همیشه با مشکلات اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌شوند.

### ت) پذیرش و احترام دوستی

محترم شمردن کودک و نوجوان، احترام به حقوق و شخصیت او، پذیرش او همان‌گونه که هست، عشق و رزیدن به او و توجه به نیازهایش، از مهم‌ترین اصول برقراری رابطه‌ی انسانی است. کودک یا نوجوان را باید همان‌طور که هست، پذیرفت. احترام به کودک یا نوجوان نشانه‌ی دوست داشتن است. فعالانه‌ی گوش دادن به حرف‌های کودک، توجه به نیازهای او، فراهم کردن فرصت‌هایی برای اینکه ابزار وجود، اظهار نظر و تصمیم‌گیری کند، اجازه ندادن به دیگران برای تمیز خودک و... از نمودهای رعایت احترام کودک است.

### ث) تشویق و تأیید کردن

در اصطلاح روان‌شناسی، اگر رفتار مطلوب با نتیجه یا پیامد خوشایندی همراه شود، آن را تقویت مثبت می‌نامند که نتیجه‌اش،

# از آموزگار هوشمند به تخته‌ی هوشمند

تدالکی

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی مجتمع فرهنگی و آموزشی ربانی

## اشاره

تخته‌ی هوشمند از جمله ابزار مورد نیاز در مدارس هوشمند است که به عنوان یکی از سانه‌های الکترونیکی و چند حسی در تعامل با رایانه و دیتا پرور گتکو، مثلثی تعاملی از رسانه‌ی الکترونیک ایجاد می‌کند که براساس اصول یادگیری الکترونیکی می‌تواند آموزش را در محیط یادگیری مشارکتی دوچندان کند. امانتاید فراموش کرد که استفاده از این ابزار به تشخیص معلم از یک تا صد رصد متغیر است و تخته‌های هوشمند مکمل آموزش هستند. لذا هوشیاری معلم در طراحی و تشخیص موقعیت مناسب کاربرد این ابزار در تدریس در سودمندی این ابزار بی‌تأثیر نخواهد بود.

**کلیدوازه‌ها:** تخته‌ی هوشمند، یادگیری ترکیبی، مدرسه‌ی هوشمند

## ضرورت الکترونیکی شدن

تخته‌های هوشمند از جمله ابزاری هستند که امروزه در مدارس مختلف براساس ضرورت الکترونیکی شدن مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تخته‌ی هوشمند به خودی خود یک رایانه نیست، اما هر آنچه با آن انجام می‌شود با تخته‌ی هوشمند هم قابل اجراست. با این تخته‌ها مطالب تولید شده به سیله‌ی معلم یا دانش آموزان به صورت لوح فشرده یا از طریق وبسایت مدرسه به مخاطب ارائه می‌شود و حتی از منزل هم می‌توان این مطالب را مطالعه کرد.

قرار گرفتن تخته‌های هوشمند در کنار نرم افزارهای خاص آموزشی محیط کلاس را تعاملی تر می‌کند. این ابزارها می‌توانند فرایند آموزش را جذاب‌تر سازند، یاددهی را از وضعیت غیرفعال به حالتی تعاملی تبدیل کنند و درک و فهم عمیقی از مفاهیم و پدیده‌ها انتقال دهند. این فناوری به دانش آموزان برای یادگیری محتوای بیشتر در زمان کوتاه‌تر کمک می‌کند. این تکنولوژی در جهت افزایش اعتمادبه‌نفس به معلمان برای کسب اطلاعات بیشتر کمک می‌نماید و به نظر می‌رسد کلاس‌های پر از هیجان و یادگیری

تقویت و استمرار آن رفتار است. با توجه به این حقیقت که انسان، موجودی تشویق طلب و تبیه گریز است و ارزش تشویق، تبیه، محبت و پاداش رادرک می‌کند، استفاده از تشویق و محبت بهترین راه ایجاد، استمرار، تقویت و گسترش رفتارهای مطلوب کودک است. استفاده از روش‌های نامطلوب به انجام رفتارهای مطلوب نخواهد انجامید. بنابراین، استفاده از تبیه بدنی، سرزنش کردن، خجالت دادن، نفرین کردن، دشتمان دادن و مانند آن به اصلاح رفتار کودک یا نوجوان کمکی نمی‌کند.

تشویق به صورت‌های گوناگون صورت می‌گیرد؛ گاهی با تشکر از کودک و اظهار رضایت از کار او یا تعریف کردن از او نزد دیگران. از دیگر روش‌های تشویق کودک این است که او مسئولیت بدھیم. اجازه بدھیم به تلفن پاسخ دهد، زمان بازی اش را اضافه کنیم، بگذاریم فیلم مورد علاقه‌اش را ببیند، اورا به سینما، پارک، مهمنانی و... ببریم.

**ج) تعديل انتظارها به میزان توان فرزند**  
علم روان‌شناسی، کودک را در هر مرحله از رشد دارای توانایی‌های ویژه‌ای می‌داند. از این‌رو، باید انتظارهای خود را به نسبت توان کودک تعديل کرد و به اندازه‌ی توان، از اورفتارهای ویژه‌ای خواست.

**چ) رازداری**  
رعایت اصل رازداری مهم‌ترین عامل ایجاد رابطه انسانی و جلب اعتماد بین دونفر است. پدر و مادر باید تلاش کنند با ایجاد فضای اطمینان‌بخش، رازدار و محترم اسرار فرزند خود باشند. جوهرهای رابطه انسانی اعتماد متقابل است و اساس اعتماد با رازداری ایجاد می‌شود.

**ح) قاطعیت و جدیت**  
بیشتر والدین یا قاطع اند یا مهربان و شمار کمی از آنان هم‌زمان قاطع و مهربان‌اند. منظور از قاطعیت، جدی و استوار بودن در نظر و تصمیم است. اگر اصولی چون محبت، صمیمیت، تکریم شخصیت با قاطعیت همراه نباشد، نتیجه‌ی لازم از آن‌ها گرفته نمی‌شود. تن صدا نشان‌دهنده‌ی تمایل شما به قاطع و مهربان بودن است. نکته‌ی مهم این بحث این است که نباید قاطعیت را با خشونت اشتباه گرفت. به همان اندازه که خشونت از ضعف روحی و اخلاقی سرچشمه می‌گیرد، قاطعیت، جدیت و داشتن قدرت تصمیم‌گیری، قدرت روحی و امتیازی اخلاقی ای است که اگر با عوامل دیگری چون نرم خوبی، صمیمیت، سعه‌ی صدر و روش‌بینی همراه شود، آثار بسیار مفید و سازنده‌ای در تربیت بر جای می‌گذارد.

**خ) عمل گرایی**  
اصل عامل بودن، مهم‌ترین اصل در برقراری رابطه با کودک است؛ زیرا کودک با سرمشق گیری و الگویاری یاد می‌گیرد و رفتار می‌کند. چه بسیارند افرادی که درباره‌ی فضایل اخلاقی داد سخن می‌دهند ولی برخلاف آن عمل می‌کنند. این حالت موجب بیماری گسیختگی شخصیت می‌شود. دوگانگی در گفتار و رفتار پدر و مادر سبب بی‌اعتمادی کودک به آموزش‌های آنان می‌شود و اثر زیان‌بارتر اینکه کودک، دانستن و عمل نکردن را از پدر و مادر فرامی‌گیرد و متأسفانه درس چند شخصیتی بودن را می‌آموزد.

یادگیری مبتنی بر تجربه و هماهنگ با محیط‌های تدریس طراحی شده است و ارائه‌ی جذاب معلم در ایجاد این یادگیری معنادار می‌تواند کاربرد تخته‌های هوشمند را به عنوان یک ابزار آموزشی اثربدار و مفید بسازد یا اینکه آن را به یک تخته‌ی کلاسی معمولی تبدیل کند.

در هوشمندی معلم برای بهره‌برداری از این ابزار انگیزه و آموزش دو مسئله‌ی مهم است. اباداشتن انگیزه‌ی کافی و توانایی استفاده از تمام امکانات این ابزار براساس مبحث درسی و به فراخور کلاس می‌تواند نهایت استفاده را از این تخته‌ها داشته باشد. نباید فراموش کرد که در مسیر هوشمندسازی مدارس و استفاده از ابزار الکترونیکی، این دانش آموز است که یاد می‌گیرد و اگر دانش آموز بتواند به یادگیری خودیاب برسد و با شرایط دائم‌آ در حال تحول سازگاری حاصل کند و قابلیت یادگیری مدام‌العمر در او شکل بگیرد، یادگیری از دید اجتماعی حاصل شده است. یعنی آموزگار به تخته‌ی هوشمند در مدارس باید از بعد اجتماعی و نقش آن در این مسیر توجه کند. به این صورت که به مسیرهای مختلف یادگیری، متناسب با علاوه‌های سبک‌های یادگیری فرآگیرندگان و سرعت یادگیری متفاوت آنان با هم توجه داشته باشد و این ابزار چند رسانه‌ای را به نحوی در طرح تدریش جای بدهد که دانش آموز به تک‌آموزی که حوصله‌ی کار کردن با دیگران را ندارد تبدیل نشود.

توجه به ساختار اجتماعی دانش موجب می‌شود که معلم هوشیارانه به نقش خود توجه کند و بداند که آموزش را کنار بزند و اگر دانش آموز مسئول یادگیری خودش هم باشد، معلم تسهیل‌گری است که توفان ذهنی ایجاد می‌کند و دانش آموز را در این خودآموزی راهنمایی و سپس نظارت می‌کند.

توجه به گروه سنی دانش آموزان، الگوهای تدریس متنوع و محتوای مناسب، طیف تعاملاتش با دانش آموزان را پرپارتر کرده و دانش آموزانی با اعتماده‌نفس بالا پرورش می‌دهد و گرنه از میان ذی‌نفعان یادگیری الکترونیکی از شاگرد و معلم و سازمان آموزشی و جامعه حداکثر سود عاید شرکت‌های تولید کننده و وارد کننده‌ی تخته‌های هوشمند خواهد شد.

#### منابع

۱. سراجی، فرهاد؛ عطaran، محمد؛ عسگری، مجیدعلی؛ «ویژگی‌های طرح برنامه درسی دانشگاه‌های مجازی ایران و مقایسه‌ی آن با الگوی راهنمایی طراحی برنامه‌ی درسی دانشگاه مجازی»، فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه‌بزی در آموزش عالی، شماره‌ی ۱۳۸۷، ۵، ۱۳۸۶.
۲. فتحی‌واچارگاه، کووش؛ شفیعی، ناهید؛ ارزش‌بایانی کیفیت برنامه‌ی درسی دانشگاهی (مورد برنامه‌ی درسی آموزش پرگسالان)، فصل‌نامه‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی، سال اول، شماره‌ی ۵، ۱۳۸۶.
۳. میرزاگیگی، محمدعلی؛ خرازی، کمال؛ موسوی، امین؛ طراحی الگوی تدوین محتوای الکترونیکی براساس رویکرد شناختی برای دروس نظری با تأکید بر حوزه‌ی علوم انسانی در آموزش عالی، فصل‌نامه‌ی مطالعات برنامه درسی، سال سوم شماره‌ی ۱۳۸۸، ۹۹.
۴. ریاحی، غلامحسین؛ ابدی، مهرداد؛ طراحی و تهییه‌ی نرم‌افزار آموزش الکترونیکی (E-learning) به منظور آموزش نحوه‌ی عملکرد توبین‌های بادی در سیستم‌های انرژی تجدیدپذیر، فصل‌نامه‌ی آموزش مهندسی ایران، سال دهم، شماره‌ی ۱۳۸۷، ۳۸.
۵. عادی، رحیم؛ یادگیری الکترونیکی و آموزش پرورش، ۱۳۸۳. ( مؤسسه توسعه‌ی فناوری آموزشی مدارس هوشمند).

ماندگار می‌شوند.

بعضی از انواع این تخته‌ها می‌توانند بیش از یک کاربر داشته باشند و به صورت تعامل میان دانش آموزان و معلم مورد استفاده قرار گیرند که به تخته‌های چندلمسی معروف‌اند.

سازگاری در نوع این نرم‌افزارهای دانش آموزان و معلم اجازه می‌دهد تا آن‌ها به وسعت بخشیدن در یادگیری و ایجاد و اشتراک‌گذاری منابع با یکدیگر قادر باشند و بحث و تجربیات خود را بسایر دانش آموزان در کلاس به اشتراک بگذارند. سرعت توسعه‌ی مهارت‌های دانش آموزی در آنان اعتماد به نفس ایجاد خواهد کرد.

استفاده از این تخته‌ها بسیار جذاب‌تر از تخته‌های سیاه مدارس است و به راحتی می‌تواند کلاسی روحیه‌بخش در تمام سطوح داشته باشد و به دانش آموزان منفعل نیز کمک کند.

در مدارسی که نیمه‌هوشمند یا تمام‌هوشمند باشند، شبکه‌ای وجود دارد که کلاس‌ها را بهم وصل می‌کند، سروری که تمام این محظواه‌ها در اینجا خیره می‌شوند و در زمان لازم مورد استفاده قرار می‌گیرند. و بگاه این مدارس به عنوان پل ارتباطی میان مدرسه، خانواده، معلم و سایر مدارس هوشمند است که با هم تعامل دارند و از تجارت یکدیگر استفاده می‌کنند.

مشارکت دانش آموزان در تولید محتوا و خلاقیت‌های آنان در کاربرد تخته با حداقل آموزش مهارت‌های رایانه‌ای و دسترسی به اینترنت مهم و مرجع مناسبی برای منابع علمی و آموزشی خواهد بود.

یادگیری با این تخته‌ها را می‌توان با مدل یادگیری جدیدی به نام یادگیری ترکیبی توجیه کرد. در این مدل یادگیری با به کارگیری ابزار متنوع و فناوری‌های پیشرفته سعی در بهبود کیفیت و توسعه‌ی کمی فعالیت‌های آموزشی در دو بعد عمومی و افقی می‌شود. در بعد افقی در گسترش دامنه و ابعاد وسایل کمک آموزشی در فرایند آموزش سعی می‌شود به گونه‌ای که با ترکیب بهینه‌ی این وسایل بالاترین کیفیت حاصل می‌شود و در بعد عمودی به عمق مسئله‌ی یادگیری و چگونگی در که بهتر مواد کمک آموزشی پرداخته می‌شود و اینکه چه روش‌هایی در چه زمان‌هایی به درک بهتر مطالب و یادگیری بهینه منجر می‌شود. قدرت معلم در ترکیب این وسیله با روش‌های تدریس در میزان موفقیت این ابزار اثربدار خواهد بود.

بدیهی است که ترکیب آموزش الکترونیکی به عنوان دستاورده تحول نظام آموزشی نوین و زیرمجموعه‌ای از دو دنیای بزرگ آموزش و فناوری اطلاعات در فرایند آموزش و یادگیری و برنامه‌ی درسی امری احتمال‌نپذیر است، زیرا در صورت تدوین محتوا مناسب و پویا و قابل تطبیق با شرایط یادگیرندگان زمینه‌ی مناسبی برای ارتقای یادگیری و افزایش کیفیت آموزش پیدی خواهد آمد. در این راستا آموزش نیز با ایجاد فرصت‌ها و روش‌های نوین یادگیری مانند انتقال آموزش به صورت هم‌زمان و غیرهم‌زمان و استفاده از مدل‌های جدید آموزشی به بهسازی فرایند یادگیری با هدف ساخت یادگیری معنادارتر، فردی و مداوم، افزایش توانایی حل مسئله، قابلیت دسترسی و انعطاف‌پذیری اندیشیده است.

در محیط‌های آموزشی الکترونیکی ارائه‌ی محتوا براساس ایجاد

# دانش آموزان بر دهانه‌ی آتش فشان فعال می‌ایستند!

## جغرافیا، رایانه و فناوری آموزشی

دکتر مهدی چوبینه  
کارشناس آموزش جغرافیا

### فناوری‌های نوین در علم جغرافیا زودتر از سایر علوم مورد استفاده قرار گرفتند

زمانی که دوربین عکاسی اختراع شد، جغرافی دانان با استفاده از آن عکس‌های بهتری از ارتفاع بالاتر تهیه کردند تا محیط‌های ناشناخته را بهتر بشناسند و برای بهبود زندگی انسان مورد استفاده قرار دهند. با گذشت زمان و پیشرفت فناوری در روزگار ما، برای تهیه‌ی عکس‌های هوایی از ارتفاع بالا دیگر کسی از کوتو، بادبادک، بالن و هوایپیما استفاده نمی‌کند. امروزه دانشمندان از ماهواره‌های مدرن برای تهیه‌ی اطلاعات استفاده می‌کنند و از این طریق به یافته‌های جدید و دقیقی از نقاط مختلف کره‌ی زمین و حتی سایر سیاره‌های منظومه‌ی شمسی دست می‌یابند. این اطلاعات جدید، که در گذشته به صورت تصاویر ساده

اشاره جغرافیا از علوم مفیدی است که عمرش به اندازه‌ی عمر بشر روی کره‌ی زمین است. از یک سو به موضوعات طبیعی و از سوی دیگر به موضوعات انسانی می‌پردازد و هدفش از بررسی و مقایسه‌ی این دو بخش یافتن راههایی برای بهبود زندگی انسان است. از این نظر این شاخه از علم همواره در استفاده از دستاوردهای جدید از سایر علوم جلوتر بوده است؛ زیرا قصد دارد با استفاده از امکانات جدید زودتر و بهتر به انسان کمک کند تا زندگی بهتری داشته باشد. بقراط حکیم، پدر علم پژوهشکی، در نصیحت به همه‌ی پژوهشکان گفته است: «اگر می‌خواهید طبیب خوبی باشید باید جغرافیا بدانید، چون بدون آشنایی با محیط جغرافیایی نمی‌توانید بیماری‌ها را درست تشخیص دهید و هر بیماری‌ای در هر محیطی به شکل متفاوتی بروز می‌کند». می‌دانیم که همه‌ی پژوهشکان در سراسر دنیا پس از اتمام درس خود سوگندنامه‌ی بقراط را امضا می‌کنند.

در گذشته بسیاری از سیاحان در سفرهای خود آنچه را می‌دیدند به شکل سفرنامه‌هایی می‌نوشتند تا آیندگان از وضع زندگی مردم و اوضاع جغرافیایی مناطق دیگر مطلع شوند. امروزه حجم اطلاعات جغرافیایی‌ای که تولید می‌شود به اندازه‌ای است که دیگر نمی‌توان آن‌ها را به شکل کتاب ارائه داد اما به کمک رایانه می‌توان این اطلاعات را بهترین شکل حفظ و نگهداری کرد و مناسب با هر نیازی آن‌ها را پردازش و به شکل‌های مختلف، مثلاً نقشه‌ها، بازیابی نمود.

شما بدون رایانه‌ها نمی‌توانید نقشه‌های هواشناسی را هر روز در اخبار ببینید و بدون پیش‌بینی هوا هم نمی‌توانید تصمیم بگیرید وقتی از منزل خارج می‌شوید، چه لباسی پوشید. بدون این اطلاعات جدید از وجود معادن بالرزوش باخبر نخواهید شد و قادر نخواهید بود مسیرتان را در میان جاده‌های ناشناخته در سفر به کشورهای مختلف پیدا کنید.



پشت‌بام خانه‌ی خود را به‌وسیله‌ی تصاویر ماهواره‌ای ببینیم و خیابان‌های شهر خود را به‌راحتی پیدا کنیم.

از همین طریق می‌توانیم مراقب محصولات کشاورزی خود باشیم یا دام‌های خود را برای چرا به مناطق بهتری هدایت کنیم و از همه مهم‌تر می‌توانیم از این امکانات در کلاس‌های درس استفاده کنیم. فناوری اطلاعات به همراه رایانه و دانش جغرافیا به ما امکان می‌دهد به جاهایی برویم که رفتن به آن‌ها به شکل طبیعی امکان‌پذیر نیست. آیا می‌شود بچه‌های کلاس را به دهانه‌ی یک آتش‌شان فعال برد؟ آیا دیدن قعر اقیانوس‌ها امکان‌پذیر است؟ بنابراین، با استفاده از این امکانات بهتر می‌توانیم به بچه‌ها آموزش دهیم و نسل آینده را نسبت به نسل قبل برای زندگی بهتر و بیشتر آماده کنیم.

حتی برای تفریح و استراحت بچه‌ها هم بازی‌های رایانه‌ای جغرافیایی پیش‌بینی شده‌اند که هم سرگرمی هستند و هم آموزش. باور ندارید؟ از بچه‌ها پرسید کدام‌شان «دور دنیا در ۸۰ روز» را بازی کرده‌اند؟ شاید جواب‌های آن‌ها شما را قانع کند. خودتان هم امتحان کنید.

بودند، اکنون به‌شکل انبوی از ارقام تهیه و تولید می‌شوند که بدون استفاده از فناوری‌های جدید و رایانه‌ها قابل استفاده نیستند. از این‌رو، رایانه‌ها به‌عنوان ابزارهای ضروری در مطالعات جغرافیایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. رایانه‌ها این اطلاعات را در خود ضبط و سپس پردازش می‌کنند و به‌شکل قابل استفاده‌ای در می‌آورند تا به‌وسیله‌ی جغرافیادانان برای حل مشکلات انسان‌ها در محیط‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرند. از کارهای دیگری که به‌وسیله‌ی رایانه‌ها انجام می‌شود، تهیی نقشه‌های دقیق‌تر و جدیدتر از همین اطلاعات ماهواره‌ای است. دانشمندان جغرافیایی با مقایسه‌ی این نقشه‌ها با نقشه‌های قدیمی‌تر به ما می‌گویند که چه تغییراتی در سطح کره‌ی زمین رخ داده است و سپس براساس دانش و تجربه‌ی خود نسبت به پیش‌بینی تغییرات آینده اظهارنظر می‌کنند. آن‌ها حتی امروزه با استفاده از این اطلاعات می‌توانند برخی از مخاطرات طبیعی مثل توفان‌های عظیم و سیل امواج بلند‌بندری یا سونامی را پیش‌بینی کنند.

با گسترش فناوری هر روز شاهد نوع جدیدی از نرم‌افزارها در موضوعات علوم مختلف از جمله جغرافیا هستیم. به‌طوری که دنیا امروز را «عصر اطلاعات» نامیده‌اند. در علم جغرافیا این دنیا جدید بسیار سریع‌تر مورد توجه قرار گرفت. اگر با این دنیا آشنا باشید، حتماً نام «گوگل ارث» و «گوگل مپ» راشنیده‌اید. این‌ها نمونه‌هایی از دانش فناورانه‌ی امروز هستند که اطلاعات جغرافیایی را به علاقه‌مندان عرضه می‌کنند. این فناوری‌های نوین به‌ما امکان می‌دهند که هر نقطه از کره‌ی زمین را روی صفحه‌ی رایانه‌ی خانگی خود ببینیم. به عبارت دیگر، فناوری اطلاعات و دانش جغرافیا شرایطی را فراهم می‌کند که هر روز



# همراهان م

این بخش از مجله انکا  
تیجه‌ی پژوهی و بررسی مقالات  
و آثار ارسالی همکاران گرامی و  
مخاطبان مجله است که به تفکیک و  
استان در ادامه درج شده است.

منطقه‌ی ۱۴، با مقاله‌ی «نحوه‌ی  
صحیح نشستن» که عین مقاله  
را در سایت باشگاه خبرنگاران به  
تاریخ نهم تیرماه ۱۳۹۲ می‌توان  
ملاحظه کرد.

## چهارمحال و بختیاری

مریم هاشمی شهرکی، آموزگار  
ناحیه‌ی دو شهرکرد، مقاله‌ی  
«کارکرد بازی‌های رایانه‌ای» به  
مجله‌ی رشد مدرسه‌ی فردا ارسال  
شد.

## خراسان جنوبی

فاطمه ثقة‌الاسلامی، فوق  
لیسانس آموزش ابتدایی، با  
«آموزش خانواده چهارضلعی‌ها  
در پایه‌ی چهارم».

## خوزستان

روبخیر ترک، آموزگار دبستان  
فروغی، منطقه‌ی باوی. با  
مقاله‌ی «مشارکت فعال‌تر  
فرهنگیان در فعالیت‌های  
آموزش‌وپرورش».

## زنجان

روح‌الله خانی، سرگروه

مختصات پایه‌ی ششم».  
فرخنده مسلمی نجارکلایی،  
دبستان سروش، منطقه‌ی  
هشت. با «آموزش حروف الفباء».  
محسن طاهری‌رفیق،  
شهریار، با «پرورش هوش  
هیجانی در دانش‌آموزان».

نصیر زارع (طلایی)، دبستان  
سجادیه. با «خانه‌تکانی دل‌ها  
در مدرسه».

فاطمه اولیایی، دبستان  
قدس ۱، منطقه‌ی ۱۴. با  
«فرایند برنامه‌ریزی».

زهرا احمدی‌پاژوکی، دبستان  
قدس ۱، منطقه‌ی ۱۴. با «نقش  
خلاقیت و نوآوری».

راضیه‌ی والامهر، معاون  
دبستان قدس ۱ با مقاله‌ی «نظم  
و انضباط».

فریناز مشتاقی، آموزگار  
دبستان شهید کاظم موسوی،  
منطقه‌ی پنج. با «آودگی‌ها و  
سلامت کودکان».

فاطمه جباری، پژوهش‌سرای  
شهید احمدی روشن،  
آموزش و پرورش بهارستان  
۱. با «دستسازه‌های کارگاه  
آموزشی».

نداساغری، آموزگار دبستان  
هجرت، منطقه‌ی هشت با  
«جذاب‌سازی ریاضیات».

فربیا احمدی، آموزگار  
دبستان شهید هاشمی‌نژاد، با  
مقاله‌های «جذابیت ششم» و  
«خلاقیت» و مریم خوش‌نشین،

امیر طیاری، دبستان  
عدل دانشگاه اصفهان.  
با «یادگیری و برخی عوامل  
مؤثر بر آن».

زهرا فیروزی، دبستان عدل  
دانشگاه اصفهان، با «روش  
مشارکتی».

اکبر احمدیان با غبارانی،  
دبستان عدل دانشگاه  
اصفهان. خاطره‌ی شما، «بُوی  
بهشت» را به دفتر مجله رساند.

سیده علی‌یه شمس، دبستان  
صدیقه‌الزهرا (س)، ناحیه‌ی دو  
کرج، با «عید نوروز» و «آشنایی  
با اصول پژوهش و روش‌های  
پژوهش».

تهران  
صادیقه حاجی حسنی،  
منطقه‌ی دو، با «نظام آموزشی  
استرالیا» و «صایای نقاشی».  
اعظم سبحانی دوست  
سعیدی، دبستان شهید نامجو،  
منطقه‌ی چهار. با «نمونه‌برگ  
شرکت در طرح جذاب‌سازی  
کلاس‌های ریاضی».

فینا حریری، آموزگار دبستان  
ایمان، منطقه‌ی دو. با «زنگ  
انشا هدفی را دنبال می‌کند».

مینا دری، آموزگار دبستان  
شاهد حضرت زینب (س).  
منطقه‌ی پنج. با «محور

## آذربایجان شرقی

اکرم احمدی، آموزگار  
دبستان بلال، ناحیه‌ی چهار  
تبریز، با «تولید کفشهای تبریز» و  
«ساخت کتاب».

کریم عباسی‌اول، مرند،  
با «ازش‌یابی کیفی» و  
«تفاوت‌های فردی».

علی سیفی‌ملکی، آموزگار  
دبستان شهید ملا‌باقری،  
ملکان، با «شعر طوفان نوح».

نیر مرکب‌سازی، آموزگار  
دبستان سید احمد خمینی،  
تبریز، با «برگزاری آزمون هفتگی  
در کلاس».

فاطمه حضرتی، آموزگار  
دبستان استاد جعفری، ناحیه‌ی  
دو تبریز، با «دوستم حلزون».

## اصفهان

سید محمد فاطمی، منطقه‌ی  
جرقویه‌ی علیا، با «ازش‌یابی در  
خدمت ارزش‌یابی» و «اهمیت  
بازی کودکان».

سهیلا شیخی، مدیر  
مدرسه‌ی لقمان، خمینی‌شهر،  
مقاله‌ی «نیروی حفاظتی بدن»  
را به رشد قرآن فرستادیم.



## با مجله‌های رشد آشنا شوید

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

#### لشکر کوک

(برای دانش آموزان ابتدایی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

#### لشکر نوآهون

(برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

#### لشکر دانش آهون

(برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

#### لشکر نوچوان

(برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

#### لشکر چ

(برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

### مجله‌های بزرگ‌سال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی
- رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا
- رشد مدیریت مدرسه
- رشد معلم

### مجله‌های بزرگ‌سال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهارشماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد آموزش منساق و مدرس
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای
- کار دانش
- رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مرکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تپیه و تکنولوژی آموزشی، دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تپیه و متنشر می‌شود.

▪ نشانی: تهران، خیابان ابرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

▪ تلفن و نامبر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰ ۱۴۷۸

### مازندران

رشید محمدی لیتکوهی، معاون دبستان رییس‌زاده، آمل، با «مدیریت و کنترل آتش‌سوزی مدارس». سکینه روحی، آموزگار دبستان شهید تقی‌زاده زیدسلی، میاندورود. با «تجربه‌ی آموزشی اول خدمت».

### مرکزی

مریم حاجی‌محمدی، آموزشگاه شهدای ۱۵ خرداد، خمین، با خاطره‌ی «خانم اجازه اعظم حرف نمی‌زند».

### آثار این همکاران رسید:

مهری فریدونی، آموزگار، با مقاله‌ی «خواندن حروف الفبای فارسی (بخوانیم)». افتخار اسدی، ارسنجان، با «حرمت چیست؟»، الهام ضیاییان، با «نقش و جایگاه سواد خواندن در یادگیری درس علوم تجربی». هادی فرج‌تبار، کارشناس ابتدایی، با «راهبردهایی برای معلمان جهت هماهنگ کردن دانش آموزان دارای اختلال...»

### فارس

ایوح تن‌پرور، آموزش‌پرورش زرقان، با «قرمزی که سبز شد».

### قزوین

تورج جعفرزادگان، محمود جعفرنژاد، دبیرستان صدر، قزوین، با مقاله‌ی «ارزیابی طرح همیار سلامت».

### کردستان

عبدالله عزیزی، مجتمع آموزشی و پرورشی پیامبر اعظم(ص)، با «نقش ارزش‌بایی در پیشرفت تحصیلی». عبدالله بهرامی، آموزگار، مریوان، با «بر پهلوی راست خواهیدن».

### رسان

معصومه روستایی، دبستان شاهد پسرانه، بروجرد، با «فعالیت مکمل درس ریاضی پایه‌ی اول».

# اشک شادی

## صبری مهربانی

در اولین روزهای خدمتم در یک روستای دورافتاده تدریس را شروع کردم. کلاس دوپایه‌ی سوم و چهارم که جماعت دانش آموز داشتند.

کلاس شلوغ و پرسروصدا بود. در میان دانشآموزان کلاس چهارم دو برادر بهنام‌های ابراهیم و اسماعیل نیز حضور داشتند. هر دو بسیار شلوغ و جزو دانشآموزان دیرآموز بودند که در طول چند سال تحصیل، حتی در یادگیری حروف الفبا هم مشکل داشتند. مجبور شدم در نوبت بعد از ظهر با آن‌ها کار کنم ولی به سختی یادمی گرفتند و بیشتر اوقات خودم هم نامیدم شدم. یک روز در کلاس درس ابراهیم را برای حل تمرینات مربوط به «کسر» پای تابلو بردم. باور نمی‌کردم تمرین را درست انجام داده باشد.

گفتم: «آفرین، بنشین» و دانش آموزان نیز تشویقش کردند. وقتی نشست، دوست بغل دستی اش گفت: «خانم معلم، ابراهیم گریه می کند». او از خوش حالی که توانسته بود تمرین را درست حل کند، گریه می کرد. اشک های ابراهیم باعث شد تا تصمیم بگیرم در هر شرایطی تا توان دارم از خود مایه بگذارم و با دانش آموزان مشکل دار و دارای اختلال یادگیری کار کنم.



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و گفتوگویی آموزشی

## اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

## برگ اشتراک مجله‌های رشد

## نحوه اشتراک:

شما می توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰  
بانک تجارت، شعبه سه راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو  
روش زیر، مشترک محله شوید:

۱. مراجعة به وبگاه مجلات رشد به نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
  ۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی کی فیش را نزد خود نگهدارید.

### ◆ نام مجالات در خواستی:

### ♦ نام و نام خانوادگی :

### ◆ تاریخ تولد:

◆ تلفن:

### ◆ نشانی کامل پستی:

## ..... استان:

## ..... خیابان:

پلاری:

## .....سندھ یسی بھی.....

## مجمع پژوهشی

• 1 •

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
  - وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)
  - اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳-۰۱۱۰-۷۷۳۳۶۷۵-۰۷۷۳۳۶۷۵-۰۲۱-۷۷۳۳۶۷۵

- هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰ ریال
- هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰ ریال